

غروب خورشید فقاہت

غلامرضا اسلامی

تقدیم

بسمه تعالی

تقدیم به پیشگاه مولا صاحب الزمان قطب عالم امکان، امام عالمیان، کعبه مقصود خوبان، حضرت بقیه الله الاعظم حجه ابن الحسن العسکری، عجل الله تعالی، فرجه شریف.

... اعلام می‌کنم که اهانت به مراجع معظم و تمثال شریف آنان حرام و مخالف رضای خداست و اعلام می‌کنم که اگر کسی این عمل شنیع را بکند از ملت نیست و از عمال اجانب و دستگاه جبار است، عموم ملت هوشیار باشند.

امام خمینی

۲۸ / ۱۰ / ۱۳۵۷ ش

... این بزرگوار «آیت الله العظمی خوئی» یکی از نخستین کسانی بود که پس از شروع نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» حوزه علمیه نجف را به اهمیت حوادث ایران متوجه ساخت و سعی و کوششی ارجمند در همراهی با حرکت عظیم و روحانیت و مردم در ایران مبدول کرد و در نهضت خونین مردم عراق در رمضان ۱۴۱۱ هـ - ق قطب اصلی نهضت و مرکز صدور حکم قیام اسلامی بود.

رهبر انقلاب اسلامی

آیت الله خامنه‌ای. - ۹ / صفر / ۱۴۱۳ ق

... مبارزات ایشان در آغاز نهضت شکوهمند ایران به رهبری امام راحل‌مان اعلی الله مقامه را همه می‌دانند. مشارکت ایشان در نهضت و انقلاب در اوایل نهضت، به گونه‌ای بود که بعضاً در آن روزها و ماه‌های اول، آنچنان حاد و داغ، ایشان با حکومت شاه برخورد داشتند که امام. (رحمه الله علیه). و آیت الله العظمی میلانی (رحمه الله علیه). پیکی را فرستادند و از ایشان خواستند که با آن حدت و شدت کار

غروب خورشید فقاہت، ص: ۴

را ادامه ندهند.

حجہ الاسلام و المسلمین ناطق نوری

۱۳۷۱ / ۵ / ۱۸

-

تشکر و تقدیر:

ضمن عرض تشکر و قدردانی از برادری که در این امر مهم و حساس مرا یاری نموده‌اند، و اینجانب را مرهون لطف و عنایات خود قرار داده‌اند، بی نهایت سپاسگذارم.

از خوانندگان و صاحب‌نظران عزیز تقاضا دارم از هر گونه پیشنهاد و انتقاد که در امر پیشبرد اهداف این کتاب مؤثر است، دریغ ننموده و به آدرس ذیل ارسال دارند.

آدرس:.. شیراز: خیابان منوچهری کهنه، کوچه مسجد شوشتری، جنب مسجد شوشتری، پلاک ۱۰۱، تلفن ۵۵۶۶۱.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۵

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خدائی را که برای معرفت خویش انسان را آفرید (۱) و از میان انسان‌ها علماء را بیش از دیگران گرامی داشت (۲) به گونه‌ای که آنان را بازگوینده احکام و شریعت خویش گردانید و به راههای اطاعت و سخط خود آشنا ساخت. آنان را با انبیاء برابر دانست (۳) و قلم‌هایشان را بر خون شهیدان برتری داد (۴) درود فرستادن بر آنها و نیکو یاد کردنشان را مستحب (۵) دانسته و حرکت به سوی آنها و نظر به سیمایشان را مندوب شمرده و شفاعتشان در مورد فرزندان و پدران و شاگردان قبول نموده است. (۶)

درود و سلام بر سرور انبیاء و اشرف انساها، پیامبر نیکو خصال و رسول والا مقام محمد. (صلی الله علیه وآله و سلم). و وصی پر فضیلت و یازده فرزندش که بهترین و کاملترین افراد بشرند.

و سلام بر پویندگان راستین مکتب وحی و نبوت و خاندان عصمت و طهارت شیعه یعنی پیروان خاندان پیغمبر و طرفداران مکتب جهانی و انقلابی اهل بیت و رهروان راه امامان معصومین (صلوات الله علیهم) از زمان رحلت پیامبر. (صلی الله علیه وآله و سلم). تا کنون همیشه چنین بوده است که با الهام از تعالیم پیامبر خاتم. (صلی الله علیه وآله و سلم). و ائمه طاهرین. (علیه السلام). هیچ‌گاه در برابر ظلم سر فرود نیاورده و تسلیم حکومت‌های خودکامه طاغوتی نشده‌اند. و از این میان علماء و فقهای بزرگ شیعه با تعهد به اسلام راستین علی. (علیه السلام). با تحمل مشقت‌ها و رنج‌های فراوان همواره در راه حفظ این آرمان مقدس نهایت سعی و تلاش را نموده و با جان دل از آن پاسداری کرده‌اند.

فقهاء حصون اسلام و دژهای محکم ایمان و نگهبانان آگاه شریعت و آئین الهی هستند. آنان در طول تاریخ پیش‌قراولان مبارزه با استعمار و استبداد و بیدادگری بوده‌اند و چه مشقت‌ها و ناملایماتی که در این راه متحمل گردیده‌اند بحدی که اغلب جان خود را نیز فدای آرمان الهی خود نموده‌اند و در راه همان آرمان به فیض شهادت نائل آمده‌اند.

از این رو جا دارد تعمق بیشتری در زندگی آنان صورت گیرد و افعال و اعمال و نگرشهای آنان مورد دقت و جستجو قرار گیرد تا نسل کنونی با مفاخر اسلام و مسلمانان بیشتر

انس و آشنایی پیدا کند تا درس صحیح زندگی را از آنان بیاموزد و ایشان را الگو و اسوه زندگی خود قرار دهد.

در این راستا مروری می‌کنیم بر گوشه‌هایی از خدمات و مبارزات یکی از بزرگترین مراجع تقلید شیعه و از فقهای بنام عصر و علمای خستگی‌ناپذیر و مبارزی که با رحلتش ثلمه و شکاف عظیمی در عالم اسلام ایجاد گردید.

این عالم ربّانی و فقیه صمدانی حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم الموسوی الخوئی (رضوان الله تعالی علیه) هستند. ایشان عمری را در راه ترویج مکتب مظلوم تشیع و احیاء علوم مذهب جعفری و منطق اصیل نبوی سپری نمود. او از رادمردانی بود که در اوج خفقان رژیم پهلوی به مبارزه برخاست و در کنار مراجع دیگر بالأخص مرحوم حضرت امام (قدس سره) به مجاهدات خود ادامه داد. البته همان‌طور که مطلعید لحن مبارزه و قیام، از روز نخست (یعنی از آغاز غائله انجمن‌های ایالتی و ولایتی که از مهرماه ۱۳۴۱ تا اردیبهشت ۱۳۴۲) بسیار نرم و ملایم بود و در آغاز کار هر نهضت و قیامی جز اصول تاکتیکی آن جنبش و حرکت انقلابیست و کدام نهضت را می‌شناسید که از این قانون مستثنی باشد.

به موازات آگاهی توده‌ها است که جریان انقلابی سریع و سریعتر می‌شود و لذا حتی در اعلامیه‌ها و تلگراف‌های حضرت امام (رحمه الله علیه). نیز ما این لحن ملایم را به خوبی می‌توانیم لمس کنیم. و اما این مرجع عالیقدر جهان تشیع ابعادی دیگر نیز دارند که از آن جمله می‌توان تعلیم و تربیت شاگردان فراوان و تألیفات بی‌شمار در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی را نام برد. شاگردان ایشان در سراسر جهان اسلام به نشر و گسترش فقه جعفری و فرهنگ غنی اسلام پرداخته و پرچم این مکتب الهی را در بلندترین نقاط علم و دانش برافراشته‌اند و همچنان از آن پاسداری می‌نمایند. و این مختصر گنجایش بیان مقام علمی و عملی و خدمات ارزنده این عالم ربّانی را ندارد. اگر چه دست عوام‌فریبانه دشمنان اسلام و مرجعیت و روحانیت با اشاعه افکار انحرافی سعی در خدشه‌دار نمودن شخصیت مراجع تقلید بالأخص این مرجع عظیم الشان را داشته اما خدای بزرگ که همیشه یاور اولیاء خودش می‌باشد نقشه شوم و پلید آنها را بر آب کرد و آنها را خوار و رسوا ساخت. اگر چه قدر این عالم جلیل‌القدر و فقیه اهل‌البیت را ندانستند و شخصیت آن مرد فرزانه در میان ملت ایران مجهول ماند ولی بخواست خدا حق ثابت، و باطل نابود شدنی است و این وعده ذات اقدس احدیت به خود جامه عمل می‌پوشد که می‌فرماید: «جاء الحق و زهق الباطل، انّ الباطل كان زهوقا».

الأحقر شیخ غلامرضا اسلامی

شیراز - رمضان ۱۴۱۳ برابر با اسفند ۱۳۷۱ ش.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۷

۱- اشاره به آیه ۵۶ سوره الذاریات: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»

یعنی من جنّ و انسها را نیافریدم مگر برای این که مرا عبد باشند و اطاعت کنند.

۲- اشاره به آیه ۱۱ سوره مجادله: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ. وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»

یعنی خداوند ایمان آورندگان و صاحبان از علم را به درجاتی (از مقامات) بالا خواهد برد.

۳- اشاره به حدیثی است بدین مضمون: (قال الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم): علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل) یعنی پیامبر. (صلی الله علیه و آله و سلم). فرمود: علمای امت من همانند انبیاء بنی اسرائیل هستند.

۴- جمله‌ای است مشهور بدین عبارت که: «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء»

یعنی مرکب علماء بر خون شهیدان برتر است. این جمله که در بسیاری نوشته‌ها و سخنرانی‌ها بکار می‌رود، با این ترکیب و معنا در هیچ حدیثی دیده نشده است.

آنچه که اصل مطلب است و شاید همو مبدأ این را در مورد فرزندان و پدران و شاگردان قبول کرده است. در این جمله واقع شده باشد، حدیثی که شیخ صدوق (رحمه الله علیه) در جلد ۴ کتاب خود بنام (من لا یحضر الفقیه) (باب النوادر، صفحه ۳۹۹، از امام جعفر الصادق علیه السلام نقل کرده است که بشرح زیر می‌باشد:

(معلی بن مُجَدِّد البصری عن احمد بن مُجَدِّد بن عبدالله عن عمرو بن زیاد، عن مدرك بن عبدالرحمن، عن ابی عبدالله الصادق جعفر بن مُجَدِّد علیه السلام قال:

إذا كان يوم القيامة، جمع الله عزّوجلّ الناس فی صعيد واحد، و وضعت الموازين، فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء.

یعنی وقتی، هنگامه قیامت رسد، خداوند متعال، مردم را در سرزمینی پهن‌آور جمع می‌کند. ترازوهای (سنجش اعمال) به کار می‌آید خون شهداء با مرکب علماء (در يك ترازو) سنجیده می‌شود (یعنی بنا به فرض، هر کدام در کفه‌ای از ترازوی قرار می‌گیرد) در آنجاست که مرکب علماء بر خون شهداء رجحان و برتری پیدا می‌کند.

۵- یعنی چه نیکوست وقتی نام علماء برده می‌شود، در کنار آن عباراتی همچون (رحمه الله علیه) یا (اعلی الله مقامه) یا ... ذکر شود. در جلد یکم بحار الانوار در باب حق العالم آمده است:

قال امیر المؤمنین علیه السلام:

لا تحقرن عبدا اتاه الله علما، فان الله لم يحقره حين اتاه اياه

غروب خورشید فقاہت، ص: ۸

علی علیه السلام فرمود: بنده‌ای را که خداوند بدو دانش بخشیده است تحقیر مکن زیرا خداوند به هنگام عطا کردن علم به وی، او را کوچک به حساب نیاورده است.

۶- حدیثی است در این زمینه، از امام رضا علیه السلام، در بحار الانوار جلد ۱، باب ثواب الهدایه و التعلیم، بدین شرح:

(قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: ی

قال للعابد یوم القیامه، نعم الرجل کنت،. همتک ذات نفسک، و کیف الت - اس موتیک، فادخل الجنة، الا انّ الفقیه من افاض علی الناس خیره و انقذهم من اعدائهم و وفرّ علیهم نعم جنان الله، و حصل لهم رضوان الله تعالی و یقال لفقیه: یا ایها الکافل لا یتام آل محمد، الهادی لضعفاء محبّیهم و موالیهم، قف، من اخذ عنک او تعلّم منک. فیدخل الجنة معه فقاما. حتّی قال: عشراؤهم الذین اخذوا عنه علومه و اخذوا عنّ اخذ عنه و عمّن اخذ عنه الی یوم القیامه. فانظروا کم فرق ما بین المنزّلین.

امام رضا علیه السلام فرمود: روز قیامت به «عابد» گفته می‌شود: تو مرد نیکی بودی (ولی) کوشش تو صرفاً برای (نجات) خودت بوده است و بار زندگی بدوش مردم. بس (این که) به بهشت وارد شو (ولی به تنهایی). اما هشیار باش و ببین، فقیهی که خیرش را در میان مردم جاری ساخته و آنها را از شرّ دشمنانشان نجات بخشیده و نعمت‌های بهشت را بر آنها فراوان و رضوان خدا را برای ایشان کسب کرده است، (اینک) بدو گفته می‌شود:

ای سرپرست یتیمان آل محمد، ای راهنمای دوستداران مستضعف، ائمه (علیه السلام)، توقف کن تا شفاعت کنیم تمام کسانی را که از تو کسب علم نموده‌اند پس از آن او می‌ایستد و گروه گروه از مردم با او داخل بهشت می‌شوند. تا جائی

که معاشرین با او که به طرق گوناگون تا بر پا شدن قیامت از او علم آموخته‌اند (همگی به شفاعت او وارد بهشت می‌شوند) پس ببینید بین دو منزلت (عالم و عابد) چقدر تفاوت است.

منظور از یتیمان آل محمد ناآشنایان به ائمه اطهار (علیهم السّلام) می‌باشند. چنان که در حدیثی از امام حسن مجتبی (علیه السلام) چنین می‌خوانیم

: فضل کافله یتیم آل محمد، المنقطع عن موالیه النَّاشب فی رتبه الجهل، یخرجه من جهله و یوضح له ما اشتبه علیه، علی فضل کافل یتیم یطعمه و یسقیه، کافضل الشمس علی السهی:

برتری کسی که یتیمی از خاندان محمد (صلی الله علیه وآله و سلم). که از امامانش جدا مانده و در سراسیمگی نادانی قرار گرفته است سرپرستی می‌کند و او را از نادانی می‌رهاند و شبهات را برایش روشن می‌سازد بر کسی که یتیمی را سرپرستی می‌کند و او را می‌خوراند و می‌نوشاند همچون برتری خورشید بر ستاره سهی (که ستاره بسیار کوچکی است).^۱

(۱). به نقل از کتاب «کلمه الامام الحسن (علیه السلام)، صفحه ۸۳» تألیف: شهید سید حسن شیرازی. ترجمه: علیرضا میرزا محمد.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۹

* سخنی با خواننده:

- بر ارباب بصیرت پوشیده نیست که موضوع مرجعیت و رهبری شیعه در طول اعصار مختلف مورد توجه خاص و عام بوده است، جهت آگاهی بیشتر مطلبی از استاد شهید مرتضی مطهری (رحمه الله علیه). نقل شده است:

^۱ (۱). به نقل از کتاب «کلمه الامام الحسن (علیه السلام)، صفحه ۸۳» تألیف: شهید سید حسن شیرازی. ترجمه: علیرضا میرزا محمد.

... در عصر ما نسبت به اصلاحات اجتماعی حساسیت مثبت و مبارکی پیدا شده که قابل تقدیر است، اما این جهت احیاناً به نوعی افراط‌گرایی کشیده می‌شود که هر خدمتی جز اصلاح اجتماعی به هیچ‌گرفته می‌شود. هر خدمتی با معیار اصلاح سنجیده می‌شود و ارزش هر شخصیتی به میزان دخالتش در اصلاحات اجتماعی معتبر شناخته می‌شود. این طرز تفکر هم بنظر می‌رسد صحیح نیست، زیرا هر چند اصلاح اجتماعی جامعه خدمت است، اما هر خدمتی لزوماً اصلاح اجتماعی نیست.

اختراع داروی سل یا سرطان، خدمت است اما اصلاح نیست. پیش بردن علوم خدمت است اما اصلاح نیست.

هر پزشک که از بامداد تا شامگاه بیمار می‌بیند و معالجه می‌کند، خدمت اجتماعی می‌کند امام اصلاح اجتماعی نمی‌کند. زیرا اصلاح اجتماعی یعنی دگرگون ساختن جامعه در جهت مطلوب، و کار پزشک این چنین نیست. از این رو ارزش کار خدمتگذاران بزرگ را به جرم این که در اصلاحات اجتماعی نقشی نداشته‌اند نباید نادیده بگیریم. کار شیخ مرتضی انصاری یا صدر المتألهین یک خدمت است و خدمت بسیار بزرگی هم هست در صورتی که کار آنها اصلاح، و خود آنها مصلح به شمار نمی‌روند. یا مثلاً مجمع البیان که در حدود ۹ قرن پیش نوشته شده و همواره مورد استفاده صدها و هزارها نفر بوده و هست خدمت است اما اصلاح اجتماعی شمرده نمی‌شود، کاری بوده که یک عالم در انزوا انجام داده است.

بسا افراد که از راه تقوای شخصی و الگو بودن عینی خودشان بزرگترین خدمت‌ها را کرده، در حالیکه عملاً از دخالت‌های اجتماعی برکنار بوده‌اند.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۰

پس صالحان نیز مانند مصلحان ارزشمندند و خدمت کرده‌اند گو این که مصلح شمرده نشوند.^۲

همچنین آقای سید حمید روحانی در مقدمه کتاب اسناد انقلاب اسلامی چنین بیان می‌دارد:

... عالمان وارسته فقیهان خود ساخته در راه پیامبران و امامان و برای تداوم مبارزه آنان شیوه‌ها و روش‌های گوناگون بکار بستند:

- راه پند و اندرز.

- راه نفوذ و رخنه در میان دربارها و مراکز قدرت.

^۲ (۱)*. تخطیهای اسلامی در صد ساله اخیر، صفحه ۸.

- راه روشنگری، افشاگری. مبارزه منفی.

- راه درگیری و قیام و انقلاب.

علمان اسلامی و روحانیون وارسته اگر با مردمی نا آگاه و فریب خورده روبرو بودند، برای ستم زدائی و رویارویی با خود کامگی‌ها و بیدادگری‌های طاغوتان، ناگزیر راه پند و اندرز و تاکتیک رخنه، نفوذ، ارتباط و رفت و آمد را در پیش می‌گرفتند و بدین سان زورمداران را تا آن جا که توان داشته‌اند. از جنایت، ستمگری و خیانت به اسلام و منافع و حقوق مردمان باز می‌داشتند و اگر ملتی آگاه و وفادار بهمراه داشتند، به مبارزه منفی و یا به خیزش و قیام دست می‌زدند و بدین گونه کاخ‌نشینان، مسرفان و مستکبران را تا هر پایه‌ای که امکان داشت به عقب‌نشینی وا می‌داشتند.

محمود محمود در کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد پنجم صفحه ۴۷ از قول لرد کورزون که از مهره‌های معروف و خطرناک سیاست استعماری انگلستان است نقل می‌کند که: طبقه مرتجع ایران که در رأس آن‌ها علماء قرار گرفته‌اند، این طبقه با هر بدعتی (/ نوآوری) که نفوذ اروپا را در ایران زیاد کند، مخالف می‌باشند. اساساً ویژگی مشترک جمیع بدعت‌گذاران و سردمداران جریان‌های انحرافی در دو قرن اخیر - بلکه در تاریخ اسلام همین بوده است: کوبیدن اسلام سنتی، فقه سنتی، عزاداری سنتی و ... و درست همین جا است که روشنفکر مذهبی معاصر با این که ظاهراً ادعا و عنوان مخالفت با الحاد و بازگشت به مذهب را دارد و می‌خواهد با لا مذهبی و روشنفکران لا مذهب بستیزد نهایتاً به تز اسلام منهای آخوند و نفی تشیع سنتی می‌رسد. و نیز به همین دلیل است که روشنفکر مذهبی گرفتار التقاط است.

مانند: شریعت سنگلجی، احمد کسروی و ...

(۱)*. نضتهای اسلامی در صد ساله اخیر، صفحه ۸.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۱

زندگی‌نامه حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه)

* تحولات فکری و انقلاب فرهنگی در پرتو مرجعیت جهانی بزرگ پرچمدار نهضت علمی، استاد الفقهاء و المجتهدین، مرجع اعلای شیعه، زعیم حوزه‌های علمیه، حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم موسوی خوئی.

همان طوری که رسم است علماء بزرگ علم رجال، در تراجم خود وقتی که نوبت به نام آن‌ها می‌رسد، مرقوم می‌دارند، ایشان (آیت الله خوئی) در کتاب نفیس معجم الرجال الحدیث چنین می‌نگارد: در سال ۱۳۱۷ هـ. ق (۱۲۷۷ ش) در شهرستان خوی، از شهرستانهای آذربایجان ایران در نیمه رجب چشم به جهان گشودم.

مراحل ابتدائی تحصیل اعم از مقدمات و غیره نزد والد علامه‌ام حجت الاسلام و المسلمین مرحوم حاج سید علی اکبر موسوی خوئی. (رحمه الله علیه). فراگرفتم، در این وقت بود که اختلافات مشروطیت شروع شد، پدرم به علت عدم موافقت با مشروطه غیر مشروطه تصمیم به مسافرت از ایران به عراق را گرفت (سال ۱۳۲۸ هـ) و من به ناچار همراه برادر بزرگم مرحوم آقای سید عبدالله خوئی و دیگر افراد خانواده در سال (۱۳۳۰ ق) به پدر خود که در مدینه علم و

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۲

حوزه نجف اشرف سکنی گزیده بود، ملحق شدم.

در بدو ورودم به نجف اشرف (در سن سیزده سالگی) ادبیات و منطق و کتب اولیه فقه اصول را نزد اساتید فنّ پی گرفتم، سپس وارد سطوح عالیّه شده، مکاسب مرحوم شیخ انصاری را از مرحوم آیت الله حاج میرزا فرج الله تبریزی، و جلد اول کفایه الأصول مرحوم آخوند خراسانی را از آیت الله سید علی کازرونی و جلد ثانی کفایه الأصول نزد مرحوم آیت الله آقا میرزا محمود شیرازی به پایان رساندم. (انتهی)

درس خارج فقه و اصول و سایر علوم دیگر را در سن ۲۱ سالگی نزد مراجع بزرگ و مدرسین عالی مقام آن حوزه مقدسه فراگرفته که از میان آن‌ها به ذکر چند نفر از زبده‌ترین مدرسین اکتفا می‌کنیم:

۱- آیت الله العظمی شیخ فتح اله شریعت اصفهانی (م ۱۳۳۹ ق)

۲- آیت الله العظمی حاج شیخ مهدی مازندرانی. (م ۱۳۴۲ ق).

۳- آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی. (۱۲۷۸-۱۳۶۱ ق)

۴- آیت الله العظمی میرزا علی آقای شیرازی فرزند میرزای شیرازی. (م ۱۳۵۵ ق).

۵- آیت الله العظمی شیخ محمد جواد بلاغی نجفی (۱۲۸۲-۱۳۵۲ ق)

۶- آیت الله العظمی سید حسین بادکوبه‌ای (۱۲۹۳-۱۳۵۸ ق)

۷- آقا میرزا علی آقا قاضی (۱۲۸۵-۱۳۶۶ ق)

۸- آقا شیخ مرتضی طالقانی.

۹- سید ابو تراب خوانساری.

۱۰- حاج سید علی قاضی.

۱۱- آقا سید عبد الغفار مازندرانی (م ۱۳۶۵ ق).

۱۲- آقا سید ابوالقاسم خوانساری (م ۱۳۸۰ ق).

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۳

۱۳- آیت الله العظمی شیخ محمد حسین اصفهانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱ ق).

۱۴- آیت الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی (۱۲۷۳-۱۳۵۵ ق).

که از این میان، دو نفر نامبرده اخیر، بیش از دیگران در پرورش روح اجتهاد و تکوین شخصیت فقهی ایشان، نقش عمده‌ای ایفا کردند.

آیت الله خوئی خود در این زمینه چنین فرموده‌اند: «... از درس فقه و اصول این دو، بیشترین استفاده‌ها را نمودم، و در محضر هر يك از ایشان دوره‌ای کامل از علم اصول و برخی از کتابهای فقه را تلمذ کردم و در آن هنگام، درس هر يك از ایشان را بر جمعی از حاضرین تقریر می‌کردم.

مرحوم آیت الله نائینی آخرین استادی بود که همواره ملازم او بودم، و لحظه‌ای از وی جدا نمی‌شدم.» (انتهی)

ایشان از کودکی و نوجوانی به هوش و ذکاوت، و حافظه و استعداد در میان اقران خود معروف بوده و در اندک زمانی گوی سبقت را از همگان ربود، استاد سید عبدالعزیز طباطبائی نقل کرده‌اند: زمانی آیت الله فقید- در حالی که ۱۵، ۱۶ سال بیشتر نداشتند در صحن مقدس امیر المؤمنین علیه السلام به حضور مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ ق) رسید و از مسئله‌ای پرسش نمود، مرحوم سید جواب داد، اما آقای خوئی گفت: شما در عروه، خلاف این را

می‌فرمائید؟ و این مسئله را این‌گونه مطرح نموده‌اید. مرحوم سید در بازگشت به خانه، به عروه رجوع کرده و حق را به جانب ایشان می‌دهد. روز بعد، پدر آقای خوئی را که جزو اصحاب و اطرافیان مرحوم سید بوده است - می‌بیند و به او می‌فرماید: قدر این بچه‌ات را بدان، او آینده درخشانی خواهد داشت.

*** - مرحوم آیت الله العظمی خوئی هنگام تحصیل ظاهراً دروس فقه و اصول را

غروب خورشید فقاهت، ص: ۱۴

با این بزرگان مباحثه می‌کردند: مرحوم آیت الله العظمی میلانی (م ۱۳۹۵ ق)، مرحوم آیت الله علامه سید محمد حسین طباطبائی (م ۱۴۰۲ ق)، مرحوم آیت الله آقا سید صدر الدین جزائری. (مرحوم آیت الله حاج شیخ علی محمد بروجردی (م ۱۳۹۵ ق)، مرحوم آیت الله حاج آقا حسین خادمی اصفهانی (م ۱۴۰۵ ق)، آیت الله سید محمد حسینی همدانی.

حوزه درس معظّم له

آیت الله فقید جلسات درس منظّمی داشت، اشکالات سر درس مطرح نشده و به بعد از درس موکول می‌شد، لذا بحث‌های ایشان با همان نظم و ترتیب خاص خود پیش می‌رفت که این مطلب در تقریرات درس معظّم له کاملاً مشهود است، کما این که مقام معظّم رهبری، آیت الله خامنه‌ای در این مورد فرموده‌اند:

«یکی از عواملی که مرحوم آیت الله العظمی خوئی را در کار گسترش علم فقه و اصول موفق کرد، این بود که درسهای ایشان به شکل منظّمی نوشته می‌شد، سبک درس ایشان خیلی منظّم و مرتّب بود. ما در سال ۱۳۳۶ که حوزه درس ایشان را درك کردیم، دیدیم که کسی در درس ایشان اصلاً اشکال نمی‌کرد. ایشان درس را می‌گفتند و کسانی آن را می‌نوشتند و بحث می‌کردند و بعد هم منتشر می‌شد ... (البته معظّم له بعد از درس حدود يك ساعت می‌نشستند برای پاسخ به اشکالات و پرسش‌های علمی).

*** - بیش از این گذشت که آیت الله العظمی خوئی در طول حیات پربار خویش حدود هفتاد سال به تدریس سطح و خارج، اشتغال داشته و قریب پنجاه سال هم نخستین و پربارترین محفل علمی حوزه نجف را دارا بود و هزاران نفر از علماء و فضلاء کشورهای مختلف اسلامی از هند و افغانستان و پاکستان و ایران گرفته تا

غروب خورشید فقاهت، ص: ۱۵

عراق و حجاز و لبنان و کشورهای حاشیه خلیج فارس را در دامان خویش پرورش داده و به اقصی نقاط جهان فرستاده و توده‌های مسلمان را به سوی سعادت و هدایت رهنمون بوده است.

و امروز حوزه‌های علمیّه از وجود آن‌ها بهره برده و چشم و چراغ جهان اسلام و تشیع می‌باشند. و به قول دانشمند پرمایه و متفکر معروف نویسنده شهیر عرب «شیخ محمد جواد مغنیه» در مقدمه تفسیر البیان که در شخصیت و عظمت آن مرجع بزرگوار چنین می‌نگارد: «... او آفتابی است که اشعه‌های روشنگر آن در هر زمان و به هر نقطه پرتوافکنی می‌کند.

او استاد من و استاد بزرگان علم و دانشمندان نجف می‌باشد. او همانند محوری است که علوم اسلامی به دور او می‌چرخد. او کسی است که حوزه علمیّه نجف مرهون زحمات و فعالیت‌های علمی وی می‌باشد. و باید همیشه از وی ممنون و سپاسگذار بوده و از کوشش‌های وسیع و دامنه‌دار او قدردانی نماید، که اگر او و عده‌ای معدودی از اهل تحقیق و دقت نبودند دوران طلایی حوزه علمیّه نجف سپری می‌گردید و آفتاب علم و دانش در آن مرکز علمی به غروب و افول می‌گرائید و از دانشگاه بزرگ نجف به جز يك مشت ظواهر و الفاظ چیزی باقی نمی‌ماند و دوران شیخ انصاری و محقق خراسانی و مانند آنان در بوته فراموشی قرار می‌گرفت.»

خواننده عزیز حالا این شخصیت عظیم و علمی را شناختی؟ او همان آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه) است او مردی است که علم و دانش با گوشت و خون وی در آمیخته است ... او به يك یا چند رشته از علوم و دانش‌ها قناعت نکرده است بلکه در تمام علوم اسلامی به مرحله عالی اجتهاد رسیده و در بهترین آن‌ها احاطه کامل داشته و یکی از بزرگترین علما و پیشوایان شاخص و نمونه مذهبی به شمار می‌رود.

او نزدیک به هفتاد سال است که به بحث و بررسی‌های علمی مشغول گردیده و کتاب‌ها می‌نویسد فارغ التحصیلان فراوانی به جامعه اسلامی تحویل می‌دهد و

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۶

پاسخگوی دانشمندان و دانش‌پژوهان می‌باشد.

اما روش وی در بحث و مناظرات علمی همان روش سقراط است که در برابر طرف بحث و گفتگوی خود به ظاهر تسلیم گردیده، گفتار و رأی وی را می‌پذیرد، سپس مانند يك نفر شاگرد که در مقام دانش طلبی و استفاده از استاد دانشمند خود باشد اشکالات و مطالبی را به عنوان سؤالات علمی پیش می‌کشد و از طرف بحث و گفتگوی خود می‌پرسد و او نیز بدون توجه و از روی سادگی به سؤالات وی پاسخ می‌دهد و در آن میان حقایقی را به زبان می‌آورد که بدون توجه،

گفتار سابقش را کاملاً نقض می‌کند و بدین گونه او را در تناقض گوئی و بن‌بست عجیبی قرار داده و راه فراری برای وی باقی نمی‌گذارد جز این که قهراً به جهل و اشتباه خویش اعتراف کند.

اما تلامیذ و شاگردانی که به وسیله وی تربیت گردیده و از حوزه درس او فارغ التحصیل شده‌اند تعداد آنان را به جز خدای دانا کسی نمی‌داند، و به طور حتم از صدها متجاوز بوده و یک دانشگاه بزرگ و پرجمعیت علمی را تشکیل می‌دهد که در این دانشگاه هر یک از آنان مسئولیتی را به عهده دارند و هر روز هم رو به فزونی و ازدیاد است به طوری که امروز در جلسه درس او صدها دانشجوی دینی شرکت می‌جویند که در میان آنان همه گونه افراد پیر و جوان استاد و دانشجو به چشم می‌خورد که همه آنان با دقت و اشتیاق فراوان از آراء و افکار استاد استقبال می‌نمایند، با عشق و علاقه خاصی مطالب او را درک نموده و در مغزشان می‌پرورانند. و اما روش گفتار و بیان وی، واقعاً اعجاب‌انگیز است. به نکات و دقایق ادب عربی احاطه کامل دارد. لغات، واژه‌ها، کلمات و هرگونه عبارات عربی در اختیار و فرمان وی می‌باشد به طوری که آن‌ها را در هر کجا که بخواهد و به هر جا که بکشد مطیع وی بوده و بدون زحمت و تکلف به دعوت او جواب مثبت می‌دهند.

بنابراین جای تعجب نیست که بیان وی وافی و رسا و گفتارش شیرین و شیوا

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۷

باشد، الفاظ و گفتار او با خواسته‌ها و مقاصدش سازگار آید.

*** درس ایشان فشرده‌ای از آراء و مبانی آقا ضیاء عراقی و نائینی و کمپانی و نظرات خود ایشان همراه با بحث و استدلال بر ردّ و قبول مبانی دیگران با بیان جذّاب و سخّار و تحلیلی عمیق بود.

به حق در حقایق و مبانی اصولی، که در طول ادوار مختلف بر آن‌ها اتفاق شده و خدشه‌ناپذیر می‌نمود، انقلاب و دگرگونی پدید آورد و در لا به لای دروس ایشان نظریات جدید، ابتکار در مبانی، خروج از آراء پیشینیان و تعمق و تحقیق و دقت و ژرف‌نگری و پژوهش موج می‌زد.

* مشایخ روایتی معظم له:

مرجع فقید از جمعی از بزرگان، اجازه نقل حدیث دریافت داشته و توسط آنان کتاب‌های دانشمندان شیعه و سنی را روایت می‌کند یکی از این طرق، اجازه مرحوم میرزای نائینی (رحمه الله علیه). است، خود ایشان می‌نویسد: «... یکی از

مشایخ اجازه من، مرحوم نائینی بوده که به وسیله ایشان از استادش مرحوم محدّث نوری (رحمه الله علیه). به طرّقی که در مواقع النجوم (خاتمه کتاب مستدرک الوسائل) مستور است کتاب‌های امامیه از کافی، فقیه و تهذیب و استبصار و نیز وسائل و بحار و وافى و دیگر کتاب‌ها را روایت می‌نمایم....»

دیگر از اجازات ایشان، اجازه روائی علامه سترک آیت الله سیّد عبدالحسین شرف الدین عاملی (رحمه الله علیه)، صاحب المراجعات (متولد ۱۲۹۰، متوفی ۱۳۷۷) بوده که به وسیله ایشان کتاب‌ها و تألیفات دانشمندان اهل سنت را روایت می‌نماید.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۸

* تألیفات و تقریرات معظم له:

تقریرات:

شاگردان آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). در خلال تحصیل خود، همواره به ضبط بیانات استاد در فقه و اصول پرداخته و در مجلس درس وی به نگاشتن افادات ایشان اشتغال داشته‌اند. لذاست که شمارش تقریرات درس آیت الله فقید به سان شمارش شاگردان ایشان کاری دشوار و نیازمند وقت وسیعی است.

در اینجا تنها به نام برخی تقریرات چاپ شده آن استاد بزرگوار اکتفا می‌شود.

الف- فقه

۱- التنیح فی شرح عروه الوثقی (مباحث اجتهاد و تقلید، طهارت، صلاه) حاج میرزا علی غروی تبریزی، ۹ جلد تاکنون.

۲- معتمد العروه الوثقی، سیّد رضا خلخالی، ۲ جلد تاکنون.

۳- تحریر العروه الوثقی، شیخ قربانعلی کابلی.

- ٤- مستند العروه الوثقى (مباحث صلوه، خمس، صوم، اجاره)، شيخ مرتضى بروجردى، ١٠ جلد.
- ٥- مباني العروه الوثقى (مباحث: مضاربه، مزارعه، شركت، ضمان، حواله، نكاح، غضب)، سيّد محمد تقى خوئى، ٤ جلد.
- ٦- مدارك العروه الوثقى / فقه الشيعه (مبحث طهارت)، سيّد محمد مهدى خلكالى، ٥ جلد تاكنون.
- ٧- فقه العتره فى زكاه الفطره، سيّد محمد تقى حسيني جلالى.
- غروب خورشيد فقاها، ص: ١٩
- ٨- محاضرات فى الفقه الجعفرى (المكاسب المحرّمه)، سيّد على حسيني شاهرودى، ٣ جلد.
- ٩- الدرر الغوالى فى فروع العلم الاجمالى، شيخ رضا لطفى.
- ١٠- مصباح الفقاهه فى المعاملات (دوره مكاسب شيخ)، شيخ محمد على توحيدى، ٧ جلد.
- ١١- نموذج فى الفقه الجعفرى (صلاه المسافر)، سيّد عباس مدرسى يزدى.
- ١٢- بلغه الطالب فى شرح المكاسب، ٢ جلد.
- ١٣- رساله فى تحقيق الكتر.
- ١٤- رساله فى حكم اوانى الذهب، سيّد مهدى حجازى شهرضائى.
- ١٥- المعتمد فى شرح المناسك، سيّد محمد رضا خلكالى، ٥ جلد.
- ١٦- مصباح الناسك فى شرح المناسك، سيّد تقى طباطبائى قمى.
- ١٧- مباني منهاج الصالحين، سيّد تقى طباطبائى قمى، ٥ جلد.
- (دو كتاب اخير شرح منهاج الصالحين و مناسك است.)

ب- اصول:

۱۸- مبانی الاستنباط، سید ابوالقاسم کوکبی، ۴ جلد.

۱۹- المحاضرات (فی اصول الفقه)، محمد اسحق فیاض، ۵ جلد، این کتاب يك دوره كامل مباحث الفاظ بوده و مرجع عالی قدر از آن بسیار خوشش آمده بود.

۲۰- دراسات فی الأصول، العلمیّه، سید علی حسینی شاهرودی.

۲۱- مصباح الأصول، سید محمد سرور بهسودی، ۲ جلد.

۲۲- مصابیح الاصول (مباحث قطع و ظن و شكّ، تعادل و تراجیح)، سید علاء الدین بحر العلوم.

۲۳- جواهر الاصول، شیخ فخرالدین زنجانی.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۲۰

۲۴- الامر بین الامرین (در جبر و تفویض)، شیخ محمد تقی جعفری.

۲۵- الرأی السدید فی الاجتهاد و التقليد، غلامرضا عرفانیان خراسانی.

تألیفات:

آیت الله فقید از ابتدای زندگی علمی خویش در راستای نشر معارف اهل بیت (علیهم السّلام) و گسترش دانش اسلام، دمی نیاسود.

زمانی بر مسند تدریس نشست و به تربیت و پرورش صدها عالم و دانشمند فرزانه پرداخت و زمانی دیگر دست به قلم برد و به تصنیف و تألیف در تفسیر و کلام، فقه و اصول و رجال پرداخت.

این همه با توجه به اشتغالات گوناگون ایشان از هنگام تدریس سطوح تا روزهای آخر زندگانی پربارش، و آن همه گرفتاری‌ها و مسئولیت‌های مختلف زعامت مرجعیّت، چشمگیر و قابل توجه است.

مقام رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله عالی) در آغاز درس خارج فقه خویش (۱۴۱۳ ق) فرمودند:

«باید یاد نیکی از عالم بزرگوار و مرجع عظیم الشان که اخیراً رحلت کردند یعنی: مرحوم آیت الله العظمی آقای خوئی (رحمه الله علیه). بکنیم. ما به ایشان نه از دید يك مرجع، بلکه از دید يك محقق، مؤلف و مدرّس موفق نگاه می‌کنیم.

آن چه درباره این بزرگوار و امثال ایشان غالباً بعد از وفات صحبت می‌شود جنبه‌های مربوط به مرجعیت این بزرگواران است در حالی که آن چه در زندگی این افراد و شخصیت‌های برجسته اهم است خصوصیات است که مستقیماً به مرجعیت آن‌ها، مربوط نیست بلکه می‌شود گفت: مرجعیت آن‌ها ناشی از آن خصوصیات است و آن همان جنبه علمی، تحقیقی تدریسی و کار موفق و پیگیر آنان در این زمینه است، اگر شما به زندگی این بزرگوار نگاه کنید می‌بینید حداقل در سه رشته علمی و

غروب خورشید فقاقت، ص: ۲۱

درس مهم دارای فرآورده‌های تحقیقی هستند که یکی فقه دیگری اصول و سومی رجال است این همه کتاب‌های فقهی و اصولی که شاگردان ایشان نوشته‌اند همه از کلمات ایشان است و شما به این‌ها اضافه کنید آن چه را که از قلم خود ایشان مستقیماً صادر شده است، کتاب بزرگ کم نظیر رجالی ایشان که ظاهراً آنرا در سال‌های اواخر عمرشان نوشته‌اند - چون ذکر می‌کنند که من این کتاب را با اشتغال زیاد و در دوران پیری می‌نویسم - یک فرآورده علمی عظیم است حال شما ببینید یک عالمی که این مقدار فرآورده علمی دارد چقدر می‌تواند تأثیر در حوزه‌های علمی نه فقط در زمان خود بلکه حتی بعد از زمان خود بگذارد.»

اینک در مجال به بررسی مختصری از تألیفات و نوشته‌های آن مرجع بزرگوار می‌پردازیم:

* تفسیر و علوم قرآنی

۱- . نفحات الاعجاز:

این کتاب در پاسخ به کتاب «حسن الایجاز فی ابطال الاعجاز» نوشته‌ی فردی آمریکایی به نام مستعار نصیر الدین ظافر نوشته شده و در آن جاودانه بودن قرآن، به عنوان معجزه خاتم پیامبر را ثابت نموده و در سال ۱۳۴۳ در نجف به چاپ رسیده است.

۲- . البیان فی تفسیر القرآن: ی کی از بهترین و با ارزش‌ترین کتبی است که پیرامون علوم قرآنی تألیف گردیده و در آن، پس از مقدمه که خود یکی از برترین تألیفات قرآنی است، به تشریح و تفسیر فاتحه‌الکتاب تا آیه ششم پرداخته است.

کلام

۳- . رساله در خلافت.

۴- قصیده در مدح امیر المومنین علی. (علیه السلام). در نهد بیت.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۲۲

* رجال

۵- معجم رجال الحدیث:

این کتاب یکی از کم نظیرترین کتب رجالی شیعه، و در بر گیرنده احوال ۱۵۶۷۶ نفر است که با نگارش زیبا و ترتیب جالب و تحلیل و منهج علمی در ۲۳ جلد به چاپ رسیده است.

* فقه

آنچه به چاپ رسیده است:

۶- رساله در لباس مشکوک:

این رساله در ۱۳۶۱ قمری در نجف به چاپ رسیده است.

۷- المسائل المنتخبه:

این رساله به زبان‌های عربی، فارسی، انگلیسی، اردو، فرانسوی، اندونزیایی، و ترکی منتشر گردیده، این کتاب خلاصه‌ای از تہذیب و تتمیم منہاج الصالحین است.

۸- تعلیقہ بر عروہ الوثقی.

۹- تعلیقہ بر مسائل الفقہیہ.

۱۰- تکملہ منہاج الصالحین:

منہاج رسالہ عملیہ مرحوم آیت اللہ العظمی حکیم بودہ کہ معظم لہ با آراء خود متنبق نمودہ و بر آن تکملہ‌ای نیز نگاشته است. این تکملہ شامل کتاب‌های: قضا، شہادات، حدود، قصاص، و دیات می‌باشد کہ بہ روش کتاب «عروہ الوثقی» نگارش یافته است.

۱۱- مبانی تکمله منهاج الصالحین، دو جلد

غروب خورشید فقاہت، ص: ۲۳

این کتاب در مباحث حقوق جزایی از دیدگاه اسلام یکی از برترین و ارزنده‌ترین کتاب‌های مورد استناد است.

۱۲- تہذیب و تتمیم منهاج الصالحین، دو جلد.

۱۳- المسائل و الردود (مجموعه فتاوی)».

۱۴- مستحدثات المسائل:

شامل برخی از مسائل جدید و مورد ابتلاء که از ایشان پرسش شده بود.

۱۵- توضیح المسائل.

۱۶- منتخب توضیح المسائل.

۱۷- منتخب الرسائل.

۱۸- تلخیص المنتخب: این کتاب گزیده‌ای از «المسائل المنتخبه» است.

۱۹- تعلیقہ المنہج لأحكام الحج.

۲۰- مناسک حج، به دو زبان عربی و فارسی نگاشته شده است.

۲۱- منیہ السائل و مجموعہ فتاوی.

و آنچه تاکنون به چاپ نرسیده است.

۲۲- ازالہ المحادہ عن ملك المنافع المتضادہ:

این رسائل در ۱۳۵۱ ق به امر میرزا علی آقا شیرازی نوشته شده است.

۲۳- اضاءة القلوب بتحقیق المغرب و الغروب: این رساله در ۱۳۵۳ ق نوشته شده است.

۲۴- اناره العقول فی انتصاب المهر بموت احد الزوجین قبل الدخول:

این مکتوب در ۱۳۵۵ ق نوشته شده است.

۲۵- فقه القرآن علی المذاهب الخمس.

۲۶ قاعده التجاوز.

۲۷- فهرست جامع الشتات میرزای قمی.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۲۴

۲۸- تقریرات درس فقه مرحوم میرزای نائینی.

۲۹- تقریرات درس فقه مرحوم محقق اصفهانی.

۳۰- حاشیه بر وسیله النجاه.

۳۱- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری.

* اصول

۳۲- اجود التقریرات:

تقریرات درس مرحوم میرزای نائینی است که در سال ۱۳۴۸ (یعنی ۳۱ سالگی مؤلف) و ۱۳۵۴ در صیدا در دو جلد به چاپ رسیده است.

۳۳- تقریرات درس اصول مرحوم محقق اصفهانی.

۳۴- تعارض الاستصحابین.

* هیئت استفتاء:

- اصحاب جلسه فتوای مرجع فقید عبارت بودند از حضرات آیات:

۱- حاج شیخ صدرا باد کوبه‌ای.

۲- حاج شیخ مجتبی لنکرانی.

۳- شهید سید مُجَدِّد باقر صدر.

۴- حاج میرزا جواد تبریزی.

۵- حاج میرزا کاظم تبریزی.

۶- حاج سید جعفر مرعشی.

پس از اخراج ایرانیان از حوزه علمیه نجف، ترکیب هیئت فتوا بر هم خورد و پس از آن نامبردگان ذیل آن جلسه را اداره می‌کردند. حضرات آیات:

غروب خورشید فقاقت، ص: ۲۵

۱- حاج سید علی سیستانی ۲- حاج سید علی بهشتی. ۳- حاج سید مرتضی خلخالی، ۴- حاج شیخ محمود فیاض

۵- حاج شیخ علی اصغر احمدی شاهرودی. ۶- حاج شیخ جعفر نائینی.

شاگردان:

اینک به ذکر نام بعضی از شاگردان ایشان که به مقام مرجعیت و یا تدریس در حوزه‌های علمیه رسیده‌اند می‌پردازیم.

۱- سید عبد الغنی اردبیلی.

۲- سید عبدالکریم اردبیلی.

۳- علی اصغر احمدی شاهرودی

۴- شیخ مُجَدَّ جواد آل راضی

۵- هادی آل راضی

۶- میرزا علی آقا فلسفی.

۷- سید ابراهیم امینی.

۸- ابوالحسن انوار زنجانی

۹- باقر ایروانی

۱۰- جعفر آل محبوبه نجفی

۱۱- حسن صافی اصفهانی.

۱۲- میرزا احمد انصاری قمی

۱۳- میرزا محمود انصاری قمی

۱۴- سید مُجَدَّ باقر اسدی خوانساری

۱۵- سید عزالدین بحر العلوم

۱۶- سید علاء الدین بحر العلوم

۱۷- شیخ غدیر علی ممبیز

۱۸- سید علی بهشتی

۱۹- سید مُجَدَّ بحر العلوم

۲۰- اسماعیل محقق بلخی

۲۱- مرتضیٰ نجفی بروجردی

۲۲- مُجَدِّدِ تَقِیِّ بَهجت

۲۳- میرزا جواد تبریزی نجفی

۲۴- میرزا کاظم تبریزی نجفی

۲۵- حسن سعید تهرانی

۲۶- شیخ مُجَدِّدِ عَلِیِّ توحیدی

۲۷- مُجَدِّدِ ابراهیم جناتی

۲۸- مُجَدِّدِ رضا جعفری

۲۹- مُجَدِّدِ صادق جعفری

۳۰- مُجَدِّدِ تَقِیِّ جواهری

غروب خورشید فقاہت، ص: ۲۶

۳۱- مُجَدِّدِ تَقِیِّ جعفری

۳۲- سید یوسف طباطبائی حکیم.

۳۳- سید مُجَدِّدِ تَقِیِّ حکیم

۳۴- سید مُجَدِّدِ حسین حکیم

۳۵- سید مرتضیٰ حسینی فیروزآبادی

۳۶- سید مرتضیٰ حکمی

۳۷- سید عبدالزہراء حسینی

۳۸- سید مجتبیٰ حسینی شیرازی

۳۹- اسد حیدر

۴۰- سید مُجَدُّ باقر حکیم

۴۱- شهید سید عبدالصاحب حکیم

۴۲- سید مُجَدُّ علی حمامی

۴۳- شیخ حسین وحید خراسانی

۴۴- مُجَدُّ کاظم خوانساری

۴۵- سید جمال خوئی

۴۶- شیخ سلمان خاقانی

۴۷- سید صادق خلخالی

۴۸- سید عباس خاتم

۴۹- حاج شیخ مُجَدُّ مهدی احمدی

۵۰- سید مهدی خلخالی

۵۱- سید رضا خلخالی

۵۲- شیخ احمد دشتی

۵۳- عباس دشتی

۵۴- سید مُجَدُّ روحانی

۵۵- سید مُجَدُّ رجائی اصفهانی

۵۶- سید مُجَدِّد صادق روحانی

۵۷- مُجَدِّد امین زین الدین

۵۸- میرزا جعفر سبحانی تبریزی

۵۹- آقاغ نجفی شهرستانی

۶۰- موسی شرارت

۶۱- ابوالحسن شیرازی

۶۲- سید جواد شبر

۶۳- سید موسی شبیری زنجانی

۶۴- سید عبدالرسول شریعتمداری جهرمی

۶۵- سید مُجَدِّد ابراهیم شیرازی

۶۶- سید مُجَدِّد شاهرودی

۶۷- مُجَدِّد جعفر شمس الدین

۶۸- شیخ باقر شریف القرشی

۶۹- شیخ مُجَدِّد مهدی شمس الدین

۷۰- سید رضی شیرازی

۷۱- سید علی سیستانی

۷۲- میرزا ابوالحسن شمس آبادی

۷۳- شیخ نصرالله شاه آبادی

۷۴ سید جعفر شهیدی

۷۵- سید مُجَدُّ باقر صدر

غروب خورشید فقاہت، ص: ۲۷

۷۶- سید مُجَدُّ صادق صدر

۷۷- سید اسماعیل صدر

۷۸- سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی

۷۹- غلام رضا عرفانیان خراسانی

۸۰- سید محی الدین غریفی

۸۱- سید عبدالله غریفی

۸۲- میرزا علی غروی

۸۳- سید جلال الدین فقیہ ایمانی

۸۴- مُجَدُّ فیاض

۸۵- مُجَدُّ اسحاق فیاض

۸۶- سید مُجَدُّ حسین فضل الله

۸۷- شهید سید مُجَدُّ علی قاضی طباطبائی

۸۸- عباس قوچانی

۸۹- عبدالامیر قبلان

۹۰- سید عبدالکریم قزوینی

- ۹۱- سید تقی قمی
- ۹۲- سید ابوالقاسم کوکبی
- ۹۳- دکتر ابوالقاسم گرجی
- ۹۴- سید مُجَدِّ مَهْدی لَنگَرودی
- ۹۵- مُجَدِّ رِضَا لَبِیبی کرمانی
- ۹۶- میرزا رضا لطفی
- ۹۷- شهید سید اسدالله مدنی تبریزی
- ۹۸- شیخ مسلم ملکوتی
- ۹۹- سید موسی مازندرانی
- ۱۰۰- سید مهدی مرعشی
- ۱۰۱- هاشم معروف الحسینی
- ۱۰۲- سید جعفر مرعشی
- ۱۰۳- سید جعفر مروجی جزائری
- ۱۰۴- حسن مرتضوی شاهرودی
- ۱۰۵- سید مُجَدِّ کَاطِم مرعشی
- ۱۰۶- سید مُجَدِّ مَهْدی موسوی خراسانی
- ۱۰۷- سید محمود میلانی
- ۱۰۸- سید حسن مکی

- ۱۰۹- سید عباس مدرس
- ۱۱۰- سید مُجَدَّ عَلی موحّد ابطّحی
- ۱۱۱- مُجَدَّ باقر مصطفوی کاشانی
- ۱۱۲- شیخ مُجَدَّ تقی مجلسی
- ۱۱۳- امام موسی صدر
- ۱۱۴- شیخ حسن پاکدل
- ۱۱۵- شیخ آصف محسنی
- ۱۱۶- نصراله مستنبط
- ۱۱۷- ابوالفضل نجفی خوانساری
- ۱۱۸- جعفر نائینی
- ۱۱۹- سید مرتضی نجومی

غروب خورشید فقاہت، ص: ۲۸

- ۱۲۰- مُجَدَّ باقر ناصری
- ۱۲۱- مُجَدَّ جواد مغنیہ
- ۱۲۲- سید مُجَدَّ سرور واعظ
- ۱۲۳- احمد وائلی
- ۱۲۴- مُجَدَّ تقی ہرنندی
- ۱۲۵- سید احمد پیشوا

۱۲۶- سید مُجَدُّ باقر طاهری شیرازی

۱۲۷- ناصر مکارم شیرازی

۱۲۸- شیخ علی روحانی نجف آبادی

۱۲۹- سید مفتی الشیعه

۱۳۰- شیخ مُجَدُّ ابراهیم انصاری اراکی

۱۳۱- شیخ یحیی فلسفی

۱۳۲- سید مهدی حجازی شهرضایی

۱۳۳- سید ابراهیم خراسانی کاظمی

۱۳۴- احمد مطهری

۱۳۵- سید احمد مددی

۱۳۶- اسماعیل محقق کابلی

۱۳۷- جعفر آل صائغ عاملی

۱۳۸- احمد قیسی عاملی

۱۳۹- حسین راستی کاشانی

۱۴۰- مصطفی نورانی اردبیلی

*** آیت اله فقیه می نویسد «... من بسیار تدریس کردم و در فنون فقه و اصول و تفسیر جلسات بسیاری را تشکیل داده و جمعی بیشمار از فرزندان و اندیشمندان را در حوزه علمیه نجف پرورش داده‌ام، جلسات تدریس خارج مکاسب شیخ انصاری و کتاب صلاه- دو مرتبه به صورت کامل، و کتاب‌های دیگر فقهی می‌باشد.

در ۲۷ / ربیع الاول ۱۳۷۷ ق به تدریس ابواب کتاب عروه الوثقی، از باب طهارت پرداخته و در ۲۶ / ربیع الاول ۱۴۰۰ ق، بعد از بیست و سه سال، به کتاب اجاره رسیده و اکنون (ماه صفر) (۱۴۰۱ ق) در صدد اتمام این کتاب هستم. محاضرات خود در فن اصول راه، از آغاز تا پایان، شش بار بر صدها نفر از دانشوران القا کرده و دوره هفتم آن را به سبب سنگینی وظایف و مسئولیت‌های

غروب خورشید فقاقت، ص: ۲۹

مرجعیت در مبحث ضدّ، رها ساخته و به پایان نرسانیدم.

در سال‌های گذشته به تدریس علم تفسیر پرداخته و پس از زمانی چند بر خلاف خواسته قلبی، از آن‌ها دست برداشته و ادامه‌اش ندادم و چقدر دوست می‌داشتم این درس ادامه یافته و انتشار یابد.

خداوند را سپاس می‌گذارم که در خلال این سالیان طولانی لحظه‌ای از تدریس باز نایستاده و به جز روزهای بیماری و سفر همواره به تعلیم فضلا اشتغال داشته‌ام.»

* سفر معظم له به قم:

در اوائل ماه رجب ۱۳۶۸ هـ - بود که علامه اصولی و محقق رجالی فقیه جامع یعنی حضرت حجه الاسلام و المسلمین آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). از نجف اشرف به قصد زیارت اعلی حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (علیه السلام). و معالجه مزاج و کسالت قلب و سینه خود عزیمت ایران نموده و از راه همدان متوجه به قم گردیدند و چون خبر ایشان به قم رسید حوزه علمیه عموماً و فضلاً و دانشمندان که صیت تحقیق و تقریر ایشان را شنیده و تشنه جام وصال معظم له بودند برای استقبال و تجلیل از آن شخصیت علمی مجهز شده بخصوص جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمود روحانی و فرزند برومند ایشان که از فضلا نامی امروز حوزه و از تلامذ فاضل آیت الله خوئی است مراسم استقبال را فراهم و تا اراک به استقبال شتافته و جماعتی بسیار از اهل علم که خود احقر «مُجَّد شریف رازی» هم در میان ایشان بودم با مردم دیگر تا هشت فرسخی استقبال نموده و با احترامات لایقه و اکرامات فائقه وارد و پس از زیارت به منزل جناب آقای روحانی نزول اجلال و تا چندین روز عموم طبقات. و به خصوص فضلا به زیارتش شتافته و از بیانات و

تحقیقاتش بهره‌مند می‌شدند تا این‌که عازم حرکت به تهران شده و این مخلص برای تشریفات و استقبال مردم. تهران و شهر ری به تهران حرکت نموده و با مساعی. جمیله حضرت حجه الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر برهان که از علماء عاملین تهران است بسیاری از مردم تهران و حضرت عبدالعظیم (علیه السلام). را به استقبال معظم له دعوت و همگی اجابت و تا ۶ فرسخ استقبالش نموده و با احترام به تهرانش وارد و بنابر دعوت قبلی منزل مرحوم حاج میرزا باقر آقای خوئی که از تجار خیر تهران است نزول و مورد تجلیل و تبجیل دولت و ملت گردیده و پس از مدتی توقف به مشهد مقدس مشرف و بعد از ادراک زیارت با عظمتی که وارد شده مراجعت نمودند و با همان عظمت به نجف اشرف بازگشتند.

والد ماجد آن جناب مرحوم حجه الاسلام حاج سید علی اکبر خوئی است که در آن وقت زنده و از علماء بزرگوار مشهد و ائمه جماعت جامعه گوهر شاد بوده‌اند که مردم مشهد گذشته از مقامات آن جناب جهت پدر ایشان بر تکریم مترجم محترم افزودند.

قبل از ولادت فرزند برومندش (آیه الله خوئی «ره») خوابی عجیب که گویا وحی و الهام بوده دیده شده که کاشف شخصیت و عظمت آن جناب است، مرحوم حجه الاسلام حاج علی اکبر خوئی والد ماجدش در مشهد مقدس برای این نویسنده و چند نفر از علماء عالی قدر حکایت کرد که من در شهر خوی رسائل شیخ می‌گفتم و فرزندى نداشتم، روزی یکی از شاگردان رسائل من که شیخ سلمان نام داشت و طلبه متدین و با تقوائی بود قبل از آفتاب درب منزل آمد و گفت دیشب امیرالمومنین (علیه السلام). را دیدم و فرمود برو به سید بگو (سید علی اکبر) آن نمازها را بده و آن خانه را هم به صاحبش رد کن و این حملی که عیال تو دارد پسر است و تا چند روز دیگر به دنیا می‌آید، اسم او را ابوالقاسم گذاشتم و برای او شأنی است (وله شأن). و بعد شیخ سلمان گفت که شما فلان وقت به مشهد رفته و در آن جا

ساکن خواهی شد و حال آن‌که من خیال مشهد را نکرده بودم و آنچه را که گفت راست و درست بوده و صورت وقوع به خود گرفت.

*** این احقر (مُجَد شریف رازی) در موقعی که نجف اشرف بودم در سال ۱۳۶۱ ق خوابی دیدم برای ایشان (آیه الله خوئی) قبل از این‌که معظم له را بشناسم که واجد اهمیت و کاشف بزرگواری و فضائل ایشان است و امروز حوزه علمیه نجف از فقه و اصول و تفسیر به وجود ایشان دائر و با بودن رجال علمی دیگری چون آیه الله شیرازی و شاهرودی حکیم و اصطهباناتی، حوزه درس ایشان پر جمعیت‌تر و فضلاء مجمع ایشان بیشتر، مواجی در دریای تحقیق و تقریر و نهنگی

است در قُلُومِ بِي كِرَانِ عِلْمٍ وَ بِيَانِ تَأَلِيفَاتِ رَشِيقَةٍ اَز فِقْهِ وَ اَصُولِ دَارِدِ كِه مَوْرِدِ. اسْتِفَادَه اَرْبَابِ فَضْلِ وَ دَانَش اسْتِ وَ اَز اَن هَا تَقْرِيرَاتِ خَوْتِي مَشْهُورِ وَ مَطْبُوعِ اسْتِ.

جَهْتِ اَطْلَاعِ بِيَشْتَرِ بِه كِتَابِ كَنْجِيْنَه دَانَشْمَنْدَانِ، صَفْحَه ۲۹۰، جِلْد نَهْم، مَرَاجِعَه نَمَائِيْدِ.

* خصوصیات اخلاقی معظم له

حضرت آیت ا... فقید دارای ویژگی‌های اخلاقی بارزی بود که برای طالبین علم می‌تواند بهترین الگو و سرمشق باشد که از آن میان به مواردی اشاره می‌شود:

* دستگیری از ضعیفان

از خصوصیات اخلاقی آیه الله فقید این بود که هر جا احساس می‌کرد عده‌ای به کمک و رسیدگی نیاز دارند بدون درنگ به یاری آنان می‌شتافت، و مؤید این مطلب است؛ مؤسسات خیریه ایشان در هند و پاکستان و تایلند و عراق و ایران و لبنان

غروب خورشید فقاقت، ص: ۳۲

و در ماه‌های رمضان و ذی الحجه خصوصاً اهتمام ایشان به زندگی فقرا و ایتم، بیشتر می‌شد، لیستی از فقراء نجف نزد ایشان بود که هر ماه هزینه زندگی آنان را از طریق وکلاء خود می‌فرستادند و خود نیز سرپرستی بسیاری از خانواده‌های زندانیان و مفقودین و شهیدان جریانات عراق را بر عهده گرفته بود و نیز صرف حقوق شرعی در جهت رفع نیازمندی‌های سادات نخواستله در مدینه و شیعیان لبنان را اجازه داده بودند.

* گذشت و کرامت نفس

«وَ الْكَاطِمِينَ الْعَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۳

آیت الله فقید در طول زندگی خود این آیه کریمه را سرمشق خویش قرار داده بود به طوری که مکرر دیده شد در مقابل اذیت و آزارهایی که از طرف حسودان و مخالفان بر ایشان وارد شد از معظم له جز خیر و احسان دیده نشد. و علیرغم

^۳ (۱). سوره آل عمران (۱۲۸).

تهمت‌های ناروایی که از طرف جاهلان و مغرضان به ساحتش وارد شد وی خم به ابرو نیاورده و کرامت نفس خود را بارها نشان داده که قرآن می‌فرماید: «و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً»^۴.

*کمال استفاده از اوقات

جناب آقای شیخ ابراهیم نصیراوی می‌گوید:

ایشان تا نیمه‌های شب بیدار مانده و مشغول مطالعه بودند، سپس کمی خوابیده و پس از آن (یک ساعت و نیم) به اذان صبح بیدار شده و به تہجد و قرائت قرآن و عبادت می‌پرداخت.

(۱). سوره آل عمران (۱۲۸).

(۲). سوره شعراء، (۶۴)

غروب خورشید فقاہت، ص: ۳۳

این جاست که می‌بینیم این مرجع بزرگوار کلام مولا علی. (علیه السلام). را نصب العین خود قرار داده که فرماید:

اذا امکنک الفرصه فانتہزها فان اضعه الفرصه غصہ^۵

«زمانی که فرصتی به دست آوردی کمال استفاده را از آن بنمای که. ضایع کردن فرصت غصّه به همراه دارد».

ایشان اوقات شبانه روز خود را به تدریس، مطالعه، عبادت، تہجد، قرائت قرآن، جواب استفتاءات، ملاقات با مردم، تألیف، نماز جماعت و زیارات می‌گذرانید و از کمترین اوقات، بیشترین بهره‌ها را می‌برد.

جناب آقای نصیراوی می‌گوید: معظم له هرگاه فرصت مناسبی به دست می‌آورد به حفظ کردن اخبار و احادیث با سندشان می‌پرداختند، هر وقت مسئله مشکلی در ریاضیات و حساب برآیمان پیش می‌آمد، با آقا در میان نهاد و پس از اندکی وقت به فوریت جواب مسئله را می‌دادند، هنگام وضو گرفتن و آماده شدن برای نماز به قرائت قرآن از طریق نوار

^۴ (۲). سوره شعراء، (۶۴)

^۵ (۱). غرر الحکم ج ۱ ص ۳۲۱.

گوش فرامی دادند، حتی روزی را به یاد می آورم که نوار قاری معروف «شیخ خلیل حصری» را گوش می دادند که سه خطا در فنون تجوید و قرائت از وی گرفتند، که این اشتباهات را در نامه‌ای نوشته و برایش فرستادند...» معظم در طول مسیر نجف به کوفه حتی تا این اواخر به حفظ قرآن می پرداختند.

ساده زیستی

این مرجع بزرگوار در زندگی، بی آرایش و ساده بود از تحمل و رفاه زاید دوری می کرد. سفرهایش را غذایی ساده تشکیل می داد و در صرف وجوهات شرعی، کاملاً احتیاط می نمود. از بسیاری کارهای مشروع به خاطر منافات داشتن

(۱). غرر الحکم ج ۱ ص ۳۲۱.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۳۴

با روح زهد و تقوا، دوری می کرد، برخی از مومنین که زندگی بی آرایش و مقتصدانه ایشان را مشاهده کرده بودند و می دیدند که در زندگی بر خویش چقدر سخت می گرفت، بر آن شدند تا ماهانه مبلغی به عنوان هدیه تقدیم کنند تا در مصارف شخصی مصرف کرده و اینقدر بر خود سخت نگیرند، ایشان تا حد امکان از صرف وجه شرعی در مصارف شخصی خودداری می کرد.

آقای نصیراوی می گوید:

«روزی یکی از مومنین مبلغی از سهم سادات را به من داده و گفت این را به خود آقا بدهید تا در مصارف خویش صرف نماید. من هم پول را آورده و پیام را رسانیدم. آقا فرمود: من از حقوق شرعی چیزی را بر نمی دارم، من هم پول را برگردانیدم...»

علاقه مندی و تجلیل ایشان از دانشمندان

معظم له به علم و دانش عشق می ورزیدند، از کودکی و نوجوانی با علم و دانش خو گرفته بود، لذا برای علم و عالم احترام فراوانی قائل بود، گاه در مناسبت های مختلف از شاگردان فاضل خود (همچون مرحوم شهید صدر و سید علاء الدین بحر

العلوم و استاد مُحَمَّد تقی جعفری) نام برده و مقام فضل و دانش آنان را می‌ستودند. به استاد خود مرحوم آیت الله نائینی شدیداً علاقه‌مند بود و احترام می‌نهاد، یکی از نزدیکانشان می‌گوید:

«آقا همیشه پیش از درس برای استاد خود حمد و سوره قرائت کرده و ثوابش را به روح ایشان اهداء می‌نمود. برخورد ایشان با اهل علم و دانشمندان بسیار جالب و آمیخته با توقیر و احترام بود و وقتی علما و دانشمندان به نجف می‌آمد، ایشان خود به دیدن آن‌ها رفته و به فرستادن نماینده اکتفا می‌نمود.».

غروب خورشید فقاہت، ص: ۳۵

مقید بودن به زیارت

آیه الله فقید به زیارت حضرت امیر المومنین. (علیه السلام). بسیار علاقه داشته و هر روز پیش از شروع درس به حرم مطهر رفته و پس از زیارت و عرض سلام برای تدریس به مسجد خضراء، تشریف می‌آورد. در ایام زیارتی مخصوص امام حسین. (علیه السلام). به کربلا رفته و آن حضرت را زیارت می‌کرد و به همین منظور خانه‌ای هم در کربلا اجاره کرده بودند.

یکی از نزدیکان ایشان می‌گوید:

زمانی یکی از تجار تهران پولی نذر معظم له کرده و به نجف فرستاد مرجع فقید با آن پول وسیله نقلیه اجاره کرده بود که با استفاده از آن هر شب جمعه، همراه با چند نفر از علما و فضلا، به کربلا رفت و پس از انجام زیارت، صبح جمعه به نجف باز می‌گشتند.

تعظیم از مراجع عصر

مرجع فقید برای مراجع تقلید احترام خاصی قائل بود و از آنان تجلیل می‌نمود گویند:

وقتی چشمان مرحوم آیت الله عظاما سید عبدالله هادی شیرازی رو به ضعف نهاد و سرانجام نابینا شد، ایشان فرموده بود: افسوس که چشم نجف نابینا شد.

داماد محترم ایشان آقای فقیه ایمانی می‌گویند:

«زمانی رژیم بعث در پی ایداء و آزار مرحوم آیت الله حکیم برآمده و ایشان را از نجف به کوفه تبعید کردند و به خاطر اهانت به آن مرجع عالی قدر هر گونه رفت و آمد با ایشان را از نجف به کوفه تبعید کردند و به خاطر اهانت به آن مرجع

عالی قدر هر گونه رفت و آمد با ایشان را ممنوع کرده و متخلفان را دستگیر و زندانی می نمودند و در همین حال آیت الله خوئی بیمار و بستری و برای ادامه درمان به بیمارستان ابن سینای بغداد منتقل شده بود. پس از

غروب خورشید فقاہت، ص: ۳۶

بهبودی که عازم نجف بودند رژیم بعث برای آن که زعامت و مرجعیت آیه الله العظمی حکیم را تضعیف نموده و. تحت الشعاع قرار دهد به تمام قبایل و عشایر ساکن در طول مسیر بغداد، نجف دستور داده بود تا با برپایی جشن و سرور از موکب آیه الله فقید استقبال نمایند آیه الله ... العظمی خوئی این معنی را فهمیده و در صدد خنثی کردن نقشه رژیم برمی آمد، لذا با این که قرار بود شب جمعه از بغداد راهی نجف شوند، سحرگاه سه شنبه پیش از اذان صبح حرکت کرده و هنگام اذان صبح به نجف رسیدند مردم و طلاب نجف که ایشان را در حرم دیدند، بخت زده از خود می پرسیدند: چرا آقا بدون اطلاع و بدون استقبال به نجف آمده اند. آیه الله فقید پس از ادای نماز صبح و صرف صبحانه به سوی کوفه حرکت کرده و هنگام طلوع آفتاب بود که در منزل آیت الله حکیم را دق الباب کرد و این در حالی بود که مأموران از ورود اشخاص به منزل ایشان جلوگیری می کردند و فرزند آیت الله حکیم در را گشود و با کمال ناباوری ایشان را در مقابل خود دید و در پی آن وارد منزل شده و حدود دو ساعت با مرحوم آیت الله حکیم به گفتگو پرداختند. شهید آیت الله زاده حکیم می گفت: از آغاز تا پایان این ملاقات لحظه ای لبخند از صورت پدرم محو نشد و هیچ روزی پدرم را به این خوشحالی ندیده بودم. از عجائب این که ایشان و مرحوم. آیه الله شیرازی در دوران مرجعیت آیت الله العظمی بروجردی. (رحمه الله علیه). از باب احترام و تأدب، شهریه ایشان را می گرفتند در حالی که خود از مدرسان بزرگ و مشهور عالم تشیع، و بی نیاز از آن بودند.

اهتمام آیت الله به تهجد و تزکیه نفس

ایشان از اوان تحصیل به محضر مرحوم آیت الله سید عبدالغفار مازندرانی و آیت الله میرزا علی آقای قاضی رسیده و در مکتب اخلاقی و عرفانی آن ها به تهذیب نفس پرداخته و در میان شاگردان مرحوم آیت الله سید علی قاضی، آیت الله العظمی خوئی

غروب خورشید فقاہت، ص: ۳۷

ارتباط خاصی با ایشان داشت، معظم له در حالی که مدرس درس خارج در حوزه نجف بود تقریباً کلیه اوقاتشان صرف مطالعه می شد، شب های چهارشنبه به مسجد سهله (۱۰ کیلومتری نجف) رفته و در آن جا به عبادت می پرداخت حتی یکسال ۴۰ شب چهارشنبه پشت سر هم در مسجد سهله بیتوته کرده و صبح برای تدریس به نجف باز می گشت و نیز در همان ایام چهل شب جمعه به کربلا رفته و در آن جا مشغول زیارت و مناجات و ذکر و دعا می شدند. سخن از

ویژگی‌های اخلاقی مرجع بزرگوار مانند احترام عمیق به والدین، وفای به عهد، نظم در امور، سعه صدر، اهتمام به عزاداری امام حسین. (علیه السلام). و سایر ائمه (علیهم السلام)، دقت در امور حسبیه، عدم تحمل در پوشاک و خوراک، پیگیری اوضاع و احوال مسلمانان، مهربانی با کودکان، رسیدگی به فقرا، رسیدگی به درماندگان و نیازمندان و ذکر نمونه‌هایی از هر کدام، نیازمند نوشتاری مفصل است.

* فرزندان و دامادها:

۱- مرحوم حجت الاسلام حاج سید جمال الدین خوئی، وی بازوی توانای پدر و خادمی دلسوز برای حوزه‌های علمیه و شیعیان بود.^۶

(۱). بدنبال درگذشت ایشان، این تلگراف از سوی رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی. (رحمه الله علیه). به والد بزرگوارش مخابره شد.

حضرت آیت الله خوئی دامت برکاته

با تأسف و تأثر، مصیبت وارده بر جنابعالی و فامیل محترم را تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند تعالی برای آن مرحوم. محترم مغفرت و برای جنابعالی و بازماندگان او صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نمایم.

و از خداوند تعالی عاجزانه می‌خواهم که دشمنان اسلام و دشمنان حوزه‌های علمیه را به سزای عملشان برساند و در دنیا و آخرت آنان را رو سیاه فرماید و مجد حوزه‌های علمیه مبارکه. نجف و سایر اعتبار مقدسه را با نابودی حزب علفلی بعث عراق خذلهم الله تعالی به حال اول برگرداند و علمای اسلام و ملت شریف عراق را از چنگال صدام و صدامیان نجات

^۶ (۱). بدنبال درگذشت ایشان، این تلگراف از سوی رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی. (رحمه الله علیه). به والد بزرگوارش مخابره شد.

حضرت آیت الله خوئی دامت برکاته

با تأسف و تأثر، مصیبت وارده بر جنابعالی و فامیل محترم را تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند تعالی برای آن مرحوم. محترم مغفرت و برای جنابعالی و بازماندگان او صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نمایم.

و از خداوند تعالی عاجزانه می‌خواهم که دشمنان اسلام و دشمنان حوزه‌های علمیه را به سزای عملشان برساند و در دنیا و آخرت آنان را رو سیاه فرماید و مجد حوزه‌های علمیه مبارکه. نجف و سایر اعتبار مقدسه را با نابودی حزب علفلی بعث عراق خذلهم الله تعالی به حال اول برگرداند و علمای اسلام و ملت شریف عراق را از چنگال صدام و صدامیان نجات مرحمت فرماید و از جنابعالی و سایر علما و فضلاء نجف و اهالی محترم عراق خواهام که برای پیروزی لشکر اسلام بر فریب خوردگان لشکر کفر علفلی در تحت قبه‌های نورانی ائمه علیهم السلام خصوصاً سید اولیاء علیه السلام الله دعا فرمایید.

روح الله الموسوی الخمینی

دوم شوال المکرم ۱۴۰۴ هـ

مرحمت فرماید و از جنابعالی و سایر علما و فضلاء نجف و اهالی محترم عراق خواهانم که برای پیروزی لشکر اسلام بر فریب خوردگان لشکر کفر عقلی در تحت قبه‌های نورانی ائمه علیهم السّلام خصوصاً سید اولیاء علیه السّلام الله دعا فرمایید.

روح الله الموسوی الخمینی

دوم شوال المکرم ۱۴۰۴ هـ

غروب خورشید فقاقت، ص: ۳۸

علمی ادیب و دانشوری متواضع و مسلط بر زبانهای فارسی و عربی و آشنا به زبانهای ترکی و هندی و انگلیسی بود و به زبان فارسی شعر می‌سرود، از او تقریرات درس فلسفه برجای مانده است. او در عید فطر ۱۴۰۴ هـ در اثر بیماری بدرود حیات گفت.

۲. مرحوم حجت الاسلام حاج سید علی خوئی، وی در زمان حیات پدر و در اثر تصادف درگذشت.

۳. حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد تقی خوئی، از او تقریرات درس پدر بزرگوارش بنام «مبانی العروه الوثقی» در چهار جلد به چاپ رسیده است، هم اینک در نجف بسر می‌برد.

۴. حجت الاسلام سید عبدالمجید خوئی، هم اینک مؤسسات آیت الله فقیه در خارج از ایران و عراق با نظارت ایشان اداره می‌شود.

۵. سید ابراهیم خوئی که محبوس در زندان رژیم عراق است.

۶. سید عبد الصاحب خوئی.

[دامادها](#)

دامادهای ایشان نیز عبارتند از: حضرات آیات و حجت الاسلام:

۱. مرحوم حاج سید نصرالله موسوی مستنبط (۱۳۲۷-۱۴۰۶ ق) وی از شاگردان آیات عظام: آقا ضیاء عراقی و محقق اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی و آمیرزا علی آقا قاضی و مورد علاقه شدید آیت الله فقیه بود، مرجع بزرگوار در رثایش قصیده‌ای عالی و طولانی سرود و بدین گونه اندوه خویش را نمایان ساخت.

۲. حاج سید جلال فقیه ایمانی، ایشان بر تمام مؤسسات وابسته به آیت الله

غروب خورشید فقاقت، ص: ۳۹

فقیه در ایران اشراف و نظارت دارد و چاپ مجلدات باقی مانده کتاب جامع احادیث الشیعه زیر نظر وی ادامه یافته و به خدمات دینی و اجتماعی موفق می‌باشد.

۳. حاج سید مرتضی حکمی.

۴. حاج سید محمود حسینی میلانی، نوه مرحوم آیت الله میلانی، وی هم اکنون در زندان رژیم عراق بسر می‌برد.

۵. حاج شیخ جعفر غروی نائینی، نوه مرحوم میرزای نائینی.

* آثار عمرانی:

آیت الله العظمی خوئی همواره در جهت رفع نیازمندی‌های فرهنگی و دینی، اجتماعی، اقتصادی و ... شیعیان گام برداشته و مؤسسات زنجیره‌ای ایشان در گوشه و کنار جهان شاهد صدق این مدعا است.

به غیر از احداث و تأسیس صدها مسجد، مدرسه، حسینیه، کتابخانه، درمانگاه و بیمارستان دارالایتم در اقصی نقاط کشورهای اسلامی و نیز یاری و همکاری در جهت تکمیل این بناها و اجازه صرف حقوقی شرعی به مقلدان خود جهت تأسیس و تکمیل این گونه بناها، مؤسسات بزرگ زنجیره‌ای در برخی از کشورهای جهان که شیعیان بسیاری در آنها سکونت دارند به نام ایشان احداث شده است.

این مؤسسات که ساختمان مرکزی آن در لندن است و به نام «مؤسسه الامام الخوئی» نامیده می‌شود- شامل قسمت‌های مختلف مورد نیاز چون: مسجد، حسینیه، چاپخانه، کتابخانه، سالنهای سخنرانی ویژه دختران و پسران، دارالضیافه، دارالایتم، درمانگاه و داروخانه بازار، غسلخانه، حمام و خانه‌های مسکونی روحانیون و غیره می‌باشد.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۴۰

این مؤسسات در شهرهای ذیل بنا شده‌اند.

نجف، کوفه، مشهد، قم، اصفهان، بیروت (لبنان)، اسلام آباد، کراچی (پاکستان)، کوآلامپور (مالزی)، بمبئی (هندوستان)، بانکوک (تایلند)، داکا (بنگلادش)، سوانزی، دیترویت، نیویورک (آمریکا)، تورنتو (کانادا)، لندن (انگلستان).

*** اینک اجمالاً شرح مختصری از این مراکز علمی و تربیتی که معظم له در دنیای مادی کنونی که فساد در گوشه و کنار کشورهای اسلامی و غیر اسلامی گسترش و توسعه یافته است، همت گماشته‌اند، به ذکر آثاری چند از این خدمات عمرانی اکتفا می‌شود.

* مرکز بزرگ اسلامی نیویورک:

این مرکز که خود شهرکی است برای مسلمانان و پناهگاهی است برای جوانان در یک کشور آمریکائی که شامل قسمتهای ذیل است:

۱. سالن اجتماعات: این سالن گنجایش بیش از ۳۰۰۰ نفر از آقایان و بانوان را در آن واحد دارا است.
۲. سالن جهت ادای نماز جماعت که خود به دو بخش تقسیم می‌شود: قسمت مردانه و قسمت زنانه. این سالنها مجهز به وسائل سمعی و بصری بوده و در مدارهای تلویزیونی در تمام بخشها قابل رؤیت است. و همچنین مجهز به وسائل ترجمه و تغییر زبان در آن واحد است.
۳. کتابخانه معظمی که دارای دهها هزار جلد کتاب برای مطالعه کنندگان و واردین به این مرکز عظیم اسلامی است.
۴. سالن کنفرانسهای عمومی.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۴۱

۵. سالن اجتماعات بمناسبت‌های ایام تولد و وفیات ائمه (علیهم السلام).

۶. زمین ورزشی با تمام امکانات سرگرم کننده و تفریحات سالم.

۷. قسمت اداری مؤسسه که به دیگر بخش‌ها رسیدگی کرده و همچنین به وضع مسلمانان و جوانان در شهر نیویورک و دیگر ایالات آمریکا اشراف دارد.

۸. مدارس بزرگ پسرانه و دخترانه با تمام امکانات.

۹. آشپزخانه و سالنهای غذاخوری در دو بخش زنانه و مردانه.

۱۰. قسمت غسلخانه برای شستن اموات و کفن و تجهیز آنها.

۱۱. بخش پذیرایی از واردین به این مؤسسه.

۱۲. مرکز سکنی روحانی و مهمانان وارد بر او.

۱۳. کودکانستان با دارا بودن تمام وسایل تفریح و بازی.

۱۴. مدرسه الایمان برای آموزش زبان عربی، تعلیم قرآن مجید و تربیت اسلامی کودکان و نوباوگان.

همچنانکه این مؤسسه دارای آسانسورهای متعدد است که این قسمتها را به یکدیگر ارتباط می‌دهد.

مرکز الامام الخوئی - سوانزی (آمریکا)

شهر سوانزی در استان ویلز واقع شده است و یکی از شهرهای دانشگاهی مشهور جهان به شمار می‌رود. این مرکز در قلب شهر و در یکی از خیابانهای اصلی آن قرار داشته و شامل سالن اجتماعات آقایان و بانوان و درمانگاه می‌باشد. این مرکز قبلاً کلیسا بوده است در هفدهم ربیع المولود ۱۴۱۲ قمری رسماً افتتاح گردید.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۴۲

مرکز الامام الخوئی - لندن

این مؤسسه که در شمال غربی لندن قرار گرفته، پیشتر کلیسایی بوده که به همت آیت الله فقیه به يك بنیاد فرهنگی اسلامی تبدیل شده است.

این مؤسسه شامل: مرکز اسلامی، مدرسه امام صادق (علیه السلام). (ویژه پسران)، مدرسه الزهرا (س) (ویژه دختران)، سالنهای غذاخوری، سالن اجتماعات، کتابخانه عمومی، کتابفروشی و مرکز تبلیغات می‌باشد. تعداد دانش‌آموزان این دو

مدرسه ۸۰۰ محصل است همچنین این مرکز مجله وزین «التور» را به دو زبان عربی و انگلیسی در هر ماه منتشر می نماید، که در گسترش معارف شیعی در میان مسلمانان اروپا نقش بسزائی دارد این مرکز بر تمام مؤسسات مرجع فقید شیعه در جهان اشراف دارد.

مجتمع فرهنگی الامام الخوئی در هند:

در هند در حدود ۴۰ میلیون مسلمان شیعه زندگی می کنند که بیشتر آنان به فقر و کمبود فرصت های آموزشی، دینی و غیره روبرو هستند. آنان همانند سایر برادرانشان در بیشتر کشورها، مورد حمله و هجوم وحشیانه دشمنان اهل بیت علیهم السلام قرار می گیرد.

(و ما نعموا الا ان يؤمنوا بالله العزيز الحميد) آنان بخاطر ايمان به خداوند عزيز و حميد مورد خشم و نقيمت ديگران واقع شدند.

و بخاطر کمبود و فقر شدید هنوز هم صدها تن از نیروهای شیعی و مناطق شیعه نشین بدون مسجد و یا حسینیه بسر می برند و این امر نسلهای آینده آنها را به تباهی و نابودی تهدید می کند.

همچنین صدها منطقه شیعه نشین بدلیل کمبود نیروی مبلّغ از نعمت تبلیغ

غروب خورشید فقاقت، ص: ۴۳

محروم مانده اند. با این حال در چند ساله اخیر مرجعیت اعلی میلیون ها تن از شیعیان را در هند و پاکستان و بنگلادش و دیگر مناطق دور افتاده در خاور دور، مورد لطف و عنایت خاص خود قرار داده و در سایه رعایت و نظر ایشان صدها مسجد و حسینیه و ده ها مدرسه دینی و یتیم خانه تأسیس شده است. لیکن نیاز و ضرورت شدید جهت تربیت تعداد زیادی مبلّغ موجب شد تا از سوی مرجعیت عالی قدر تصمیماتی جهت احداث يك دانشگاه اسلامی با چندین مدرسه و در سطوح مختلف در مجتمع بزرگی موسوم به مجتمع اسلامی امام خوئی در هند اتخاذ گردد، و در همین راستا قطعه زمین بزرگی با مساحت صدها هزار متر مربع واقع در جاده اصلی و در حومه شهر بمبئی خریداری شد.

مؤسسه خیریه امام خوئی کلیه مطالعات و طرح های مجتمع فرهنگی هند را به يك مؤسسه بین المللی واگذار نموده و این مؤسسه بیش از يك سال به انجام مطالعات مهندسی به واسطه تیمی از متخصصان و کارشناسان بین المللی در تمامی سطوح معماری و بتائی و فرهنگی. و دینی دست زده است. و طرح ها و نقشه های معماری و نمودار تشکیلاتی مجتمع را

در اواخر سال ۱۹۸۸ تکمیل نموده و در حال حاضر مشغول تهیه اوراق مناقصه‌ای برای دعوت گروهی از زنده‌ترین و بهترین پیمانکاران بین‌المللی و تهیه مایحتاج آن‌ها است.

جهت پرداختن به کار در نیمه دوم از سال جاری ان شاء الله.

اما برنامه‌هایی که در این مجتمع به مرحله اجرا درآمده به قرار زیر می‌باشد:

۱. با الهام گرفتن از معماری اسلامی که در عین حال موافق با تکنولوژی عصر حاضر است ساختمانی تأسیس کرده برای اجرای علوم اسلامی که از جمله آن‌ها می‌توان منعکس کردن عقائد و نظریات اسلامی را نام برد، قابل ذکر است که نقشه این ساختمان طوری ریخته شده که با عقائد معنوی مسلمانان کاملاً سازگار است، یعنی دارای مسجد و حسینیه و غیره می‌باشد. هدف اصلی مجتمع از ساختن این

غروب خورشید فقاقت، ص: ۴۴

بنای عظیم، جذب عامه مردم است به سوی اسلام و اهداف عالی و انسان‌ساز آن که در هر زمانی قابل استفاده و بهره‌برداری می‌باشد.

لازم به ذکر است که چون سرزمین هند غیر اسلامی است لذا لازم بود که افکار و عقائد اسلام در آن جا پخش شده تا به سمع و نظر همگان برسد و مجتمع که این نیاز را درک کرده بود، چنین تصمیماتی را اتخاذ نمود تا در گسترش اسلام و معارف حقه آن سهمی را هم به خود اختصاص داده باشد، و اتفاقاً به علت عقب‌ماندگی فرهنگی سرزمین، بناهایی که مجتمع در تاج محل و قلعه الحمراء و مسجد جامع دهلی ساخت، بسیار مورد توجه ساکنین آن جا قرار گرفت. و همچنین مجتمع برای بیشتر پیاده کردن اهداف عالی اسلام و جلب بیش از پیش، انظار، تصمیم گرفته محل وسیعی بسازد که مانند مدرسه مستنصریه و چهار باغ و تاج محل و مرقدهای مطهر ائمه اطهار واقع در عراق و ایران با عظمت بوده و در آینده از بناهای تاریخی اسلام محسوب می‌شود. مجتمع فوق‌الذکر دارای قسمت‌های مختلفی بشرح ذیل می‌باشد:

۱- محل درب اصلی مجتمع طوری طرح‌ریزی شده که هنگام ورود منظره مقابل، شکوه و عظمت، خاصی را مجسم می‌کند، حیاط بزرگ و ساختمان‌های اطراف و مسجد مجتمع بهترین و زیباترین محل‌ها هستند. برای افرادی که بعنوان بازدید به آن جا می‌آیند، و برای این که این بازدیدها خالی از جنبه تفریحی نباشد در همان راهرو اصلی يك محل پذیرائی بزرگ ترتیب داده شده که همیشه آماده پذیرائی از میهمانان می‌باشند. در طبقه فوقانی همین راهرو سالن بزرگی برای مراسم و مجالس رسمی مانند اعیاد و وفیات و دیگر مناسبت‌های مذهبی و غیر مذهبی ساخته شده است.

۲- مسجد، حسینیه، کتابخانه: در وسط این ساختمان يك فضای سبز به مساحت $280 * 100$ متر ساخته شده، که دارای باغچه‌های شاد و با طراوت که

غروب خورشید فقاقت، ص: ۴۵

بین هر باغچه يك حوضچه ظریف و زیبا قرار گرفته است، زمین این فضا سنگ فرش بوده و در میان آن چمنزارهای کوچکی به چشم می‌خورد. این مجتمع دارای دو طبقه است، طبقه بالا که در آن جا مسجد بزرگی قرار دارد، و وسعت آن به اندازه‌ای است که سه هزار نفر در خود مسجد و دو هزار نفر در ایوان‌های اطراف آن می‌توانند به نماز بایستند، و بالای این مسجد گنبد بزرگی به قطر ۲۳ متر قرار گرفته است، که در دست کاشیکاری می‌باشد و اطراف این گنبد بزرگ دوازده گنبد به چشم می‌خورند که بیانگر تعداد امامان بزرگوار می‌باشند. درب اصلی مسجد بنام باب الفاطمه نام‌گذاری شده، و در بالای این درب دو مناره موجود است که بر روی یکی فضائل رسول الله. (صلی الله علیه وآله و سلم). و بر دیگری فضائل امیرالمؤمنین. (علیه السلام). نوشته و اطراف نوشته‌ها نقاشی شده است. کتابخانه که در قسمت فوقانی مسجد قرار گرفته، مشتمل بر ۵۰ هزار کتاب و دارای بخش‌های استنساخ، کامپیوتر، میکروفیلم و اتاق‌های محققین می‌باشد.

حسینیه این مجتمع، گنجایش بیش از هفتصد تن از عزاداران حسینی را دارد. و همچنین این مجتمع دارای يك رستوران اصلی سه طبقه‌ای است، که به قسمت‌های مختلف از قبیل: آشپزخانه و سردخانه و خدمات تھیّه و آماده سازی غذا و انبارهای عمومی و غیره مجهز می‌باشد. این رستوران آماده پذیرایی از هزار و پانصد نفر در آن واحد می‌باشد، و طبقه سوّم آن جهت مهمانی‌های عمومی و پذیرایی از هیئت‌ها و اطعام در مناسبت‌های دینی تخصیص یافته است.

۳- مدرسه علوم دینی: این بنا دارای سه طبقه، شامل: حجرات، سالن‌های تدریس، مطالعه، کتابخانه و غذاخوری و درمانگاه میباشد که بیش از هزار طلبه را در خود جای می‌دهد.

۴- مدرسه جدید: در کنار مدرسه علوم دینی، مدرسه جدیدی ساخته شده است که ۱۲۰۰ دانش‌آموز را در مقاطع ابتدایی و راهنمایی می‌پذیرد.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۴۶

۵- مسکن طلاب: دو ساختمان بزرگ، چهارطبقه با ششصد اتاق ($4/80 * 3/60$) با تجهیزات کافی، جهت رفاه حال طلاب فراهم آمده است.

یکی دیگر از واحدهای این مجتمع بخش اداری است: این بخش دارای هیجده اتاق بوده و در کنار دروازه اصلی مجتمع واقع شده است. و شامل مدیریت کلی آموزشی، درسی و حسابداری و غیره می باشد.

و نیز در طبقه زیرین ساختمان اداری مجتمع درمانگاه قرار دارد: این درمانگاه شامل اتاق پزشک و معاینه و سالن انتظار و داروخانه و اورژانس جهت مراقبت‌های بهداشتی و درمانی در طول سال است.

- سوپر مارکت: مسئول طراح مجتمع، تهیه مواد غذایی و نیازهای روزانه و ضروری را مد نظر قرار داده و بخش دوم طبقه زیرین. ساختمان اداری را برای ایجاد. سوپر مارکت که نیازهای مجتمع را بر آورده می سازد تخصیص داده است.

- آسایشگاه ایتم: این مجتمع دارای آسایشگاهی جهت ایتم بوده که ظرفیت پانصد کودک یتیم، پنج تا چهارده ساله را دارد، و شامل: اتاق خواب و رستوران و آشپزخانه و سالن‌هایی برای اغراض مختلف و بخش اداری و اتاق‌های مراقبان و اتاق‌های قرنطینه و نظارت بهداشتی و شستشو و تمامی امکانات مورد نیاز يك آسایشگاه پیشرفته و آسایش بخش می باشد.

- قسمت عمومی شستشو: جهت انجام خدمات شستشوی لباس‌ها برای کلیه ساکنین مجتمع، ساختمانی مجهز به چند دستگاه خودکار لباسشویی و خشکاندن لباس در نظر گرفته شده است.

پروژه پاکستان:

برای رفع نیازهای ضروری در پاکستان که جمعیتی در حدود بیست و پنج میلیون نفر ساکن آن می باشند (جمعیت پاکستان بیش از ۹۰ میلیون نفر است. م) قطعه زمینی با

غروب خورشید فقاقت، ص: ۴۷

مساحت زیادی برای احداث. يك دانشگاه اسلامی و يك مسجد بزرگ که با حجم نیازها تناسب دارد در کراچی خریداری شد. بر همین اساس مؤسسه خیریه امام خوئی کلیه تصمیمات و مطالعات این پروژه را به عهده شرکت بین‌المللی مورد نظر گذاشته و این شرکت عملاً مطالعات و بررسی‌های خود را در این زمینه تکمیل نموده و تصمیمات و طرح‌های اولیه این پروژه را تهیه کرده است.

مشاوران در مورد طراحی مجتمع پاکستان، بر شیوه آزاد جدید طرح‌های تکیه داشتند آن‌ها معتقدند که پاکستان يك کشور اسلامی است و بایستی تکنولوژی بالایی را داشته باشد تا بعضی‌ها فکر نکنند که اسلام دین زهد و عزلت نشینی

است، بلکه پیام و رسالت اسلام، ایجاد ابداع و خلاقیت در بهره‌گیری از انرژی‌ها و نیروهای نهفته در طبیعت بوده و بکارگیری و استفاده از آن در جهت رفاه و آسایش و پیشرفت هر چه بیشتر انسان است.

به همین مبنا مهندسان و طراحان، طرح‌ها و الگوهای مختلف خود را در رابطه با این مجتمع تهیه کرده و در طرح مسجد که به شیوه زیر ساخته خواهد شد، ابداع و خلاقیت از خود نشان دادند.

در چهار رکن زمین مسجد چهار ستون با ابعاد $۵/۱ * ۵$ برپا می‌گردد که ارتفاع آن‌ها از سطح زمین به چهل متر می‌رسد و فاصله میان این ستون‌ها در حدود ۵۰ متر خواهد بود. روی این ستون‌ها پله‌هایی قرار می‌گیرند که آن‌ها را به صورت کرسی مربعی با ابعاد $۵۰ * ۵۰ * ۴۰$ متر متصل می‌کند. بر روی این ستون‌ها آیاتی از کلام الله مجید و نام‌های اعظم خدا و صفات ثبوتی و سلبی او به وسیله کاشی‌های معرق چینی نقش خواهد بست. این کرسی مربعی شکل نگهدارنده سقف مسجد و گنبد آن که دارای ۱۲ ضلع با قطر ۶۴ متر در ارتفاع ۲۰ متر از سطح زمین مسجد، خواهد بود. تا بتواند به عنوان بزرگترین سقف و گنبد جهان باشد که بدون هیچ ستونی در داخل مسجد برپا شده است. و به عنوان یکی از تازه‌ترین و بدیع‌ترین بناهای جدیدی که

غروب خورشید فقاقت، ص: ۴۸

در برگیرنده عظمت، پیشرفت تکنولوژی جدید و اصالت هنر و فن معماری پویای اسلامی است باشد.

این مسجد در حدود $۱۰/۰۰۰$ نماز گزار زیر گنبد خود جای خواهد داد و در طبقه زیرین آن تشکیلات کتابخانه و غرفه‌های تحقیق، حسینیه‌ها و انبارها و توالت‌ها و غیره خواهد بود. اما ساختمان‌های دیگر مجتمع پاکستان عبارت است از: ساختمان دانشگاه که شامل کلاس‌ها و سالن‌ها و بخش آموزش و بخش مطالعات و تحقیقات، گنجایش حدود ۱۰۰۰ دانشجو را دارد. همچنین شامل خوابگاه دانشجویان با ظرفیت ۷۵۰ نفر دانشجو خواهد بود و خانه‌های مسکونی برای استادان به تعداد ۲۵ دستگاه منزل مسکونی است.

مدرسه دارالعلم در بانكوك:

در بانكوك هزاران تن از شیعیان زندگی می‌کنند و دور بودنشان از مراکز دینی و مذهبی سبب جهل و بیسوادی عده زیادی از آنان در امور و مسائل و احکام دینی گشته است و باعث شده تا تنها به يك سلسله عقاید جنبی و جزئی اکتفا نمایند.

البته. راه حل این مشکل در احداث يك مدرسه علمی، دینی در این کشور نهفته است.

مدرسه‌ای که در آن جوانان بتوانند فرصت کسب معلومات اساسی را پیدا کرده و شایستگی لازم را جهت انجام تبلیغ کسب نمایند. البته این تصمیم از سوی مرجعیت اعلی اتخاذ گردیده و بیش از دو سال است که از تأسیس آن مدرسه می‌گذرد و در حال حاضر به عنوان تنها مرکز علوم و دانش‌های اهل بیت علیهم السلام است که در آن کشور فعالیت می‌کند.

از این مدرسه يك واحد برای تحصیل زنان در نظر گرفته شده که در آن زنان به آموختن دین اصیل اسلامی پرداخته و پس از طی نمودن دوره، به تعلیم و

غروب خورشید فقاہت، ص: ۴۹

آموزش زنان دیگر در مناطق و روستاهای محروم و دور افتاده خودشان می‌پردازند.

همچنین تصمیم گرفته شده است تا پروژه کشور تایلند با خریداری زمینی با وسعت زیاد و احداث يك مدرسه بزرگ در آن توسعه و گسترش یابد.

- برنامه های در دست اجراء:

مؤسسه خیریه امام خوئی سعی دارد در راستای اجرای توجیہات و دستورات مرجعیت اعلی به انجام برخی دیگر از ضروریات و نیازهای لازم پردازد، که از این میان:

۱- احداث مدرسه تحصیلی برای پسران و دختران در شهر لندن پایتخت انگلستان شهری که بزرگ‌ترین تعداد از خانواده‌های مهاجر شیعی در اروپا را در خود جای داده است. این در حالی است که هیچ مدرسه‌ای برای کودکان و پسران و دختران در این شهر وجود نداشت و موجب تباهی و انحراف آنان از دین و اعتقادشان می‌گردد.

همچنین مؤسسه فوق‌الذکر در ادامه اجرای توجیہات و دستورات موکد و سریع مرجعیت اعلی (امام خوئی) سعی کرده است به مکان یا زمینی مناسب جهت احداث این مدرسه دست یابد.

بالاخره پس از يك تلاش و کوشش خستگی ناپذیر این مؤسسه فوق به پیدا کردن زمینی وسیع در منطقه‌ای مناسب و حساس در شهر لندن شده و در تلاش است تا معامله خرید زمین و احداث مدرسه بر روی آن را به پایان برساند.

۲- احداث يك مرکز اسلامی در فرانسه:

۳- احداث يك مسجد و مركز اسلامى در شهر لوس آنجلس در ايالت كاليفرنيا.

۴- احداث يك مسجد و مركز اسلامى در شهر ديتريت آمريكا در ايالت

غروب خورشيد فقاھت، ص: ۵۰

ميشيگان، جايي كه دهها هزار تن از شيحيان در زماني تقريباً طولاني سكونت دارند.

با وجود يك مسجد و مركز اسلامى در اين منطقه با اين حال به نياز روزافزون اين منطقه آمريكايي كه هزاران تن شيعة ساكن آن هستند هماهنگي و تناسب ندارد و آنان به شدت نيازمند مساجد و مراكز بيشترى هستند.

* مؤسسه دارالايتم لبنان:

دارالايتم در بيروت جهت سكوني فرزندان آواره و يتيم مسلمانان لبناني و فلسطيني كه در مبارزه با صهيونيزم جنايت كار و غاصب مربي و سرپرست خود را از دست داده‌اند بنا شده است.^۷

* مدينه العلم قم (شهرك دانشجويي و طلبه نشين)

اين مؤسسه شامل حدود ۸۰۰ دستگاه منزل جهت سكوناي طلاب و دانشجويان علوم اسلامي و كتابخانه و بازار و مسجد و مدرسه و وسايل رفاهي ديگر با وسيله اياب و ذهاب است.

همچنين از جمله خدمات معظم له (آيت الله خوئي) تأسيس مدرسه و كتابخانه بسيار بزرگي در شهر مشهد مقدس مي‌باشد.

* كليه خدمات عمراني حضرت آيات الله العظمي خوئي (رحمه الله عليه). در خارج از ايران تحت نظارت حجه الاسلام سيد عبدالمجيد خوئي، و در ايران توسط حجه الاسلام. و المسلمين حاج سيد جلال الدين فقيه ايماني اداره مي‌شود.

(۱). اين بنا با تمام امكانات آموزشي، بهداشتي و يك هنرستان فني، حرفه‌اي در يكي از بهترين نقاط بيروت قرار دارد و داراي سه بلوك پسرانه و سه بلوك دخترانه و هر بلوك داراي شش طبقه مي‌باشد.

^۷ (۱). اين بنا با تمام امكانات آموزشي، بهداشتي و يك هنرستان فني، حرفه‌اي در يكي از بهترين نقاط بيروت قرار دارد و داراي سه بلوك پسرانه و سه بلوك دخترانه و هر بلوك داراي شش طبقه مي‌باشد.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۵۱

* مدینہ العلم. صاحب الزمان (عج):

این مؤسسہ عظیم، دینی، فرهنگی، با ہمت عالی حجت الاسلام و المسلمین. جناب آقای حاج شیخ غدیر علی ممیز، نمایندہ تام الاختیار حضرت آیت اللہ العظمیٰ حاج سید ابوالقاسم خوئی (رحمہ اللہ علیہ). در شہر رضا بہ منظور پیشبرد فرهنگ اسلامی بنیانگذاری شد.

این مؤسسہ با کمک معنوی و مادی انسان‌های نیکوکار (تبرعات)، در آذر ماہ ۱۳۶۳ ش اجرای طرح این مؤسسہ علمی در زمینی بہ مساحت ۶۰ ہکتار، در دامنه کوه سفیدی مشرف بہ امامزادہ شاہ رضا (علیہ السلام). کہ بہ فاصلہ ۲۰۰ متری جادہ کمربندی شیراز، اصفہان واقع شدہ شروع شد.

این مجموعہ بزرگ اسلامی در برگیرندہ طرح‌ها و تأسیسات مورد نیاز، شامل: مدرسہ علمیه کہ بہ مساحت ۱۵ ہزار متر مربع است و دارای ۱۹۰ اطاق و حجرہ است کہ بہ گونه‌ای زیبا در دو طبقہ احداث شدہ و از نظر وسعت در نوع خود کم نظیر است.

ہمچنین دارای: بیمارستان، مہمانسرا، کتابخانہ، چاپخانہ و انتشارات، دبستان، مدرسہ راہنمائی، دبیرستان، ورزشگاہ، واحدهای مسکونی جہت اساتید و طلاب، مسجد، سالن برگزاری مراسم و اجتماعات مہم مذہبی، وضوخانہ و حمام، انبار و منبع آب، فضای سبز و ... کہ مجموعاً در مساحتی با زیربنای ۱۵۰ ہزار متر مربع می‌باشد.

ہمچنین در راستای نشر معارف و فرهنگ اسلامی ایشان اقدام بہ احداث مؤسسہ مسجد و مدرسہ علمیه و کتابخانہ عمومی صاحب الزمان (عج) واقع در خیابان صاحب الزمان (عج) در شہر رضا نمودہ است.

این مؤسسہ دارای ۳۲ حجرہ، کتابخانہ عمومی، مسجد، حمام و وضوخانہ

غروب خورشید فقاہت، ص: ۵۲

می‌باشد کہ در سہ طبقہ احداث شدہ است.

امید است خداوند متعال برای تکمیل بناہای مربوطہ و رسیدن بہ اہداف عالی‌تر توفیق مرحمت فرمودہ و بہ ہمہ خدمتگزاران اجر جزیل عنایت فرماید.

*** از آثار و خدمات حضرت آیت الله العظمی خوئی. (رحمه الله علیه)، شیعه شدن عده‌ای از شخصیت‌های اهل سنت و از جمله دکتر سید محمد تیجانی سماوی است. و زحمات و فعالیت‌های این شخصیت عظیم علمی سبب سعادت و هدایت و تشریف دکتر تیجانی، استاد مشهور و مالکی مذهب دانشگاه زیتونیه تونس به مذهب مقدس تشیع گردید.

شیعه شدن سید محمد تیجانی سماوی

مشروح این مطلب توسط آقای سید محمد تیجانی سماوی در کتاب تحت عنوان «ثم اهدیت» می‌باشد که توسط آقای سید محمد جواد مهری (با رعایت و حفظ متن اصلی کتاب) به فارسی ترجمه و تحت عنوان «آنگاه... هدایت شدم» در اختیار فارسی زبانان قرار گرفته است. با تشکر و تقدیر از زحمات ایشان.

همچنین ترجمه دیگری از این کتاب توسط آقای عباس جلالی تحت عنوان «راه یافته یا چگونه شیعه شدم» توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ و منتشر شده که متأسفانه مترجم کتاب خواسته یا ناخواسته، عمداً، یا سهواً، از ذکر نام حضرت آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). خودداری نموده؟

- مراجعه شود به کتاب: راه یافته یا چگونه شیعه شدم، ترجمه آقای عباس جلالی چاپ دوم، از صفحه ۶۱ تا ۶۸ و صفحه: ۲۴۷ تا ۲۴۹.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۵۳

- مبارزه سیاسی و خستگی‌ناپذیر حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه)

حضرت آیت الله خوئی در طول سال‌های پرپرکت زندگی خویش همواره با حکومت‌های ظلم و ستم در حال مبارزه و پیکار بوده و ایستادگی ایشان در برابر مکتب‌های ما دیگری و الحاد بر احدی از صاحب خردان پوشیده نیست.

و از جمله فتوای تاریخی ایشان در مبارزه با مکتب ملحد سرخ کمونیستی - (حزب ورشکسته اشتراکیت) در آن هنگامی که حزب شیوعیت (کمونیست) عراق را در اول انقلاب ۱۹۵۸ م تهدید می‌کرد مراجع بزرگ چون حضرت آیت الله العظمی

حکیم. (رحمه الله عليه). و آیت الله شیرازی، (سید عبدالهادی). و آیت الله شاهرودی، آیت اله میرزا مهدی شیرازی، فتوا به حرمت حزب منحلّه توده را داده و شرکت در این حزب را حرام اعلام فرموده‌اند.

*** متن فتوای حضرت آیت الله خوئی درباره حزب منحلّه توده

«سبق منا ان اجبنا على نظير هذا السؤال اجمالاً، و التفصيل ان الشيوعيه كعقيدته فلسفيه تناقض اصول الاسلام فهى كفر و الحاد، و انها كنظام اقتصادى و اجتماعى تناقض قوانين الاسلام الاسلام التى يجب على المسلمين كافة الدعوه اليها، كما يحرم عليهم الدعوه الى غيرها من النظم الاجتماعيه لان الاسلام وحده خيره رب العالمين و رساله خاتم النبیین، و من يتبع غير الاسلام ديناً فلن يقبل منه و هو فى الآخره من الخاسرين»

ابوالقاسم الموسوى الخوئى

*** «سابقاً جواب اجمالى راجع به این مسئله نگاشته شد و حزب

غروب خورشید فقاقت، ص: ۵۴

توده مثل عقیده فلسفیه که ضد اصول اسلام است می‌باشد، پس این عقیده کفر و شرک است و قوانین آن از اقتصادى و اجتماعى مناقض با قوانین اسلام است و بر مسلمین بطور عموم واجب است ترویج از قوانین اسلام نمایند، کما این که بر مسلمین حرام است دعوت به غیر آن نمودن، برای این که قوانین سعادت بخش اسلام را خداوند به وسیله پیغمبرش برای بشر قرار داده و هر کس غیر آن اختیار کند از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت زیانکار است.»

ابوالقاسم الموسوى الخوئى

هویت حزب توده

مکتب‌های مادی گرا و الحادى با ترفندهای مختلف و شیوه‌های سالوسانه و مزورانه به انحاء گوناگون در قشرهای مختلف جامعه نفوذ کرده تا در فرصتی مناسب ضربه خود را به پیکر اسلام وارد سازند. که حزب توده از آن جمله است، در آن جا که می‌گوید:

... حزب نه فقط ترك معتقدات مذهبی را شرط قبول عضویت و پیروی از سیاست حزب قرار نمی دهد، بلکه به این معتقدات که ریشه های ژرف اجتماعی دارد احترام می گذارد؟

در حزب ما همواره مسلمانان مؤمن عضویت داشته و دارند و هرگز میان برنامه و سیاست حزب ما و معتقدات صدیق مذهبی خویش تناقضی نیافته اند؟ ...^۸

و در جای دیگر، استالین که یکی از سردمداران این مکتب الحادی است چنین می گوید: ... ما در مبارزه آشتی ناپذیر خود با دین، در ابتدا پیروز می شویم، و همین که توده مردم در مقام مخالفت با مقدسات خود و توهین به آن بر آمدند

(۱). روزنامه مردم شماره ۲۱.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۵۵

و نسبت به آن تجاوز کردند، بسنده می کنیم و برای آن که موجبات بروز حوادث ناگوار را فراهم نیاوریم هرگز مستقیماً وارد مجادله نمی شویم، فقط برای مسموم کردن افکار توده ها بایستی مطالب بی اساس و افکار ضد مذهبی را وارد دین سازیم، حتی گاهی در مقام ادعای وجود تشابه ما بین اصول اسلام و کمونیزم بر می آئیم.^۹

... ببینید چگونه برای به دام انداختن مذهب یون در مقابل مذهب کرنش می کنند؟ و بدین طریق می توان عمق تلاش ملحدین در کشاندن مسلمین بدام اتحاد با خودشان و شدت ترس و نگرانی آنان از موانع و عوایق مختلفی که بر سر راه اتحاد مزبور قرار دارد را دریافت.

تذکر:

^۸ (۱). روزنامه مردم شماره ۲۱.

^۹ (۱). کلیات استالین، ج ۴، ص ۳۶۱.

در این قسمت مسائل مربوط به اصل انقلاب مطرح می شود یادآور می شویم حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه). و سایر مراجع عظام نقش عمده‌ای را در پی ریزی، انقلاب اسلامی ایفا کردند.

به عنوان نمونه اعلامیه‌هایی از آنان آورده می شود. که با لحن آرام و متین بر اساس فرموده قرآن مجید «فقولا له قولاً لیناً لعله یتذکر او یخشی» س طه آیه ۴۴، و با او (فرعون) با کمال آرامی و نرمی سخن گوئید باشد از این خواب غفلت و غرور بیدار و متذکر شود، و یا از خدا بترسد، بیان شده است.

آغاز جوشش انقلاب

* جنبش انقلابی اسلامی: (از: مهرماه سال ۱۳۴۱ تا آبانماه ۱۳۵۶)

(۱). کلیات استالین، ج ۴، ص ۳۶۱.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۵۶

اگرچه آغاز جنبش انقلاب اسلامی را باید از مهرماه ۴۱، که مخالفت اصولی با اهداف پشت پرده، اصلاحات شاه صورت گرفت، دانست اما مقدمات آن از سال‌ها پیش فراهم گردید. در سال ۱۳۳۸ ش جان اف. کندی، از حزب دمکرات به ریاست جمهوری آمریکا برگزیده شد.

او به منظور جلوگیری از تعمیق اندیشه‌های انقلابی و مبارزات ضد استعماری و در نهایت حفظ منافع آمریکا، برنامه‌های اصلاحی اجتماعی سیاسی، و اقتصادی چندی را برای حکومت‌های وابسته توصیه کرد. مُجَد رضا شاه (متولد ۱۲۹۸ و متوفی ۱۳۵۸ ش) در سال ۱۳۳۹ ش در راه اجرای سیاست کندی لایحه اصلاحات ارضی را به مجلس برد ولی لایحه متوقف شد و کاری از پیش نرفت. در این راستا، بتوصیه آمریکا، دکتر علی امینی در اردیبهشت سال ۱۳۴۰ ش به نخست وزیر منصوب شد. امینی با انتقاد شدید از عملکرد دولت‌های گذشته و طرح شعارهای اصلاح طلبانه و مبارزه با فساد بمیدان آمد و دست به اصلاحاتی زد.

حکومت ایران و مطبوعات خارجی و به خصوص آمریکائی، نام این اقدامات را انقلاب نهادند که رفته رفته نام «انقلاب سفید» بر آن اطلاق شد. در فروردین ماه ۱۳۴۱ شاه به آمریکا سفر کرد محصول این سفر چنین اعلام شد: «شاهنشاه اطمینان یافتند که آمریکا پشتیبانی سیاسی و نظامی خود را از ایران ادامه خواهد داد.»

«دستگاه دولتی آمریکا نیز به نوبه خود اطمینان یافت که شاهنشاه يك متحد استوار است که تصمیم قاطع به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی دارند.» بر سر اجرای سیاست دیکته شده، رقابتی بین شاه و امینی پدید آمد و در نتیجه امینی بر کنار و اسدالله علم در ۲۷ / تیر ماه / ۱۳۴۱ ش به نخست وزیری منصوب شد.

در تاریخ ۱۶ / مهرماه / ۴۱ مطبوعات نوشتند که در هیئت دولت لایحه‌ای بتصویب رسید که در آن سه نکته تازه دیده شد:

۱- به زنان حق رأی داده شد.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۵۷

۲- قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان برداشته شد،

۳- بجای سوگند به قرآن، کتاب آسمانی آورده شد.

پس از انتشار این خبر، نخستین موج مخالفت از سوی روحانیت و مراجع دینی پدید آمد. امام خمینی، آیت الله گلپایگانی و شریعتمداری در منزل آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری گرد آمدند و به شور نشستند.

در ۱۷ / مهر ماه تلگراف آنان به شاه مخابره شد.^{۱۰} حدود يك هفته پس از آن شاه به آنان پاسخ داد و در آن ادعا کرد که تلگراف اعتراض آنان را برای دولت فرستاده است.

- تلگراف حضرات آیات اعظام در مورخه ۱۷ / مهر ماه / ۱۳۴۱ ش به شاه، در مخالفت با تصویب نامه دولت اسدالله علم بشرح زیر می باشد.

... تصویب نامه مربوط به تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی که مبنی بر تساوی مسلمان و کافر می باشد و در مراسم تحلیف به جای قرآن، کتاب آسمانی قید شده است، گذشته از این که قدم استواری در راه ترقی واقعی نیست، مخالف با مصالح عالیه اسلام و کشور و مقام سلطنت است. و با قانون اساسی به احساسات قریب به اتفاق ملت مسلمان ایران نیز

^{۱۰} (۱). (همچنین در این رابطه تلگراف مستقلی از طرف حضرات آیات عظام: قم، تهران، مشهد، و نجف اشرف با همین مضمون خطاب به شاه صادر شد.)

موافقت ندارد. بنابراین تقاضا داریم که دستور مقتضی به منظور اصلاح صادر فرموده و با وضع رقت بار روز توجه دولت را به امور اساسی معطوف فرمائید. با تقدیم احترامات فائقه.

سید احمد حسینی زنجانی، سید محمد موسوی (داماد)، میرزا هاشم آملی، شیخ مرتضی حائری.

(۱). (همچنین در این رابطه تلگراف مستقلی از طرف حضرات آیات عظام: قم، تهران، مشهد، و نجف اشرف با همین مضمون خطاب به شاه صادر شد.)

غروب خورشید فقاقت، ص: ۵۸

پاسخ شاه به تلگراف زعمای حوزه علمیه قم:

کاخ سعد آباد- قم- شماره ۳۰۵ ک ۹۰ ت ۲۴ / ۷

جناب مستطاب حجت الاسلام ... دامت افاضاته. قم

تلگراف جناب عالی واصل شد. پاره‌ای قوانین که از طرف دولت صادر می‌شود چیز تازه‌ای نیست. و یادآور می‌شویم که ما بیش از هر کس در حفظ شعائر دینی کوشا هستیم.

و این تلگراف برای دولت ارسال می‌شود. ضمناً توجه جنابعالی را به وضعیت زمانه و تاریخ و همچنین به وضع سایر ممالک اسلامی دنیا جلب می‌نمائیم.

توفیقات جناب مستطاب را در ترویج مقررات اسلامی و هدایت افکار عوام (!؟) خواهانیم.

۲۳ / مهرماه / ۱۳۴۱ - شاه

يك روز پس از وصول تلگراف شاه، تلگرافاتی نیز به نخست وزیر مخابره شد. همچنین در این رابطه حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه). ضمن تلگرافی به محضر آیت الله بهبهانی. (رحمه الله علیه)، مخالفت شدید خود را با تصویب نامه دولت وقت (علم) اعلام داشت.

تاریخ: ۱۳۴۱ / ۷ / ۲۶

تلگرام حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه). درباره تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی

حضرت آیت الله آقای بهبهانی (دامت برکاته) تهران

تصویب نامه اخیر دولت راجع به تساوی زن و مرد و کافر و مسلمان در

غروب خورشید فقاقت، ص: ۵۹

انتخابات انجمن ها مخالف شرع انور و قانون اساسی است لذا استنکار شدید خود و حوزه علمیه نجف اشرف را بدین وسیله اطلاع داده مستدعی است مراتب را به پیشگاه علی حضرت همایون ابلاغ تا برحسب اقداماتی که در مورد حمایت از دین مبین اسلام فرموده اند امر ملوکانه به الغاء این تصویب نامه اصدار فرمایند.

خوئی

تلگرام حضرت آیت الله العظمی آقای حاج آقا روح الله خمینی مدظله لعالی

به آقای اسد الله علم نخست وزیر ایران درباره

شرکت زنان در انتخابات ایالتی و ولایتی

بسم الله الرحمن الرحيم

تهران جناب آقای اسدالله علم نخست وزیر

در تعطیل طولانی مجلسین دیده می شود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس و مباین قانون اساسی است مطمئن باشید تخلف از قوانین اسلام و قانون اساسی و قوانین موضوعه مجلس شوری برای شخص جنابعالی و دولت ایجاد مسئولیت شدید در پیشگاه مقدس خداوند قادر و قاهر و نزد ملت مسلمان و قانون خواهد کرد، ورود زنها به مجلس و انجمن های ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف قوانین محکمه اسلام که تشخیص آن به نص قانون اساسی محول به علمای اعلام و مراجع فتوای است. و برای دیگران حق دخالت نیست و فقهاء اسلام و مراجع مسلمین به حرمت آن فتوا داده و می دهند در این صورت حق رأی دادن به زنها و انتخاب آنها در همه مراحل مخالف نص اصل دوم. از متمم قانون اساسی است و نیز قانون مجلس شوری مصوب و موشح ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را در انجمن های ایالتی و ولایتی و شهرداری از زنها سلب کرده است مراجعه کنید به مواد هفت و نه قانون انجمن های

غروب خورشید فقاہت، ص: ۶۰

ایالتی و ولایتی و پانزده و هفده قانون انجمن بلدیہ (شهرداری) در این صورت چنین حقی بر آنها دادن تخلف از قانون است و نیز الغاء شرط اسلام در انتخاب کننده و انتخاب شونده که در قانون مذکور قید شده و تبدیل قسم به قرآن مجید را به کتاب آسمانی تخلف از قانون مذکور است و خطرهای بزرگی برای اسلام و استقلال مملکت دارد که یا غفلتاً یا خدای نخواستہ عمداً اقدام به این امر شده است اکنون که اعلیٰ حضرت درخواست علماء اعلام را به دولت ارجاع فرموده اند و مسئولیت بدولت شما متوجه است انتظار می رود به تبعیت از قوانین محکمه اسلام و قوانین مملکتی این امر را به اسرع وقت اصلاح نمائید و مراقبت کنید که نظائر آن تکرار نشود و اگر ابهامی در نظر جنابعالی است مشرف. بآستانه قم شوید تا هر گونه ابهامی حضوراً رفع شود و مطالبی که به صلاح مملکت است و نوشتنی نیست تذکر داده شود در خاتمه یادآور می شود که علماء اعلام ایران و اعتبار مقدسه و سایر مسلمین در امور مخالفه با شرع مطاع ساکت نخواهد ماند و بحول و قوه خداوند تعالی امور مخالفه با اسلام رسمیت پیدا نخواهد کرد.

روح الله موسوی الخمينی.

۴۱ / ۷ / ۲۸

تاریخ: ۱۳۴۱ / ۷ / ۲۸

تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی درباره تصویبنامه

انجمن‌های ایالتی و ولایتی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای نخست وزیر دام اجلاله

چون اعلی حضرت همایونی در جواب تلگراف حقیر راجع به اصلاح مواد تصویبنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مرقوم فرموده‌اند تلگراف برای دولت فرستاده

غروب خورشید فقاہت، ص: ۶۱

می‌شود عرض می‌شود اگرچه انتظار نمی‌رفت از دولت با مسئولیت خطیری که در تطبیق مقررات با قوائد مقدسه اسلام دارد و حفظ مصالح عالیه مملکت و احترام از عقاید و افکار عموم مسلمانان دارد چنین تصویبنامه‌ای که موجب نگرانی و معرض سوء استفاده دشمنان دیانت و استقلال مملکت صادر شود نظر به علاقه‌ای که جنابعالی به اجرای معنویات ملوکانه

دارید دستور فرمائید تطابق. تصویبنامه‌ای را با قوانین دین مبین که مشخص آن علماء اعلام و مراجع تقلید می‌باشند مراعات و شرط مرد و مسلمان بودن انتخاب کننده و انتخاب شونده را صریحاً در آن قید. نمایند و همچنین در کلیه مقررات دولتی این موضوع را ملحوظ و سد استقلال. مملکت و بقاء سلطنت و مذهب جعفری را محکم و استوار دارند توفیق جنابعالی را در حفظ نوامیس اسلام و مملکت و تأمین رفاهیت عامه از خداوند متعال مسئلت دارم.

مُجَدِّدِ رِضَا مُوسَى الْكَلْبَايْغَانِي

تاریخ: ۱۳۴۱ / ۷ / ۲۸

تلگرام حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی درباره تصویبنامه

انجمن‌های ابالتی و ولایتی

مقام منبع حضرت اشرف آقای علم نخست وزیر محترم با کمال احترام مصدع می‌شود نسبت به انتخاب بانوان در انجمن‌ها و شرط نشدن اسلام در. منتخبین و رسمیت ندادن قرآن را در مقام تحلیف بسی افکار عموم طبقات بالاخص روحانیت ناراحت و در اضطراب می‌باشد لذا از باب خیرخواهی مستدعی است جداً و اکیداً از تصویب آن منع و از نشر چنین مقالاتی در جراید جلوگیری فرمایند امید است پیوسته به حمایت از اسلام و مقدسات دینیه موفق بوده باشید.

شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

غروب خورشید فقاقت، ص: ۶۲

علی رغم تلگرافی که علماء و مراجع عظام به منظور لغو تصویبنامه یاد شده به نخست وزیر و هیئت دولت مخابره کردند، اما شاه و دولت او بی‌اعتنا باقی ماندند.

کشمکش بین مراجع دینی و رژیم اوج گرفت، و جوایبهایی از طرف امام خمینی (رحمه الله علیه). و سایر مراجع بزرگ تقلید، بالاخص حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه). به شخص شاه صادر شد.

تاریخ: مهر ۱۳۴۱

تلگرام آیت الله العظمی خوئی درباره انجمن‌های ایالتی و ولایتی تهران

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی - تلگراف علی حضرت حاکی از پشتیبانی از شعائر و قوانین مقدسه اسلام و اصل و موجب خوشوقتی گردید صدور بعضی از قوانین که تقلید بیگانگان در آن‌ها آشکار و مخالف قوانین اسلام و قانون اساسی می باشد از نظر اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران فاقد ارزش است تحولاتی که در بعضی از مالک واقع شده همچنانکه اعلیحضرت اشاره فرموده‌اید قابل انکار نیست.

ولی نظر اعلیحضرت را به نتایج آن تحولات نسبت به افراد معطوف می‌داریم اطلاع وسیع اعلیحضرت مقتضی است که از ملاحظه تاریخ اسلام نتیجه بگیرند که در پرتو دین مقدس اسلام با شرائط زمان و مکان هر گونه اصلاحی را می‌توان انجام داد زیرا که دین اسلام از عدالت پشتیبانی و با فساد مبارزه می‌نماید و بر اساس همین قوانین حکومت بزرگ اسلامی به وجود آمده و از ملاحظه تاریخ جهان استنتاج شده که عظمت و ترقی مملکت باخلاق فاضله و عدالت اجتماعی بستگی دارد و در تاریخ حاضر هم دیده می‌شود بعضی از کشورهایی که مقتدر

غروب خورشید فقاقت، ص: ۶۳

بوده‌اند با انحراف و پیروی از مفسد راه سقوط را پیموده و از انجام هر عملی عاجز می باشند امید است شخص اول مملکت از مقدسات اسلامی که از يك کشور مسلمان ودیعه دارند نهایت درجه نگهداری را نموده و آرامش قلوب مسلمانان را تأمین نمایند.

ابوالقاسم موسوی خوئی

تاریخ: ۱۶ / ۸ / ۱۳۴۱

تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی درباره تصویب نامه انجمن‌های ایالتی ولایتی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارك اعليحضرت همايوني دامت برکاته

با تقدیم احترامات از نظر تکلیف شرعی و مصلحت‌بینی و سلب مسئولیت و به لحاظ تلگرافات و طومارهای اعتراضی که از شهرستان‌ها و نواحی مختلفه راجع به تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی می‌رسد لازم است به عرض برسانم.

بدو از عنایات ملوکانه در جواب تلگراف حقیر امتنان حاصل است؛ وعده آن که تلگراف برای دولت فرستاده می‌شود، باعث امیدواری شد، که به منظور الغاء آن بوده، ولی متأسفانه دولت اثری بر آن مرتب نکرده، و در لغو آن مسامحه و خودداری می‌نماید؛ و توجه ندارد که اصرار در تجاوز به قوانین شرع و اصول قانون اساسی چه آثار سوء و نامطلوبی دارد.

اکنون مجلسین تعطیل و مرجع رسیدگی به عملیات دولت منحصر به اعليحضرت است. اگر مقام سلطنت هم دست دولت را در بعض اقدامات باز گذارند موجب یأس و ناراحتی خواهد شد.

در مملکتی که مذهب رسمی آن طریقه حقّه جعفری است، با وجود قوانین

غروب خورشید فقاقت، ص: ۶۴

محکمه و تغییر ناپذیر اسلام، و با عنوان حکومت مشروطه، جعل قانون، و مقدرات جامعه را به دست معدودی سپردن، توهین به ملت، و بازگشت به اعصار پیش از اسلام و روش‌های قرون وسطی است.

این که فرموده‌اند اعليحضرت در حفظ شعائر اسلامی کوشا هستند. البته باید اینطور باشد، و به همین جهت مسلمانان متوقع الغاء تصویب‌نامه، و توجه کامل اعليحضرت در حفظ شعائر اسلامی هستند.

دولت در مسامحه متعذّر ببعض تعهدات می‌شود با آن که معلوم است اعتبار آن‌ها در حدود موافقت با موازین دینی و قانون اساسی و اوضاع و احوال مملکت است.

عموم ملت ایران می‌دانند، که اعلیحضرت همایونی به قرآن مجید سوگند یاد نموده‌اند، که حامی دین و مذهب جعفری باشند، و تمام مسلمین انتظار دارند، که با لغو این تصویب نامه وفاداری خودشان را به عهدی که فرموده‌اند تأیید، و مردم را با توجهات ملوکانه بیش از بیش امیدوار، و موجبات مزید تشکر و دعاگوئی را فراهم نمایند.

نهم جمادی الثانیه ۱۳۸۲

مُجَدِّرِضَا الْمَوْسَوِی الْکَلْبَیْغَانِی

۱۵ / آبان / ۱۳۴۱

تلگرام دوّم حضرت آیت الله خمینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضور مبارك اعلیحضرت همایونی - تلگراف مبنی بر آن که اعلیحضرت بیش از هر کس در حفظ شعائر مذهبی کوشا هستند و تلگراف اینجانب را برای دولت ارسال داشتند و توفیق اینجانب را در ترویج مقررات اسلامی و هدایت عوام

غروب خورشید فقاقت، ص: ۶۵

خواستار شدند! موجب تشکر گردید. البته ملت مسلمان ایران از اعلیحضرت همین انتظار را دارند! فرموده اعلیحضرت موافق است با آنچه از پیغمبر اسلام. (صلی الله علیه وآله و سلم). به ما رسیده (

إذا ظهرت البدع في امتي فيظهر العالم علمه فمن لم يظهر فعله لعنه الله

(البته شغل روحانی ارشاد و هدایت ملت است مع‌الاسف با آن که به آقای اسد الله علم در این بدعتی که می‌خواهد در اسلام بگذارد تنبّه داد و مفاسدش را گوشزد کردم، ایشان نه به امر خداوند قاهر گردن نهادند و نه به قانون اساسی و قانون مجلس اعتنا نمودند و نه امر ملوکانه را اطاعت کردند و نه به نصیحت علماء اسلام توجه نمودند و نه به خواست ملت مسلمان که طومارها و تلگرافات و مکاتیب بسیار آنها از اقطار کشور نزد اینجانب و علماء اعلام قم و تهران موجود است رقیعی گذاشتند و نه به اجتماعات انبوه قم و تهران و سایر شهرستانها و ارشاد مفید خطباء اسلام احترامی قائل شدند.

آقای علم از نشر افکار عمومی در مطبوعات و انعکاس تلگرافات مسلمین و اظهار تظلم آنها به اعلیحضرت و علماء ملت جلوگیری کرده و می‌کند و برخلاف قانون اساسی مطبوعات کشور را مختنق کرده و به وسیله مأمورین در اطراف مملکت، ملت مسلمان را که می‌خواهند عرض حال خود را به اعلیحضرت و علماء ملت برسانند ارباب و تهدید می‌کند. آقای علم تخلف خود را از قانون اسلام و قانون اساسی اعلام و برملا نموده. آقای اسدالله علم گمان کرده با تبدیل کردن قسم به قرآن مجید به کتاب آسمانی ممکن است قرآن کریم را از رسمیت انداخت و «اوستا» و «انجیل» و بعضی کتب ضاله را قرین آن یا به جای آن قرار داد. این شخص تخلف از قانون اساسی را به بهانه الزامات بین المللی شعار خود دانسته با آن که الزامات بین‌المللی مربوط به مذهب و قانون اساسی نیست تشبث به الزامات بین المللی برای سرکوبی قرآن کریم و اسلام و قانون اساسی و ملت جرم بزرگ و ذنب لا یغفر است.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۶۶

اینجانب به حکم خیرخواهی برای ملت اسلام اعلیحضرت را متوجه به این که: اطمینان فرمائید به عناصری که با چاپلوسی و اظهار چاکری و خانه‌زادی می‌خواهند تمام کارهای خلاف دین و قانون را کرده و به اعلیحضرت نسبت دهند و قانون اساسی را که ضامن اساسی ملیت و سلطنت است با تصویب نامه‌های خائنانه و غلط از اعتبار بیندازند تا نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و ملت را عملی کنند، انتظار ملت مسلمان آن است که با امر اکید آقای علم را ملزم فرمایید از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند و از جسارتی که به ساحت مقدس قرآن کریم نموده استغفار نماید والا ناگزیرم در نامه سرکشاده به اعلیحضرت مطالب دیگری را تذکر دهم از خداوند تعالی استقلال ممالک اسلامی و حفظ آنها را از آشوب و انقلاب مسئلت می‌نمایم.

روح الله الموسوی الخمینی

تاریخ: ۱۷ / ۸ / ۱۳۴۱

تلگرام آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی درباره تصویب نامه انجمن‌های ایالتی ولایتی

بسمه تعالی

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی دام مجده

به عرض ملوکانه می‌رساند: بر حسب مراجعات و تلگرافات و طومارهای متعدد علماء اعلام و طبقات مؤمنین از قم و سایر شهرستان‌ها، علاوه بر عرض تلگراف سابق، ناگزیر به تصدیق مجدد خاطر امنع ملوکانه شده راجع به منع مداخلات نسوان که دامن با عفت آنان مهد پرورش رجال علمی و شخصیت‌های بارز مملکتی است، در امر انتخابات انجمن‌های ایالتی ولایتی و قید تحلیف به قرآن کریم و شرطیت اسلام منتخبین استدعای صدور اوامر شاهانه را داشته، امیدواریم موجبات مزید دعاگوئی حقیر و عموم علماء اعلام و ملت مسلمان ایران

غروب خورشید فقاہت، ص: ۶۷

را فراهم فرمایند.

شهاب الدین الحسینی مرعشی النجفی

۱۰ جمادی الثانیہ ۱۳۸۲.

نامه‌ای که حضرت آیت الله خوئی برای حضرت آیت الله گلپایگانی مرقوم فرموده‌اند چون متضمن کمال هماهنگی و همدردی و توجه خاص حضرات آیات عظام نجف اشرف و آن حوزه علمیه با حوزه علمیه قم و آیات عظام آن است درج می‌گردد.

نامه حضرت آیت الله خوئی

آیت الله خوئی پس از عنوان و احوالپرسی از ایشان می نویسد:

... تلگراف حضرت عالی و سایر آقایان آن حوزه مقدسه علی الخصوص تلگراف اخیرتان به دولت^{۱۱} در موضوع اخیر، مطالعه و بی نهایت موجب خوش وقتی گردیده و این اقدامات جلیله انشاء الله مورد نظر ولی دهر خواهد بود. ما هم که تاکنون از قیام به وظیفه خودداری ننموده ایم.

هر ارشادی در این مورد نظر مبارك و سایر آقایان باشد عملی خواهیم نمود چشم ما در آن جا به وجود آقایان دامت برکاتهم روشن است، و قدم به قدم از تأیید خودداری نخواهیم نمود. در خاتمه در مظان استجابت مستدعی بوده و هستم.

والسّلام علیکم و رحمہ الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

(۱). مقصود تلگراف سوّم آقایان است.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۶۸

پاسخ نخست وزیر به مراجع. تقلید:

تلگراف نخست وزیر (اسدالله علم) به آقایان مراجع واصل شد، که با لحنی نرم و ملایم و تعارفاتی که در آن آمده بود، ممکن بود شخص بی اطلاع از ماجرا را به شك بیندازد که شاید اصولاً مطلب آن قدر مهم نبوده و نظر سوئی در تصویب نامه اعمال نشده است، اما سه عیب بزرگ در آن مشهود بود که نظر آیات عظام را تأمین نمی کرد:

^{۱۱} (۱). مقصود تلگراف سوّم آقایان است.

۱. هر چند آوردن قید قرآن مجید پذیرفته شده بود ولی لازم بود که هیئت وزیران آن را تصویب کنند، نه طی تلگراف شخص وزیر اعلام شود.

۲. دولت اشتباهی کرده و آنرا موکول به ردّ یا قبول مجلس شورا نموده که از آن تعبیر به عذر بدتر از گناه می‌شود.

۳. دخالت بانوان را در عضویت انجمن‌ها از موضوعات عرفیه دانسته که نظر علماء در آن شرط نیست، در صورتی که هر جا وقوع در گناه محتمل باشد بر علماء واجب است نهی از منکر کنند و نگذارند گناه و فساد دامنگیر مرد و زن مسلمان گردد، خواه موضوعات عرفیه یا غیر عرفیه باشد.

لذا مراجع عظام تلگراف نخست وزیر را نشانه طفره رفتن دولت دانسته و تصمیم گرفتند که با شدت و حدت به مبارزه ادامه دهند. و ملت مسلمان ایران را از این توطئه بزرگ آگاه سازند سرانجام پس از پنجاه روز مبارزه، دولت آشکارا عقب‌نشینی کرد.

و در ۷/ آذر ماه/ ۱۳۴۱ با ارسال تلگراف به علماء قم، لغو تصویب نامه اعلام شد. ولی آقایان مراجع بالأخص امام خمینی. (رحمه الله علیه). تلگراف را کافی ندانستند و خواستار اعلام رسمی در جراید شدند. از این رو در روزنامه اطلاعات و کیهان مورخه: شنبه ۱۰/ آذر ماه ضمن يك مصاحبه مطبوعاتی آقای علم به خبرنگاران

غروب خورشید فقاقت، ص: ۶۹

گفت: هیئت دولت تصویب نمود که مقررات تصویب نامه: ۱۶/ مهر ماه ۱۳۴۱، مربوط به انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی قابل اجرا نخواهد بود

تحریم فراندوم (لویح شش گانه)

... پس از رفع غائله انجمن‌های ایالتی ولایتی، تبلیغات دامنه‌دار علیه روحانیت و مرجعیت که هم‌اورد غیر منتظره‌ای برای رژیم تلقی می‌شد آشکار و پنهان آغاز شد.

مضامین تبلیغات این بود که روحانیت سبب عقب‌ماندگی کشور و مانع اصلی بر سر راه پیشرفت و آبادانی ملت است.

پس از زمینه‌سازی مناسب، در ۱۹ دی ماه/ ۱۳۴۱، شاه اصول پیشنهادی خود را، که بعدها لویح شش گانه نام گرفت و تا سال ۱۳۵۶ به نوزده اصل گسترش یافت، اعلام کرد و از مردم خواست طی فراندومی به نهای بدهند.

بدنبال انتشار این خبر (لویح شش گانه) و اعلام رفراندوم توسط شاه، امام خمینی. (رحمه الله علیه). و مراجع بزرگ تقلید اطلاعیه‌هایی صادر کردند و رفراندوم را خلاف شرع و قانون دانسته و شرکت در آن را تحریم کردند. در این رابطه مرجع عالیقدر حضرت آیت الله خوئی هوشیارانه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و مجریانش را که در رأس آن شخص شاه قرار داشت و با تبلیغات عوام‌فریبانه به نام دلسوزی و خیر خواهی ملت ایران عنوان می‌داشت، افشا نموده و این رفراندوم ساختگی را حرکتی بر علیه قانون مقدس اسلام و مواد صریح قانون اساسی دانستند.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۷۰

تاریخ: بهمن ۱۳۴۱

تلگرام آیت الله العظمی خوئی در مورد رفراندوم شاهانه به حضرت آیت الله بهبهانی دامت برکاته- تهران

طبق اخبار واصله بار دیگر حرکتی بر علیه قانون مقدس اسلام و مواد صریح قانون اساسی و مصالح ملت ایران به نام دلسوزی و خیرخواهی شروع شده است به اولیای امور تذکر دهید که این گونه اعمال بیش از بیش موجب تشنج مملکت و ناراحتی افراد خواهد شد و در صورتی که جمعی بتوانند با قوه قهریه صدای ملت را خاموش نمایند مدت آن طولانی نخواهد بود. تبلیغات دروغ و بی‌اساس و عوام فریب بر ملت ناراضی و اقتصاد ورشکسته راه علاج نبوده و مشکلی را حل نخواهد ساخت.

امیدوارم ملت مسلمان ایران و افرادی از دولت که در فکر حفظ مملکت هستند شهادت دینی خود را ابراز داشته. هر قانونی را که مخالف قرآن مجید و مصالح آنها باشد زیر پا نهاده و راه را برای دشمنان دین و مملکت هموار نسازند.

خوئی

یورش رژیم شاه به روحانیت و مردم

... ملت مسلمان ایران که شاهد زیر پا گذاشتن قوانین قرآن مجید و نصایح دلسوزانه مراجع عظام بودند، پس از کسب تکلیف از آن‌ها به عنوان اعتراض با اجتماع در مساجد و بستن بازار و با شعارهای: فراندوم قلابی مخالف اسلام است، روحانیت پیروز است، مرگ بر خفقان و ... اقدام نمودند که بطور ناگهانی مورد تهاجم ایادی رژیم شاه و مأمورین نظامی قرار گرفته و عده‌ای مضروب و مجروح گردیده و جمعی نیز دستگیر و زندانی شدند. و بدتر و شدیدتر از این وضع در قم و در مرکز روحانیت ایران به وجود آمد، عده‌ای از اراذل و اوباش در پناه حفاظت

غروب خورشید فقاقت، ص: ۷۱

مأمورین انتظامی به مدرسه فیضیه قم ریخته، در و پنجره حجرات را شکسته، اموال طلاب را غارت کرده و نسبت به آن‌ها اهانت شدید نمودند، و عده‌ای از آنان را به شدت مصدوم و مجروح کردند. و نظیر همین جریان در مدرسه طالبیه تبریز به وقوع پیوست.

در ۶/ بهمن ماه/ ۴۱، که به اصطلاح روز اخذ رأی ملت و فراندوم بود، بر اثر انتشار اعلامیه‌های مراجع قم و نجف تحریم فراندوم و زمینه سازی که توسط آن‌ها شده بود بسیاری از استان‌های کشور بصورت تعطیل یکپارچه درآمد و مردم به عزای عمومی نشستند، هیچکس از خانه بیرون نیامد، چند تن از وعظا که در منبر رأی دادن را طبق فرمان مراجع تحریم کرده بودند، دستگیر و به مرکز آورده شدند.

یورش به مدرسه فیضیه قم:

نوروز سال ۱۳۴۲ فرا رسید، و طبق معمول هر ساله گروه بی‌شماری از مردم با ایمان برای زیارت حضرت معصومه علیها السلام به قم می‌آمدند، امام خمینی و آقایان مراجع ت صمیم گرفتند اعلام کنند که نظر به مسائل جاری و ضدّ اسلامی رژیم شاه در ایام عید جلوس نخواهند داشت، بلکه چون عید نوروز مصادف با سالروز شهادت رئیس مذهب جعفری حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است، مجالس سوگواری تشکیل داده، تا مردم در قم و تهران و شهرستان‌ها به عزای بنشینند.

... روز ۲۵/ شوال به همین مناسبت مجلس عزاداری با شکوهی مرکب از گروه‌های مختلف مردم و علماء و روحانیون در منازل مراجع قم منعقد گردید.

همچنین مجلس سوگواری بعد از ظهر همان روز (۲/ فروردین/ ۴۲) در مدرسه فیضیه قم برگزار گردید، جمعیت انبوهی در آن شرکت کردند.

هنگام غروب مأموران رژیم جلسه را به هم ریخته و شرکت کنندگان، به خصوص طلاب و روحانیون را مجروح و مضروب ساختند و چنان که گفته شد تنی

غروب خورشید فقاقت، ص: ۷۲

چند نیز به شهادت رسیدند.

همزمان با این حادثه در تبریز به مدرسه طالبیه نیز حمله شد. و به دنبال آن اعلامیه‌هایی از عالمان قم، تهران، نجف و دیگر شهرهای ایران و عراق صادر شد که رژیم شاه را به دلیل بی‌حرمتی به دین و اهل دیانت و علماء و طلاب محکوم می‌کرد.

پس از درگیری خونین مدرسه فیضیه، موج تازه‌ای در میان علماء عراق برخاست، آنان نامه‌ها و پیام‌های متعددی به سران کشورهای اسلامی و عربی ارسال داشته و عملکرد رژیم شاه را شدیداً مورد انتقاد قرار داده و از آنان برای حمایت مبارزان ایرانی یاری طلبیدند.

تاریخ: فروردین ۱۳۴۲

تلگرام آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). به امام خمینی (قدس سره الشریف) در پی یورش مزدوران رژیم شاه به
مدرسه فیضیه

از نجف اشرف

تلگراف حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه)

حضرت آیت الله خمینی دامت برکاته - قم

جنایت جباران نسبت به حوزه علمیه، دل‌های ما و عموم مسلمین را به درد آورده است. «فَلا

تَحْسَبَنَّ اللهُ مَخْلَفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ، إِنَّ اللهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ»^{۱۲}

نجف - سيد ابوالقاسم خوي

(۱). حضرت آيت الله الخميني دامت برکاته - قم

جنايه الجائرين على الحوزه العلميه او جعلت قلوبنا و عامه المسلمين. فلا تحسبن الله مخلص وعده رسله. ان الله عزيز ذوانتقام ..

النجف - ابوالقاسم الموسوي الخوئي

غروب خورشيد فقاها، ص: ۷۳

تلگرام آيت الله العظمى خوئي (رحمه الله عليه). در پي فاجعه مدرسه فيضيه واهانت به علماء اسلام

اعليحضرت مُجَدِّ رضا شاه پهلوي - تهران

از قرون متمادی دشمنان اسلام از نظر اضمحلال دين و برده ساختن مسلمانان در صدد تفريق دو قوه روحی و مادی آنها برآمده و به فضل الهی در اثر تنبه اولیای امور و علماء اعلام به مقصد خود نائل نگشته اند.

در حال حاضر زمينه را قابل دیده به فعالیت پرداختند که ضربت مهلك خود را بر پیکر کشورهای اسلامی وارد سازند.

^{۱۲} (۱). حضرت آيت الله الخميني دامت برکاته - قم

جنايه الجائرين على الحوزه العلميه او جعلت قلوبنا و عامه المسلمين. فلا تحسبن الله مخلص وعده رسله. ان الله عزيز ذوانتقام ..

النجف - ابوالقاسم الموسوي الخوئي

بسیار جای تأثر و تأسف است که سقوط و انحطاط مملکت اسلامی و یگانه مرکز تشیع به جائی برسد که زمامداران آن آلت و وسیله انجام مقاصد شوم آنان گردند.

ما چندی قبل مفسد تصویب نامه شوم و جعل قوانینی بر خلاف مقررات اسلام را تذکر داده و اعلام خطر نمودیم با این حال شاه با کمال جدیت از آن قوانین دفاع کرده و در اثر آن روزنامه‌های مزدور و خائن بمانه به دست آورده نسبت به مقام روحانیت هتاکی نموده بلکه مقدسات اسلام را خرافات و ارتجاع سیاه و قوانین پوسیده نامیدند.

البته حکم چنین اشخاص در شرع مطهر معین و مبین است ما جداً از شخص شاه خواستاریم که اسباب اغتشاش مملکت و ناراحتی عموم مسلمانان جهان را مرتفع سازند.

علماء اعلام و عموم طبقات مسلمانان با اتکال بحول و قوه الهی از مقدسات دین تا آخرین نفس دفاع خواهند نمود. علی الله توکلنا ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۷۴

غره ذیقعدہ / ۱۳۸۲

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله خوئی (رحمه الله علیه). از مقدسات اسلامی دفاع می‌کند

متن تلگراف حضرت آیت الله العظمی «زعیم الحوزه العلمیه» آقای حاج سید ابولقاسم خوئی (رحمه الله علیه). که به (۲۴) نفر از علماء اعلام و آیات عظام: مخبره گردیده و از قوانین جائزانه که مخالفت با دستورات اسلامی و مؤید (صهیونیست

و بهائیت) است اعلان انزجار و پشتیبانی خود و علماء اعلام را از مقدسات اسلام و عمل به آخرین وظیفه دینی اعلام نموده‌اند:

*** در اول این ماه تلگرافاً از شاه خواستیم که از پشتیبانی قوانین شوم ضد اسلام خودداری نماید و گرنه علماء اعلام و مسلمانان جهان در دفاع از مقدسات اسلام کوتاهی نخواهند نمود.

به قرار معلوم بر پشتیبانی خود باقی و از اهانت به مقدسات دین دست بردار نیست، خصوصاً حادثه مؤله (قم) قلوب ما و عموم مسلمین را جریحه‌دار نموده. بار دیگر بدین وسیله اعلام می‌داریم چنان چه از این قوانین رفع ید نشود آخرین وظیفه خود را انجام خواهیم داد و مسئول هر حادثه شخص شاه و هیئت دولت خواهد بود.

نجف اشرف ۸ ذی القعدة - ۱۳۸۲ هـ - ۱۴ / ۱ / ۱۳۴۲

ابوالقاسم الخوئی

غروب خورشید فقاہت، ص: ۷۵

قم: آقای گلپایگانی، آقای شریعتمداری، آقای خمینی، تهران: آقای خوانساری، آقای بیهانی، آقای فلسفی، مشهد: آقای میلانی، آقای قمی، اصفهان: آقای خادمی، آقای شمس آبادی، کرمان: آقای صالحی. همدان: آقای آخوند همدانی. بروجرد: آقای نجفی بروجردی. تبریز: آقای اهری. یزد: آقای صدوقی. شیراز: آقای محلاتی. اهواز: آقای رامهرمزی. رشت: آقای ضیا بری. خرم آباد: آقای کمالوند. آبادان: آقای قائمی، آقای اصفهانی. کاشان: آقای یثربی، آقای نجفی.

مطبعة الاداب - النجف الاشرف

تاریخ: ۱۸ / ۲ / ۱۳۴۲

پاسخ آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). به نامه عده‌ای از علماء ایران

در پی یورش رژیم شاه به مدرسه فیضیه:

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایان محترم علماء اعلام دامت برکاته- مکتوب آن جنابان واصل و از مضمونش که شارح اوضاع اسف‌انگیز ایران بود اطلاع حاصل گردید. حملات ناجوانمردانه دولت بر حریم مقدس اسلام و مبارزه با روحانیت بو سیله تبلیغات و سرنیزه و تجاوز افرادی که فاقد اصول انسانیت و وجدان می‌باشند بر طلاب علوم دینی و کتب مقدسه و هتک از علماء اعلام در مرکز و سائر بلاد ایران به خصوص در شهرستان‌های قم و تبریز و مشهد و انجام يك سلسله اعمال وحشیانه که در جهان کنونی نظیر آن کمتر دیده می‌شود تمام این اعمال موجب تأسف شدید و نگرانی است.

بسی جای تأسف است که زمامداران يك کشور مسلمان و حکمرانان مملکتی که قانون اساسی آن بر پایه‌های اسلام و روحانیت نهاده شده است تا این اندازه پابند مقررات قانون نشده و در راه تأمین مصالح شخصی خود هر گونه

غروب خورشید فقاہت، ص: ۷۶

التزامات را نسبت به وفاداری به اسلام زیر پا بگذارند. این جنایات و اعمال وحشیانه در صورتی که به طور مستقیم از يك قدرت خارجی نسبت به ملت مسلمان سر می‌زد این اندازه جای تأسف نبود ولی وقوع آن توسط افرادی که خود را ایرانی و مسلمان معرفی می‌نمایند فوق‌العاده عجیب به نظر می‌رسد. وقاحت و بی‌شرمی دولت به جائی رسیده است که عمال آن در حین ارتکاب قتل و غارت در شهرستان قم ملّت را به تکرار آن اعمال و بدتر از آن تهدید می‌نمایند.

این افراد که سوابقشان تاریکی است در فکر کسب افتخار افتاده و بایستی به آنان (فاتح مدرسه فیضیه قم) و (فاتح مدرسه طالبیه. تبریز) و (فاتح دانشگاه تهران) لقب داد. این اعمال نمونه بارز آن است که يك فرد در حال پشت سر گذاشتن معنویات تا چه اندازه ممکن است سقوط نماید، تا چه اندازه مایه تعجب و موجب خنده و گریه است که دولت خود را علاقه‌مند به اسلام و داعیه عدالت اجتماعی و خواهان اصلاح و دلسوز ملّت معرفی نموده سپس کار را به جائی برساند که در هیچ کس قدرت دفاع از حقوق شخصی یا نوعی و قدرت حمایت از مقدسات اسلام وجود نداشته باشد.

در اثر فشار روزنامه‌های کشور در نشر فحشاء و منکر و نشان دادن راه‌های بی‌عفتی آزاد ولی قدرت آن را نداشته باشند که از يك مرجع تقلید اعلامیه‌ای نشر نموده و صدای روحانیت را به گوش مردم برسانند. عجب‌تر این که اینجانب چندین تلگراف به علماء مرکز و علماء شهرستان‌ها و چندین نامه به علماء آذربایجان ارسال داشته‌ام و از قرار معلوم دولت هیچ يك از آن‌ها را به مقصد نرسانیده است. شاید این عمل مخالف قانون بین‌الملل نباشد.

آیا اختناق و سلب آزادی از ملت بیش از این متصور است. و آیا برنامه چنین دولتی را. برنامه مترقی می‌توان نام نهاد ملت ایران می‌داند اشخاصی که خود سراپا فساد و در عالم شهوترانی و وطن‌فروشی قدم می‌زنند و به هیچ وجه صلاحیت آن را

غروب خورشید فقاہت، ص: ۷۷

ندارند که موضوع اصلاحات را بھانه قرار داده و وسائل تازه‌ای برای بیچاره ساختن آن‌ها فراهم نمایند.

کسانی که خود معنی صلاح را ندانسته‌اند چگونه ممکن است متصدی اصلاح باشند. تجاوز دولت به حقوق مردم و اقدام بر آدم‌کشی بدون مجوز شرعی و قانون موجب آن شده است که در خارج از کشور افتضاح زمامداران از حد تجاوز نماید و این افراد مایه ننگ عموم ایران گردند.

حادثه اسف‌انگیز قم و تبریز قلوب مسلمانان جهان را جریحه‌دار ساخت. دولت بدین وسیله صفحه دیگری بر جنایات خود اضافه کرد. در شهرستان نجف اشرف و کربلای معلی و کاظمین و بغداد و غیرها مجالس فاتحه اقامه شد برداران مسلمان ما بر ارواح مقتولین طلب مغفرت و در مصائب مجروحین شرکت جستند تا استنکار خود را در برابر این جنایات ابراز و تنفر خود را از جنایتکاران اظهار نمایند.

چه عوامل خطرناکی کشور ایران را تهدید می‌نماید، دشمنان اسلام با چه وسائلی برای وارد ساختن ضربت مهلك به فعالیت پرداخته‌اند؟ جواب آن را ما می‌دانیم، ملت ایران نیز می‌داند، و بهتر از هر کس زمامداران می‌دانند آیا بایستی در برابر این ضربات تسلیم شد؟ من می‌دانم که شھامت و رشد فکری ملت ایران مانع از آن است که در برابر این حملات سر تسلیم فرود آورند. قدرت روحی این ملت به قدری زیاد است که صلاحیت دفع هر گونه حمله‌ای دارد.

آیا ممکن است يك کشور مسلمان مقدرات خود را به دست چند تن از دشمنان دین و مملکت بسپارد؟ آیا ممکن است علاوه بر جهات معلوم يك کشور کوچک که بر اساس دشمنی با اسلام به وجود آمده است کشور بزرگ ما را منطقه نفوذ خود قرار دهد؟ آیا ممکن است عده‌ای با تلبیس به لباس انحراف با عقیده به مبدأ و معاد بازی کنند؟ آیا صلاح است که یکی از عمال آن کشور که سابقاً فرزند يك

کلیمی دوره گرد بوده است هم اکنون در ردیف رجال مملکت بلکه بزرگترین رجال آن برآید، و یکی از بزرگترین وسائل تبلیغات و صدها مرافق حیاتی ملت را به دست گرفته و میلیون‌ها ثروت کشور را به خارج تحویل دهد؟

بایستی از دولت پرسید در کدام يك از ممالك مترقی وسائل تبلیغ در اختیار فردی قرار گرفته است که خود را فرزند آن مملکت ندانسته و بر علیه مصالح کشور اقدام می‌نماید، عموم علاقه‌مندان به اسلام را با تحفظ بر امنیت و عدم ایجاد آشوب و تشنج به ادامه مبارزه بر علیه دشمنان دین و قرآن دعوت می‌کنیم، و بر علماء اعلام لازم است که مسلمانان را به وظائف دینی آشنا سازند (اذا ظهرت البدع فعلى العالم أن يظهر علمه و الا فعليه لعنة الله).

عده بسیاری در تاریخ ملاحظه می‌شوند که درخت مقدس اسلام را با خون خود آبیاری نموده و ریشه آن را مستحکم ساخته و از سقوط آن جلوگیری نموده‌اند.

هم اکنون شاخه‌های این درخت به خشکی تمایل نموده و اصل آن نیازمند به آبیاری. جدیدی است من نیز خون خود را در این راه اهداء می‌کنم و بزرگترین افتخار من آن است که این هدیه برای سلامتی دین مقدس اسلام و برای محفوظ ماندن قرآن مجید از انواع تعدیات و برای نابود شدن جنایتکاران وسیله‌ای قرار گیرد. نهایت خوشوقتی آن جا است که این هدیه در پیشگاه حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء مورد قبول واقع گردد. زنده بودن و تماشای عجائب و ملاحظه تسلط دشمنان دیرینه اسلام بر مقدرات مسلمانان در حکم مرگ و تلختر از مرگ است.

بدا به حال ما اگر در مقابل خطر ساکت بنشینیم و ودایع گرانبهای پیمبران را به رایگان به دست دشمنان بسپاریم وای بر ملت ایران اگر خدا نخواستہ افرادی از دشمن اختیارات او را. به دست گیرد. تاریخ روزی که قدرت حمایت از دین و کشور از افراد ملت بکلی سلب گردد.

هم اکنون بار سنگینی. به دوش ملت مسلمان و روحانیت آن نهاده شده است.

روحانیت در مبارزه خود پایدار و شانه خود را از این بار سنگین خالی نخواهد نمود.

این مبارزه در صورتی دارای اثر مثبت خواهد بود که ملت مسلمان نیز بیش از پیش. آن را تأیید نماید و قدم‌های خود را به جای اقدام روحانیون بگذارد. اگر ملت مسلمان ایران با وسائل مبارزه کاملاً آشنا نیست ممکن است از دیگر ملل مسلمان این درس را فراگیرد و روش آن‌ها را برای ادامه حیات و بدست آوردن استقلال سرمشق خود قرار دهد ... آقایان

علماء اعلام، ما در این مدت موفق شده‌ایم صدای مظلوم و ستم‌دیده ایران را به خارج برسانیم به تدریج کشورهای اسلامی و کشورهای خارجی از حقیقت اوضاع در ایران مطلع می‌شوند و زمامداران وقیح کنونی به زودی با عکس العمل آن‌ها مواجه خواهند شد اگر این دسته از اعمال خود دست بر ندارند مسلمانان جهان به وسیله مدارك زنده حقیقت آن‌ها را در خارج از کشور روشن خواهند ساخت و اگر تعدیات آن‌ها ادامه یابد تاریخچه چهل ساله آن‌ها که از جنایت و خیانت مملو است منتشر خواهد شد علاوه بر آن که مراجع تقلید رأی خود را درباره آن صادر خواهند نمود، اگرچه وسیله تبلیغاتی دولت بیشتر و عمال او در خارج سخاوتمندانه با مردم رفتار می‌نمایند ولی صدای اسلام و بانگ قرآن رساتر و مؤثرتر است. قدرتی که حافظ قرآن مجید است از مدافعین قرآن نیز حمایت خواهد کرد.

در خاتمه امیدوارم نتایج اقدامات ما به زودی آشکار و در اثر تأییدات الهیه و زنده شدن حس برداری و دفاع از قرآن در برابر خطر مشترك در کشورهای اسلامی ملت ایران از چنگال ظلم و تعدی و رهایی یافته و دست خائنین از تعدی به تحريم مقدس اسلام و تجاوز به نفوس و اموال مسلمانان کوتاه گردد.

(و لقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون) و السلام عليكم و رحمه الله و بركاته.

نجف اشرف ۱۴ ذی الحجه الحرام ۱۳۸۲ هـ -

ابوالقاسم موسوی خوئی

غروب خورشید فقاہت، ص: ۸۰

تاریخ: اردیبهشت ۱۳۴۲

اعلامیه آیت الله العظمی خوئی در پاسخ به نامه عده‌ای از علماء

درباره اعمال ضد اسلامی رژیم شاه

روحانیان عالیقدر:

رنج‌ها و ناراحتی‌هایی که ملت مجاهد ایران در وضع حاضر طبق اظهار شما تحمل می‌کنند برای من سخت ناگوار است.

حقا در جهان امروز ما دیگر به هیچ وجه این گونه جرائم زشتی که شاه ایران و دستگاه حاکمه آن برای جنگ با دین و رجال دینی و ملت شریف ایران مرتکب می‌شود، قابل تحمل نیست.

دیگر دشمنی آن‌ها با مقدسات اسلامی و کوششی که برای نابود کردن روحانیت با ستمگری و حيله بازی به کار می‌برند جز ایجاد وحشت و اضطراب عمومی ثمره‌ای ندارد. تنها مردم را به این سوال می‌اندازد که آیا ضمیر این ملت و پیشوایان روحانی آن به دست این یاغیان. ستمگر به کجا منتهی می‌شود.

هیچ گونه گواهی بر خیانت این گروه آشکارتر از طرد آن عده از قوانین مملکتی که با مصالحشان سازگار نیست و خیانت نسبت به مبادی دین مقدس اسلام در دست نمی‌باشد. اینان وفاداری نسبت به ایران را. تعهد کرده‌اند تا بتوانند برای این ملت مسلمانی. که قوانین آن بر شالوده. مبادی جاویدان اسلامی بنا شده است حکومت کنند.

گذشته هیئت حاکمه با ننگ و عار مشخص می‌شود. چنان که امتیاز این حکومت در وضع حاضر فضیحت و رسوائی‌هایی است که يك نمونه آن را در کوباندن مراکز دینی و علمی و افتخاری که از این. عمل شجاعت‌مآبانه خود به خرج می‌دهند، مشاهده می‌کنیم.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۸۱

حقا که باید ملت. ایران مدال افتخار. فاتحین را بر سینه این جنایتکاران نصیب کند. که موفق شدند تا این اندازه مراکز علمی را به خون و آتش کشند. این همه گستاخی‌ها و مجاوزاتی که هیئت حاکمه نسبت به طلاب بی‌گناه و مبارز ما روداشت نمونه آشکاری از انحطاط وضع در ایران و سلب آزادی و الغاء کلیه قیود اخلاقی و انسانی است.

خیلی مضحك و در عین حال جای تأسف است که این گروه طاعی به شدت دم از عدالت و اصلاح بزنند و برای دین و میهن اظهار دلسوزی کنند ولی در همان وقت زیر سایه حکومت سیاهشان احدی جرئت اظهار عقیده و جانبداری از حقوق و مصالح عمومی نداشته باشد. باز در همان وقتی که. روزنامه‌های مزدور با کمال آزادی نیرنگ‌ها و دسائس

دستگاه را به عنوان قدم‌های اصلاحی می‌پروراند، رجال دینی نتوانند از روی افکار و آرای خود برای خیر و صلاح مردم پرده بردارند. بدتر از این وضع رفتاری است که حکومت جبار نسبت به تلگراف‌ها و نامه‌های مردم به علمای خود مرتکب می‌شود. کنترل و مصادره امانت‌های مردم را کوچک‌ترین منافاتی با مبادی آزادی و حقوق بشری در دنیا به حساب نمی‌آورد.

آیا از این بیشتر هم ممکن است آراء و افکار و آزادی‌های ملتی را در فشار و مضيقه قرار داد؟

آیا چنین حکومت سیاهی دیگر می‌تواند در فکر آسایش و رفاه ملت و تأمین نیازمندی‌های مردم باشد؟

مردم ایران به هیچ کس اجازه نمی‌دهند زیر پرده شعارهای ملی و اصلاحی به کوباندن ملت پردازد. آیا ممکن است این دستگاه معنی اصلاح را بفهمد تا بتواند حقیقتاً به آن عمل کند؟

تجاوزات مکرر دستگاه حاکمه بدون هیچ‌گونه مجوز قانونی مشت آنان را در دشمنی با ملت در دنیا باز می‌کند و تدریجاً حکومت سیاه آن‌ها بزرگ‌ترین لکه ننگ را

غروب خورشید فقاقت، ص: ۸۲

برای ملت ایران به بار می‌آورد.

کشتار وحشیانه‌ای که در قم و تبریز به عمل آمد قلوب مردم جهان را در تمام اقطار عالم جریحه‌دار کرد و بدین وسیله يك صفحه ننگین دیگری بر پرونده جرائم بی حساب خود افزودند.

در عراق مجالس سوگواری که به همین مناسبت بر پا شد برادران عراقی آن‌ها سخت بر آن‌ها گریستند و خونریزی‌های وحشیانه مردم بی‌گناه را سخت محکوم کردند و خواستار تعقیب قاتلان و مجازات شدید محرکان و فرماندهان آن‌ها شدند.

ما نیز می‌دانیم که شجاعت ملت ایران و سلامت ادراکش بهمین زودی او را از تسلیم در برابر این ستمگران حفظ خواهد کرد و موفق خواهد شد با نیروهای روحی سرشاری که در اختیار دارد کلیه مخاطراتی را که دشمنان برای او پیش‌بینی کرده‌اند خنثی و بی‌اثر سازد.

آیا سزاوار است ملت ایران سرنوشت کشور و دین خود را به دست چند نفر از دشمنانش بسپارد؟ و آیا شایسته است که در قلب کشور برای بیگانه پایگاه درست کنند و پس از آن که دوست کوچکی بر شالوده دشمنی با مسلمانان به وجود

آوردند منطقه نفوذ بزرگتری به دست آن‌ها داد؟ آیا شایسته است که چند نفر از افراد منحرف با مقدسات این ملت بازی کنند؟

آیا به جاست که يك نفر مزدور یهودی به اعلى درجه مقام ثروت برسد و قدرتش به بزرگترین دستگاه تبلیغاتی کشور و اکثر شرکت‌ها که برای مصالح دولت اسرائیل کار می‌کنند بسط یابد؟

این وظیفه ما است که از هیئت حاکمه ایران بپرسیم آیا در تمام کشورهای جهان کشوری را پیدا خواهید کرد که دستگاه تبلیغاتی‌اش در اختیار يك نفر یهودی متوطن که خود را از فرزندان ملت نمی‌داند باشد تا هر چه می‌خواهد بر خلاف مصالح و مقدسات کشور انجام دهد؟

غروب خورشید فقاهاست، ص: ۸۳

ما ملت ایران که ایمان به مقدسات خود دارند دعوت می‌کنیم، با دشمنان دین و وطن به طرق مقتضی بدون اخلال و اغتشاش که دشمنان از آن استفاده کنند، بجنگد و بر عهده علماء عالی‌قدر است که مسلمانان در وظیفه مقدسی که در پیش دارند رهبری کنند که (اذا ظهرت البدع فعلى العالم أن يظهر علمه الا فعليه لعنت الله) رجال مجاهد ما پیوسته درخت اسلام را با خون‌های پاک خود آبیاری کرده‌اند و نشاط آن را باز یافتند. هم اکنون باز از تشنگی و پژمردگی احساس شکایت می‌کند.

من افتخار می‌کنم خون ناچیز خود را در راه حفظ دین و قرآن و نابودی ستم‌کاران تقدیم کنم. زیرا زندگی با فشار ستمگران و دشمنان اسلام برای من چیزی جز مرگ و یا بدتر از مرگ نیست.

امروز در این جهاد مقدس بار سنگینی به عهده مردم ایران و در طلیعه این شخصیت‌های مذهبی نهاده شده است، که امید است در عمل و ادای آن کوتاهی نکنند. برای ملت ایران تنها وقتی پیروزی میسر است که اطراف علماء عالی‌قدر خود را رها نکنند و در زیر پرچم آن‌ها و به رهبری آن‌ها مجتمع شوند. شایسته است ملت مسلمانان ایران درس فداکاری و مواجهه با دشمن را از ملت‌های مسلمان عربی - که بر مبارزه بر آن‌ها سبقت گرفته و با آرمان‌های استقلال‌طلبی خود و زندگی آزاد و با شخصیت خود رسیده‌اند - بیاموزند.

آقایان علماء اعلام:

ما پیوسته در راه اعلاى کلمه ملت مسلمان ایران و بلند کردن بانگ مظلومیت و استفاده آنان در برابر افکار عمومى جهانیان کوشش کرده و مى کنیم بزودی جهان اسلام و عرب بلکه تمام دنیا به حقیقت رنج‌های ملت مجاهد واقف خواهد شد. و به زودی دنیا به عنوان عکس‌العمل تجاوزات و فشارها و گستاخی‌های هیئت حاکمه آنان را محکوم خواهد کرد.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۸۴

با این حال اگر هیئت حاکمه از سیاست شوم خود باز نگردند حقیقت امرشان به زودی بر ملت ایران روشن خواهد شد و با ادامه جرایم و تعدیات سابق خود صفحات تاریخ گذشته آنها را که پر از ننگ و عار و آلودگی چهل ساله است در برابر جهانیان منتشر مى سازیم و در آن وقت است که علماء در آخرین سخن خود را در حقشان خواهند گفت.

بزودی ثمره. رنج‌های ما را در راه نجات ملت ایران از زنجیرهای ظلم و طغیان به خواست خدا و با ایمان و درایت مسلمانان نسبت به خطری که هستی آنان را تهدید مى کند مشاهده خواهید فرمود.

بزودی مجاهدات پیوسته ما. به قطع ریشه مفسدی در ایران و قطع ید حکومتی که به مقدسات الهی دست درازى کند و به زور اموال و نفوس مسلمانان اعمال قدرت نماید منتهی خواهد شد

«نجف اشرف - ابوالقاسم خوئی (رحمه الله علیه)»

دعوت امام خوئی از علماء اعلام برای همکاری با مجاهدین ایران:

علماء ایران در هنگام مبارزه با حکومت جبّار از حوزه علمیه نجف. اشرف و زعیم آن حضرت آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). کمک خواستند و در ضمن نامه‌ها و تلگرافات خود خواستند این حوزه بزرگ که همواره جای علماء مجاهد بوده از آنها حمایت کند.

در این هنگام آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). در پاسخ درخواست علماء اعلام بیانیه‌ای صادر کردند و در آن علماء و ملت ایران را در مبارزه و جهادی که در پیش گرفته‌اند تشویق فرمودند و. پیروزی و نصرت آنها را از خداوند طلب کردند:

متن بیانیه:

آقایان علمای اعلام توجه داشته باشند من از حوادثی که در ایران پیش آمده و

غروب خورشید فقاہت، ص: ۸۵

موجبات قتل و جرح گروهی شده است بسیار متأثر هستم و از رنج و محنت‌هایی که برای ملت ایران فراهم آوردند سخت ناراحت می‌باشم.

ملت مسلمان ایران که اکنون سخت مشغول مبارزه می‌باشند و با اعمال و کردار شاه و حکومت او مجاهده می‌کنند شاه و عواملش در ایران مرتکب هر کار پلیدی می‌گردند و هر روز به نحوی مردم را مورد ظلم و ستم قرار می‌دهند و با دین خدا جنگ می‌کنند.

حکومت ایران با رجال دین و ملت شریف این کشور محاربه می‌کند دشمنی آن‌ها با مقدسات اسلامی و یا مبارزه و ظلم و ستم نسبت به علماء دین بر همه روشن است، این عملیات دولت بر اضطراب و ناراحتی ما می‌افزاید.

ما در این جا سؤال می‌کنیم این اوضاع و احوال ایران به کجا می‌رود و سرنوشت رهبران مذهبی که اینک مورد ضرب و شتم و هتک و اهانت قرار می‌گیرند چه خواهد کشید. و پایان کار به کجا خواهد کشید.

این موضوع روشن است که اینک ملت ایران با قیام خود با قوانین جاریه که از طرف دولت وضع شده است. مخالفت می‌کند، و حکومت. با وضع این احکام انحراف خود را از اسلام آشکار کرده است.

دولت ایران قبلاً تعهد کرده بود که نسبت به احکام اسلامی در ایران خیانت نکند و همواره در همه شئون کشوری احکام و قوانین اسلام را مورد عمل قرار دهد و خود مروج این احکام مقدس باشد.

حکومت ایران در گذشته سیاه خود همواره مورد ننگ و نفرت و خشم مردم مسلمان بوده است و اکنون بر رسوایی‌های خود افزوده است و بار دیگر به مدارس و مؤسسات مذهبی حمله می‌کند و آن‌ها را نابود می‌سازد و به عمل خود افتخار هم می‌نماید.

شایسته است ملت مسلمان ایران با این حکومت مانند فاتحان بیگانه رفتار

غروب خورشید فقاہت، ص: ۸۶

کند، فاتحانی که از خارج وارد می‌شدند و همه جا را خراب می‌کردند و به آتش می‌کشانیدند، این اعمال زشتی که از طرف حکومت نسبت به افراد بیگناه انجام گرفت فراموش نمی‌شود.

عمال حکومت طلاب بیگناه را مورد ضرب و قتل قرار دادند، و خود را با پست‌ترین ملت‌ها و نادان‌ترین مردم دنیا هم‌ردیف کردند و خود را از همه فضائل آدمی و خصائل پسندیده انسانی بدور داشتند.

خنده‌آور این است که این عوامل ستم‌کار که عدالت اجتماعی را در کشور از بین بردند و مردم را به فساد و تباهی کشانیدند، مدعی هستند که این احکام را برای اصلاح امور مردم وضع کردند و قصدشان خدمت به مردم و کشور است.

در حالی که اکنون در ایران وضعی پیش آمده است که کسی جرأت ندارد عقیده خود را آشکار کند و یا مطلب حقی را بگوید، و حکومت سیاه‌ان‌ها همه چیز را در تاریکی خود فرو برده و ظلمت همه جا را فراگرفته است.

دولت ادعا دارد که به اصلاحات مشغول شده است، و برای دین و وطن گریه سر داده در هنگامی که هیچ يك از افراد ملت کسی را پیدا نمی‌کند که از عقاید و حقوق او حمایت کند و همواره در حکومت سیاه‌ان‌ها باید زندگی کند.

در این نوع حکومت‌ها روزنامه‌ها و مجلات در استخدام دولت هستند و هر چه عمال سیاست روز بخواهند می‌نویسند و با قلم مزدور خود حقایق را تحریف می‌کنند و با فریب و نیرنگ مردم را گول می‌زنند.

در این هنگام رجال دین اجازه ندارند افکار خود را منتشر کنند، و نظریات صائب خود را در جامعه بسط دهند و طرق سعادت و خیر و صلاح را به مردم نشان دهند، و زبان و قلم خود را در هدایت ملت به کار بندند.

بدتر از همه این که دولت ظالم و ستمگر تلگراف‌ها و نامه‌های علماء اعلام را مصادره می‌کند و نمی‌گذارد نامه‌ها و اعلامیه‌های این جانب را که برای علماء اعلام

غروب خورشید فقاقت، ص: ۸۷

فرستاده‌ام به آنان برسانند در صورتی که این‌ها از مبادی آزادی آدمیان می‌باشند.

آیا این نوع اعمال خودسرانه با آزادی انسان‌ها منافات ندارد و این خود بزرگترین سرافکنندگی حکومت می‌باشد که بدین وسیله جلوی روشن شدن مردم را می‌گیرد، و باز مدعی است که در سعادت و رفاه مردم می‌کوشد.

ملت ایران بخوبی درك کرده است که این حکومت نمی خواهد از مفاسد خود پرده پوشی کند و با شعارهای میان خالی که فقط عنوان فریبنده دارند قدرت ندارد بر اعمال زشت خود پرده بکشد، آیا با این همه مفاسد و جنایات می تواند به حکومت ادامه دهد.

تعدی های مکرر حکومت ایران که بدون جواز شرعی انجام می گیرد دشمنی های آنها را در جهان نسبت به ملت ایران روشن کرده است، همان گونه که احکام و بدعت های آنان موجب ننگ و عار همه ایرانیان شده است.

خون هایی که توسط حکومت ایران در تبریز و قم ریخته شد دل های مسلمانان را در جهان پر اندوه کرده است، و دولت ایران ارتکاب این اعمال وحشیانه بر ظلم و جنایت های گذشته خود افزوده است.

برادران مسلمان آنها در عراق مجالس ختم و ترحیم برگزار کردند، و در این اجتماعات نفرت خود را از اعمال وحشیانه دولت ایران اظهار کردند و بر خون های بیگناهی که بر زمین ریخته شد ابراز انزجار نمودند.

مسلمانان عراق در محافل خود تقاضای مجازات قاتلین را کرده اند و بر عمال حکومت ایران لعن و نفرین نمودند ما می دانیم ملت ایران دلیر و شجاع هستند و با دانش و کمال خود از این حوادث بیرون خواهند شد، ملت مسلمان ایران که دارای روحیه قوی هست و با هوش و فراستی که از خود نشان می دهند هر خطری را از خود دفع می کنند و کوشش های دشمنان خود را نابود خواهند کرد و از میدان مبارزه پیروز بیرون خواهند رفت

غروب خورشید فقاقت، ص: ۸۸

آیا سزاوار است که ملت ایران مقدرات و سرنوشت خود را به دست يك نفر از دشمنانش بدهد و آیا شایسته است که يك دولت عجنبی در قلب کشورش حکومت بکند، و یا در منطقه تحت نفوذ يك دولت کوچک که با اسلام دشمنی می کند همکاری کند.

آیا جایز است یکی از کسانی که در عقیده منحرف است با مقدسات مردم مسلمان ایران بازی کند و یا سزاوار است يك کارگزار یهود به مقام و ثروت و مکتبی برسد که در اکثر شرکت ها سهام باشد و بر اداره رادیو و تلویزیون و تبلیغات مسلط شود.

این گونه افراد که به نام ایران و ایرانی برای کشور خود خدمت می کنند و به نفع یهود و صهیونیست کار می کنند چگونه می توانند مورد اعتماد مردم باشند ما در. این جا از حکومت ایران سؤال می کنیم آیا کسی در دنیا هست که تبلیغات کشورش را در اختیار يك یهود بگذارد.

آیا در جهان کشوری هست که دستگاه رادیو و تلویزیون خود را به يك نفر یهودی بفروشد، و آن یهودی خود را از آن ملت نمی‌داند، و در نتیجه هر چه بخواهد بر ضد مصالح آن ملت عمل می‌کند.

ما همه ملت ایران را که به مقدسات اسلامی مؤمن هستند دعوت می‌کنیم که با دشمنان دین و وطن مبارزه کنند و در این راه از هیچ چیزی نترسند تا دشمنان نتوانند از این اوضاع استفاده نمایند.

در این هنگام علماء اعلام باید مسلمانان را ارشاد نمایند و به مسائل و موضوعات روز روشن سازند، زیرا وارد شده: هر گاه بدعت‌ها پدید آمد عالم باید در رفع آن‌ها بکوشد والا گرفتار لعنت خداوند خواهد شد.

رجال متدین ما در گذشته و در طول تاریخ درخت اسلام را با خون خود آبیاری کردند و خون پاک خود را در این راه دادند و حیات جاودانی را برای خود

غروب خورشید فقاہت، ص: ۸۹

مہیا کردند و اینک در کمال رفاه و آسایش در جوار رحمت حق زندگی می‌کنند.

اکنون بار دیگر درخت اسلام در اثر تخریب و فساد دشمنان اسلام رو به خشکی نهاده است و بار دیگر فریاد عطش می‌کشد و باید مسلمانان با خون خود از خشک شدن آن جلوگیری کنند و سیرابش سازند.

یکی از اسباب عظمت من این است که خونم را در این راه بدهم و با مجرمان و بدعت‌گذاران محاربه کنم و از دین خدا و قرآن کریم حفاظت نمایم، زندگی با دشمنان اسلام خود مرگ است بلکه از مرگ نیز ناگوارتر است.

امروز مسئولیت سنگینی بر گردن ملت ایران می‌باشد مخصوصاً بر علماء اعلام که باید در این جهاد مقدس شرکت کنند، و هر چه وظیفه خود را انجام دهند، ملت ایران در این معرکه نمی‌تواند موفق شوند مگر این که پیرامون علماء خود را داشته باشند، و از آن‌ها اطاعت کنند.

سزاوار است که ملت ایران درس فداکاری و جانبازی راه و جهاد و کوشش را از ملت مسلمان دیگر بیاموزد، تا به آرزوهای خود که حفظ آزادی و استقلال و زندگی شرافتمندانه است برسد.

علماء اعلام توجه داشته باشند که ما همواره در راه سربلندی ملت ایران کوشش می‌کنیم و سعی خواهیم کرد تا این مردم وحدت کلمه را حفظ کنند، ما فریاد ملت مظلوم ایران را به جهانیان خواهیم رساند.

بزودی همه کشورهای اسلامی و غیر اسلامی بلکه همه جهان از حقیقت امر آگاه خواهند شد. از ستم‌هایی که بر مردم ایران می‌گذرد مطلع خواهند گردید، و حکومت ظالم ایران نیز بزودی عکس‌العمل خود را خواهد دید و به سزای جنایاتش خواهد رسید.

اگر حکام ایران دست از این سیاست خود بردارند، ملت ایران حقائق موضوع را روشن خواهد کرد و اگر دست از کثافت‌کاری بردارند اعمال پلید

غروب خورشید فقاقت، ص: ۹۰

چهل ساله آن‌ها بر ملا خواهد شد. و علماء اعلام آخرین سخن خود را درباره حکومت بیان خواهد کرد.

بزودی کوشش ما را در نجات ملت ایران خواهید دید و ما سعی می‌کنیم ریشه‌های ظلم و فساد را در ایران از بن بکنیم. و در این جا از خداوند متعال خواهانیم که ما را در این راه یاری کند و همه مسلمانان را نیز در حفظ دین و عقیده خود موفق بدارد.

و ما در آینده کوشش می‌کنیم که ریشه مفسدین را در ایران قطع کنیم و دست خائنین و جنایت‌کاران را از حریم مقدس اسلام دور سازیم و نخواهیم گذاشت دست تجاوز و تعدی به اموال مسلمانان دراز کنند و به آن‌ها ستم روا دارند.

نجف اشرف

ابوالقاسم موسوی خوئی

- واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

شاه در ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ طی نطقی آینده ایران را خونین و لزوم کشتار افرادی را برای تحقق اهداف انقلاب سفید پیش‌بینی کرد و وقوع آن را غیر قابل اجتناب دانست و گفت: «اگر متأسفانه لازم باشد که بگوئیم انقلاب بزرگ ما

با خون يك عده افراد بی‌گناه یعنی مأمورین دولت و خون يك عده بدبخت و گمراه متأسفانه آغشته خواهد شد این کاری است که که چاره‌ای نیست و خواهد شد».

امام خمینی (رحمه الله علیه). طی پیامی به گویندگان و مداحان یادآوری کردند که «لازم است فریضه دینی خود را در این ایام در اجتماعات مسلمین ادا کنند و از سید مظلومان فداکاری در راه شریعت را فراگیرند و از توهم چند روز حبس و زجر نترسند ... خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهند ... سکوت در این ایام تأیید دستگاه جبار و

غروب خورشید فقاقت، ص: ۹۱

کمک به دشمنان اسلام است» ...

در ماه محرم شهربانی اعلام کرد: اگر اشخاصی مراسم مذهبی را وسیله اغراض شخصی قرار دهند شدیداً مجازات خواهند شد.

... در شهرهای قم و تهران اغلب سخنرانی‌ها، عزاداری‌ها عملاً به صورت سیاسی و اعتراض‌آمیز نسبت به دستگاه برگزار شد.

روز عاشورا در قم، تهران و مشهد حرکت دسته‌های عزاداری از همان آغاز تبدیل به تظاهرات ضد شاه و حکومت گردید.

امام خمینی (رحمه الله علیه). در عصر همان روز در مدرسه فیضیه قم در حضور انبوه مردم سخنان مبسوطی ایراد کرد و در آن از اعمال رژیم و کشتار مردم و قانون‌شکنی و خطر اسرائیل و به طور کلی خطری که اسلام و کشور را تهدید می‌کند یاد کرد ...

... روز ۱۱ محرم نیز در تهران و قم تظاهرات عظیمی علیه رژیم شاه صورت گرفت.

... شب دوازدهم محرم ۱۵ خرداد ۴۲ امام خمینی (رحمه الله علیه). از قم، آیت الله قمی از مشهد، و آیت الله شیخ بهاء الدین محلاتی از شیراز دستگیر و به زندان تهران آورده شدند. روز بعد که سوم عاشورا بود علماء و مردم از دستگیری آیات یاد شده آگاه شدند، خشم عمومی همه جا را فرا گرفت. تظاهرات پر دامنه‌ای در شهرهای بزرگ مانند تهران، قم، شیراز، مشهد و ... پدید آمد. در این راهپیمائی‌ها اقشار مختلف مردم از روحانی، بازاری، دانشجو و دانشگاهی، کارمندان و کارگران شرکت داشتند.

رژیم که از حرکت پردامنه مردم هراسناک شده بود فرمان مقابله و سرکوب داد، حوادث خونینی بوقوع پیوست. در تهران و قم و دیگر شهرهای بزرگ صدها نفر کشته و مجروح شدند، عصر همان روز در تهران حکومت نظامی اعلام گردید ...

... با این همه مبارزه در اشکال مختلف ادامه یافت خشونت‌ها، فشارها و دستگیری‌ها افزایش یافت، در آبان و آذر ماه. ۴۲ عده‌ای از علماء تبریز و مشهد

غروب خورشید فقاقت، ص: ۹۲

بازداشت شدند ...

... در روز ۱۱ آبان ماه طیب حاج رضائی و اسماعیل رضائی که از دستگیرشدگان ۱۵ خرداد بودند اعدام شدند.

در ۱۷ اسفند ماه ۴۲ اسداله علم از نخست وزیری کنار رفت و به جای او حسینعلی منصور به این مقام منصوب گردید ...

دنباله حوادث و وقایع خونینی. که در ایران پیش آمد. امام خوئی فتوای مشهور خود را در این مورد صادر کرد، و در آن فتوا به ملت مسلمان ایران دستور داد که با این حکومت ظالم همکاری و مساعدت. ننمایند.

در قسمت دیگری از این فتوا آمده است که ملت باید با این حکومت ظالم قطع رابطه کنند و یا دولتی که با مردم سر ظلم و عناد دارند ارتباط برقرار نکنند و خود را کاملاً از آن جدا بدانند و اینک متن فتوا را ذیلاً درج می‌کنیم.

اعلامیه آیت الله خوئی به مناسبت فاجعه ۱۵ خرداد

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال در قرآن فرمود: در برابر ستم کاران تسلیم نشوید که آتش شما را فرا خواهد گرفت، و غیر از خدا کسی از شما یاری نخواهد کرد و یآوری غیر از پروردگار پیدا نمی‌کنید.

یکی از بزرگترین محرمات در شریعت اسلامی کمک و مساعدت به ستم کاران است و همه علماء اعلام. به حرمت این موضوع فتوا داده‌اند و معاونت ظالمان را در هر مورد تحریم فرموده‌اند.

امروز حکومت ایران تصمیم گرفته است که مقاصد شوم خود را نسبت به اسلام به مرحله اجرا درآورد تا نیروهای پلید استعمار و صهیونیسم را در کشور. اسلامی ایران از خود راضی کند و راه نفوذ آنان را باز نماید.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۹۳

حکومت ایران در این راه از هر ظلم و ستمی دریغ ندارند مردم را به عنوان حبس و ضرب و شکنجه و قتل معذب می‌کنند، و هرکس در ایران بخواهد به اعمال حکومت اعتراض کند شدیداً مورد تعقیب قرار می‌دهد.

در ایران طلاب علوم دینی و سائر طبقات مؤمنین بیشتر از سایرین مورد حمله مقامات دولتی هستند، و حتی گاهی علماء اعلام نیز مورد اهانت قرار داده می‌شوند.

بنابر مطالبی که در فوق گفته شد بر مسلمانان واجب است که از همکاری و معاونت با این حکومت ظالم خودداری کنند و از هر کس. که با این حکومت همکاری می‌کند لازم است قطع رابطه نمایند.

مسلمانان باید در این جا به سخنان و استغاثه حسین بن علی (علیه السلام). توجه داشته باشند و در روزی. که آن جنگ علفی را بر ضد ستمکاران. آغازکرد. و با جان مقدسش راز. احکام اسلام حمایت نمود.

نجف اشرف

ابوالقاسم موسوی خوئی

اعلامیه حضرت آیه الله العظمی پیشوای بزرگ مذهبی در نجف اشرف آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی دام ظلّه که در آن تکلیف مسلمانان و وظیفه آنها را تعیین و از اعمال. وحشیانه حکومت خائن فعلی استنکار می‌فرمایند.

تاریخ: ۱۳۴۲ / ۳ / ۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله سبحانه و تعالى:

(و لا تركنوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار و مالكم من دون الله من اولياء ثم لا تنصرون).

غروب خورشید فقاہت، ص: ۹۴

کمک و همراهی با ظالمین و ستمگران در شریعت. مقدسه اسلامیه از اعظم محرمات است و در حرمت آن بین علماء خلافتی نیست.

نظر به این که دولت فعلی ایران برای پیشرفت مقاصد شوم خود که مخالف. مقررات دین اسلام است از هر گونه تعدی و ظلم از زدن و کشتن و زندان بردن آقایان علماء اعلام و طلاب علوم دینیہ و سائر طبقات مومنین مضایقه ندارد، بر هر فردی از افراد مسلمان در هر لباس و هر مقامی که باشند واجب است که از همکاری با این دولت خائن خودداری نمایند. و بر تمام مسلمانان لازم است استغاثه حضرت سیدالشهداء حسین بن علی. (علیه السلام). را در نظر گرفته و از دین مقدس اسلام دفاع نمایند.

نجف اشرف / ۱۴ / محرم الحرام / ۱۳۸۳ هـ -

ابوالقاسم موسوی خوئی

... به دنبال اعتراضات شدید رجال ملی و سیاسی داخل و خارج از کشور و علمای بنام، نسبت به دستگیری آیات سه گانه و دیگر دستگیرشدگان ... سرانجام در ۱۱ / مرداد ماه سال ۱۳۴۲ امام خمینی، آیت الله قمی، آیت الله محلاتی از زندان آزاد و به يك منزل مسکونی در داوودیه تهران آورده شدند.

در ۱۲ / مرداد ماه، رژیم اعلام کرد که «چون بین مقامات انتظامی و حضرات آقایان: خمینی قمی، و محلاتی تفاهمی حاصل شده که در امور سیاسی مداخله نخواهند کرد ... آقایان به منازل خصوصی منتقل شدند». این ادعا سخت علما را برآشفته و از این رو با صدور بیانیه‌هایی، این تفاهم تکذیب گردید.

... خبر دستگیری و شایعه محاکمه امام خمینی (رحمه الله علیه). به گوش آیت الله خوئی (رحمه الله علیه). رسید، معظم له شدیداً برآشفته و بدون فوت وقت همراه با عده‌ای از اساتید و علمای حوزه همچون: حضرات آیات شیخ مجتبی لنگرانی، شیخ صدرا بادکوبه‌ای، شیخ مرتضی آل یاسین و شهید سید محمد یاقر صدر به بیت مرحوم

غروب خورشید فقاقت، ص: ۹۵

آیت الله العظمی شاهرودی شتافته و همراه ایشان به سوی منزل آیت اله العظمی حکیم در کوفه رفتند و پس از شور و مشورت بسیار، که تا نیمه‌های شب به درازا کشید در اولین ساعات بامداد، هر يك جداگانه تلگراف شدیدالحنی به ایران مخابره نموده و از ساحت رفیع مرجعیت امام خمینی حمایت کردند.

در نامه‌ای که استاد شیخ علی دوانی از کویت در روز ۱۲ محرم، به آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). راجع به دستگیری امام خمینی. (رحمه الله علیه). نوشته‌اند، جواب معظم له این بود:

... آنچه در امکان ما بود عملی گردید، امیدواریم خطری متوجه آیت اله خمینی نشود.

تلگراف آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). به شاه

. اعلیحضرت محمد رضا پهلوی-. تهران-. پس از حوادث اسفانگیز اخیر که قبلاً احتمال وقوع آن اعلام گردید و بیم آن می‌رفت که آن حوادث متکرر، بلکه اعظم از آن‌ها پیش آید، بشارت آزادی حضرات آیات اله آقایان خمینی و قمی و محلاتی. و علماء و وعاظ محترم رسید.

این مطالب را طلبه حل مشکلات تلقی نمودیم. متأسفانه معلوم شد آزادی حضرات آیات چند ساعتی بیش نبوده، علاوه چند نفر از مومنین در این حادثه به اعدام و جمعی دیگر به حبس شاق محکوم شدند. انتظار می‌رود با آزادی مطلق حضرات آیات دامت برکاتهم و انجام مقاصد مشروعه آنان و عموم علمای اعلام، و صرفنظر از اعدام و حبس شاق مومنین نگرانی این جانب و عموم ملت ایران و مسلمانان جهان برطرف گردد.

ابوالقاسم موسوی خوئی

غروب خورشید فقاہت، ص: ۹۶

* انتخابات دوره ۲۱ مجلس شورای ملی:

... دولت پس از سرکوب قیام خونین ۱۵ خرداد، دست بکار انتخابات فرمایشی دوره ۲۱ مجلس شورای ملی و فرستادن وکلای به اصطلاح صد در صد ملی به مجلس بود.

انتخاباتی که در محیط وحشت و خفقان انجام می‌گیرد، صرفاً به منظور تقویت دستگاه حاکمه و سرپوشی بر جرائم و قانون شکنی آنان قرار دارد.

امام خمینی. (رحمه الله علیه). و مراجع عظام با تحریم انتخابات، و مردم مبارز و مسلمان با تعطیل بازار و اعتصاب عمومی، و پخش اعلامیه‌های مراجع دینی، در این زمینه بار دیگر افکار عمومی را متوجه اعمال دیکته شده رژیم پهلوی کردند.

در این رابطه آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه)، علاوه بر تحریم انتخابات فرمایشی دوره ۲۱ مجلس شورای ملی، آن را از درجه اعتبار، از نظر شرع و قانون ساقط دانستند.

سؤال و جواب از آیت الله العظمی خوئی

بسمه تعالی شأنه

حضور مبارك آيت الله العظمى خوئی (رحمه الله عليه). ادام الله ظلله على رؤوس المسلمين.

به عرض مبارك على مى‌رساند. مستدعى است با عطف توجه به حكم مورخ ۱۴ محرم الحرام / ۸۳- . آن حضرت مبنی بر حرمت هر گونه كمك به حكومت فعلى ايران نظر مبارك خود را درباره انتخابات مجلس شورای ملی ايران با اختناق و استبداد زائد الوصف موجود اعلام فرمائيد تا ملت مسلمان ايران تكليف شرعى خود را در اين موضوع بداند.

جماعتی از مومنین

غروب خورشید فقاہت، ص: ۹۷

بسمه تعالى شأنه

در صورت مفروضه شرکت در انتخابات یکی از افراد ظاهره کمکی است که تحریم شده و با وضع فعلى چنان چه مجلس تشکیل شود از نظر شرع و قانون اساسی نیز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود و الله العالم.

نجف اشرف - ۸- . ربیع الثانی ۱۳۸۳ (۶ / ۶ / ۴۲)

ابوالقاسم موسوی خوئی

از آغاز قیام آقایان مراجع تقلید قم بر ضد رژیم شاه حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ بهاء الدین محلاتی. (رحمه الله علیه). که از مراجع تقلید شیعه محسوب می شدند و در تمام منطقه فارس و میان عشایر مسلح آن حدود نفوذ زیادی داشتند، نیز با بیانات و فتواها و اعلامیه‌های خود مردم را در جریانات واقع گذاشتند.

معظم له در سن بیست سالگی همراه پدرشان مرحوم آیت الله العظمی آقای شیخ جعفر محلاتی در ماجرای قیام دلیران تنگستانی شرکت نموده و به دشتستان و تنگستان رفتند، تا بوشهر از قوای انگلیسی تخلیه شد و پس از ده ماه اقامت در برازجان به شیراز بازگشتند.

ایشان در ربع قرن اخیر با کمال درایت و متانت در شیراز مرکز استان فارس به عنوان مجتهدی بزرگ و مرجعی دل‌آگاه و با تدبیر شناخته شده و همیشه پشتیبان مسلمین و مانند پدر بزرگوارشان مخالف رژیم طاغوتی رضاخانی و مُجَدِّ رضاخانی بودند.

... معظم له در هر فرصت دولت را مورد انتقاد قرار داده و با استانداران وقت سر ستیز داشته، مامورین هم پیوسته مراقب وی و اقداماتشان بودند و سرانجام به عنوان پیش‌گیری هرگونه اجتماعات و تشکیل مجالس را ممنوع کردند.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۹۸

یکی دو هفته بدین منوال می‌گذرد. تا این که آقایان علمای شیراز زیر نظر حضرت آیت الله عظمی محلاتی. (رحمه الله علیه). تصمیم می‌گیرند. شب‌های جمعه همگی در مسجد جامع گرد آمده و آیت الله شهید حاج سید عبد الحسین دستغیب (رحمه الله علیه)، روحانی بزرگوار مشهور به عنوان «دعای باران» سخنانی ایراد نمایند (در آن سال شیراز دچار کم‌بارانی شده بود).

طبق این برنامه عصرهای پنج‌شنبه شهید دستغیب به منزل آیت الله محلاتی. (رحمه الله علیه). رفته و مطالبی را که باید شب جمعه بگویند مورد مذاکره قرار می‌دهند. شهید دستغیب در سخنان خود با مهارت خاصی حملات شاه به روحانیت را پاسخ می‌دادند. ده‌ها هزار نفر جمعیت در این مجلس شرکت می‌کردند.

. اخبار مجلس مسجد جامع شیراز در شب‌های جمعه و سخنان نافذ و انقلابی آقای دستغیب و شرکت کلیه علمای شیراز در مجلس مزبور مرتب به قم می‌رسید و زبان به زبان نقل می‌شود.

... با فرارسیدن ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، که مصادف با ایام ماه محرم بود، دولت به واسطه جنبش عشایر فارس که درگیر جنگ با آنها بود، دیگر قادر به اعمال خشونت‌آمیز در شیراز نبود، تا این که روز عاشورا فرا رسید.

آیت الله العظمی محلاتی. (رحمه الله علیه). در منزل خودشان که مجلس روضه برقرار بود، روزهای عاشورا منبر می‌رفتند در آن سال نیز روز عاشورا منبر رفتند و به مناسبت اوضاع و احوال روز به شدت دولت را مورد حمله قرار داده و با قرائت آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ...» (یعنی: مسلمانان تا آن جا که می‌توانید برای پیکار با دشمن نیرو بسیج کنید تا دشمن خدا و دشمن خود را عقب برانید.) و شرح و تفسیر آن را گفتند «مسلمانان باید بر علیه دستگاه جبار حاکم به سلاح روز مجهز شوند و قیام مسلحانه نمایند و این تنها راه ایجاد زندگی و جامعه آزاد می‌باشد.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۹۹

باید جواب این دولت طاغی و پست و نوکر اجانب را با اسلحه داد.

مسلمانان: برای نجات شریعت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم). قیام کنید و این متجاسرین را سر جای خود بنشانید...» آن روز در شیراز واقعاً عاشورا بود.

دو روز بعد (۱۵ خرداد) همین که خبر دستگیری امام خمینی. (رحمه الله علیه). به شهر مبارز شیراز می‌رسد شهر تکان می‌خورد به دستور آیت الله العظمی محلاتی (رحمه الله علیه). روز بعد را تعطیل عمومی اعلام می‌کنند و از عموم روحانیون و مردم می‌خواهند که در مسجد نو اجتماع نمایند تا حقایقی به اطلاع مردم برسد.

این خبر توسط یکی از وعاظ در مسجد نو به اطلاع مردم می‌رسد.

مردم سخت به هیجان می‌آیند. به طوری که پس از ختم مجلس ده‌ها هزار نفر مرد و زن، پیر و جوان به خیابان‌ها می‌ریزند و به دنبال آن قوای انتظامی هم که مراقب بودند آماده مقابله می‌شوند.

در شب ۱۶ خرداد هیجان مردم به اوج خود می‌رسد، و تظاهرات بی‌سابقه بر پا می‌شود.

نیمه همان شب مأمورین ساواک به منظور جلوگیری از گسترش جریان انقلاب، با همکاری رنجهای ارتش و شهربانی به منازل آقایان علما ریختند.

آیت اله العظمی محلاتی. (رحمه الله علیه)، برادر ایشان آقای جلال الدین آیت الله زاده و فرزند دانشمندشان را که از روحانیون با نفوذ شهر و یک چهره انقلابی محسوب می‌شوند را دستگیر ساخته و با همراهی عده‌ای از علماء مبارز شهر به وسیله هواپیمای نظامی به تهران می‌آورند و در فرودگاه قلعه مرغی پیاده می‌کنند.

آقایان را از آن جا به شهربانی برده و پس از ده دقیقه به زندان قزل قلعه می‌برند و همگی را به مدت ۱۴ روز در سلول‌های انفرادی که فاقد هوای سالم بود،

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۰۰

زندانی می‌کنند.^{۱۳}

... پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت، ادارات ساواک در همه جا به دست انقلابیان افتاد از جمله چند سند از ساواک کل فارس در شیراز به دست ما رسیده که با مطالعه آن خوانندگان می‌توانند به خوبی پی به حساسیت ساواک نسبت به نقش روحانیون در مبارزه با رژیم و نفوذ آنان در قشرهای مختلف اجتماع پی ببرند.

در سندی که رئیس کل ساواک فارس (این مرد یعنی «لحسائی» تا قبل از پیروزی انقلاب رئیس ساواک گیلان بود و پس از پیروزی انقلاب توسط مردم رشت دستگیر و قطعه قطعه شد) چگونه از آیت الله العظمی محلاتی (رحمه الله علیه). و فرزند دانشمند ایشان به تیمسار نصیری رئیس کل ساواک ایران شکایت می‌کند که چون وجود آنها در ایام جشن‌های ۲۵۰۰ ساله مضر است و ممکن است باعث تحریکاتی شوند، دستور دهند آنها را دستگیر و تبعید کنند.

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور به: مدیریت کل اداره سوم (۳۱۲) از ساواک فارس

«... آیت الله شیخ بهاء الدین محلاتی بین کسبه و طلاب محبوبیت نسبی دارد و اکثریت طلاب علوم دینی شیراز از وی حرف شنوایی و اطاعت محض می‌نمایند زیرا نام برده از مدت‌ها قبل تا کنون ماهیانه مبلغی به عنوان مقرری به هر کدام از طلبه‌های امور دینی پرداخت می‌نماید و در حال حاضر نیز با عطف توجه به این که آیت الله محلاتی قریب یک سال است شخصاً رساله خود را چاپ و منتشر نموده است

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۰۱

^{۱۳} (۱). توجه خوانندگان محترم را به عین نامه‌ای که از طرف آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). خطاب به حضرت آیت الله شیخ بهاء الدین محلاتی (رحمه الله علیه). با فرزند ایشان نوشته شده است جلب می‌کنیم.

مع هذا در پشت پرده به منظور حفظ موفقیت خود با نظرات علماء مخالف از جمله آیت الله خوئی. و خمینی هم‌آهنگ و اغلب در طرح و ایجاد ناراحتی‌هایی که در منطقه از طرف جامعه روحانیون اعم از علماء. و طلاب مدارس علمی بوقوع می‌پیوندد بدون مشورت و کسب دستور یا عمال نظرات نامبردگان فوق نمی‌باشد. علی هذا با عطف. توجه به سوابق ممتدی که از دو نفر مورد بحث در آن اداره کل مضبوط است و گزارش تقدیمی شماره ۱۰۶۰۸/هـ ۳۱/۴/۵۰ استنباط قریب به یقین می‌گردد که اشخاص مذکور در ایام جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران ولو این که در باطن مخالفتی نداشته باشند و به ظاهر برای حفظ شئون خود در جامعه علماء و روحانیون داخل و خارج از کشور دست به اقداماتی بزنند اینک با عرض این که کلیه اعمال و رفتار نامبردگان تحت مراقبت می‌باشد. مقرر فرمایید با عطف توجه به نزدیکی مراسم و برگزاری جشن چنانچه نظراتی وجود دارد ابلاغ نمایند. م^{۱۴}

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت فارس - حسائی

۱۹ / جمادی الثانی / ۱۳۸۲

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند انشاء الله تعالی مزاج مبارك در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت، امید است پیوسته از عنایات خاصّه و توجهات مخصوصه، حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه برخوردار بوده و بیش از پیش در اعزاز دین مبین و اعلاء کلمه حق موفق و به تأییداتی غیبی مؤید و از بلیّات و حوادث ایام محفوظ باشید، خدمات جلیله دینیه حضرت عالی مسموع

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۰۲

^{۱۴} (۱). همچنین عین سندی که از ساواک فارس بدست آمده و حاکی از مخالفت صریح حضرت آیت الله العظمی خوئی. (رحمه الله علیه). در کنار امام خمینی. (رحمه الله علیه). در مبارزه با رژیم شاه می‌باشد معطوف می‌داریم.

و مورد تقدیر، البته منظور نظر حضرت بقیه الله بوده و هست، از فداکاری‌ها که در این مدت از حضرت عالی و آقازاده مکرم جناب مستطاب آقای آقاشیخ مجد الدین دامت تأییداته شده است، موجب سربلندی و افتخار عالم روحانیت گردید و در صفحات تاریخ مجد تازه. ثبت کرد و لذا لازم دانستم بدین وسیله مراتب ارادت و قدردانی و تشکر خود را معروض دارم، جواب تلگراف زیارت گردید و در بدو گرفتاری حضرتعالی تلگرافی به آقازاده مکرم محابره شد و جوابش نرسید، بعداً معلوم شد که معظم له نیز گرفتار بودند، به هر صورت امید است در آینده جهت تحقق هدف مساعی را زیاده‌تر کرده و به شدت و ثبات هر چه تمام‌تر تعقیب نموده، این جانب تا کنون از مقدور خود تخطی نکرده و آنچه وظیفه ایجاب می‌کرد اقدام و فعلاً و بعداً تا آخرین نفس آنچه وظیفه باشد انجام خواهم داد، و چنان چه حضرتعالی نظری داشته باشید مرقوم دارید، در خاتمه در مضان استجابیت دعا فراموشتان ننموده و مستدعی دعا هستم. والسلام علیکم و رحمه الله.

آقازاده مکرم را به عرض سلام مصدعم.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۸۳ / ۴ / ۱۹

تاریخ: آبان ۱۳۴۲

تلگراف آیت الله العظمی خوئی به آیت الله العظمی میلانی درباره دستگیری جمعی از علماء آذربایجان

حضرت آیت الله آقای میلانی دامت برکاته- مشهد

خبر گرفتاری و حبس و زجر عده از حجج اسلام و وعاظ عظام آذربایجان اخیراً اضافه بر جرائم سابقه از حبس اعلام و دانشمندان و متدینین محترم و آقای هاشمی نژاد در مشهد موجب تأسف عمیق گردید ما با استنکار این اعمال

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۰۳

خلاف دین و عدالت از حضرت عالی انتظار داریم برای استخلاص این ذوات مقدس که گناهی جز دعوت به حق ندارند اقدام لازم را نموده و نتیجه را اعلام فرمائید.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

تاریخ: آذر ۱۳۴۲

تلگراف آیت الله العظمی خوئی در مورد دستگیری جمعی از علماء آذربایجان

حضرت آیت الله آقا شیخ محمد تقی آملی دامت برکاته، حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید علی اصغر خوئی دامت برکاته (کپیبه) حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا باقر طباطبائی دامت برکاته - تهران گرفتاری حضرت حجج الاسلام و وعاظ عظام آذربایجان در راه دفاع از حق و عدالت موجب تأسف شدید گردید از حضرت عالی و سایر آقایان عظام انتظار اقدام لازم و اعلام نتیجه داریم.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

تاریخ: آذر ۱۳۴۲

تلگرام آیت الله العظمی خوئی درباره دستگیری جمعی از علماء آذربایجان

حجت الاسلام و المسلمین آقا میرزا عبد الحسین غروی دامت برکاته (کپیه) حجت الاسلام و المسلمین آقا میرزا ابوالفضل خسرو شاهی دامت برکاته، تبریز. از گرفتاری حضرت مستطاب آقای اخوی و سایر آقایان. اعلام و وعاظ عظام تبریز مطلع و بی‌نهایت متأثر و اقداماتی شد امید است با توجهات حضرت ولی عصر علیه السّلام مفید واقع شوند.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۰۴

تاریخ: آذر ۱۳۴۲

تلگرام آیت الله خوئی. (رحمه الله علیه). به آیات العظام قم درباره دستگیری جمعی از علماء آذربایجان

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیه الله آقا شریعتمداری (کپیه) حضرت آیت. اله گلپایگانی (کپیه) حضرت آیت الله آقای مرعشی دامت برکاتهم قم.

حجه الاسلام و المسلمین آقا میرزا احمد اهری دامت برکاته تبریز. خبر گرفتاری و حبس و زجر جمعی از آقایان حجه الاسلام و وعاظ عظام آذربایجان موجب تأثر شدید و تأسف عمیق گردید. حوزه علمیه نجف خصوصاً جامعه تشیع عموماً این اعمال خلاف حق و دین و عدالت را که مدتی است به دست دولت ایران برای محو آثار اسلام انجام می‌شود استنکار و تقبیح می‌نماید ما با اظهار تأسف شدید خود از حضرتعالی و سایر آقایان عظام برای استخلاص این ذوات مقدر که گناهی جز دعوت به حق ندارند انتظار داریم اقدام شایسته نموده و نتیجه را اعلام فرمایید.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

تاریخ: آذر ۱۳۴۲

تلگرام آیت الله العظمی خوئی. (رحمه الله علیه). به جمعی از علماء دستگیر شده آذربایجان

حضرات عالیہ حجج اسلام آقای قاضی و آقای خسروشاهی و آقای دروازه‌ای، وعاظ عالی مقام آقایان ناصرزاده و اترابی و سایرین: بازداشت آن جنابان در اثر دفاع از دین مبین و حق و عدالت موجب تأثر شدید گردید پر واضح است که تحمل این مشقت منظور نظر ولی عصر ارواحنا فداه خواهد بود. (و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز)

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

غروب خورشید فقاهت، ص: ۱۰۵

تاریخ: آذر ۱۳۴۲

نامه آیت الله العظمی خوئی. (رحمه الله علیه). درباره دستگیری جمعی از علماء آذربایجان

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت مستطاب ملاذالانام حجه الاسلام آقای حاج شیخ حسن سعید دامت برکاته به عرض می‌رساند مکتوب شریف و اصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید امید است پیوسته مورد توجه ولی عصر عج الله تعالی فرجه بوده از کافه بلیات محفوظ باشید به قرار مسموع اخیراً جمعی از آقایان اعلام تبریز دامت برکاتهم در تهران گرفتارند این خبر بی‌نهایت موجب تأثر و باعث افسردگی و مزید آلام و ناراحتی روحی گردید بدین وسیله مراتب همدردی و تأثر خود را اعلام و خواهشمندم در صورت امکان مراتب را به ضمیمه عرض و سلام و دعا به حضرات ابلاغ و چنان چه اقدامی لازم و مفید مرقوم داشته و جریان امر را مشروحاً مرقوم دارید در خاتمه مستدعی دعا هستم والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

تاریخ: ۱۳۴۲ / ۱۲ / ۱۸

تلگرام آیت الله خوئی. (رحمه الله علیه). مبنی بر لغو قوانین خلاف اسلام و آزاد کردن امام خمینی. (رحمه الله علیه)

دولت جناب عجل آقای حسن علی منصور نخست وزیر محترم تهران

دولت سابق به يك رشته اعمال اقدام نمود که تاریخ و ملت مسلمان ایران نتایج تلخ آن را هرگز فراموش نخواهد نمود. اهانت به دین و مقدسات مذهب و علماء و روحانیون و فشار بر ملت در رأس برنامه بود تذکرات ما مآثر نشد نتایج آن که اهم آنها بدبینی و تنفر ملت از دولت بود بر جناب عالی مخفی نیست امیدواریم جناب عالی اشتباهات را تدارک و الغاء قوانین مخالف اسلام را در رأس برنامه خود

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۰۶

قرار دهید و آزادی ملت و حضرت آیت الله خمینی. (رحمه الله علیه). و آیت الله قمی. (رحمه الله علیه). را پیشنهاد می‌نماییم.

نجف اشرف ۲۳ / شوال / ۱۳۸۳

احیاء کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی (رحمه الله علیه)

* احیاء کاپیتولاسیون یا لایحه اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران: در روز ۲۱ / مهرماه / ۱۳۴۲ هـ. ش لایحه مصونیت مأموران نظامی آمریکا در مجلس شورای ملی به تصویب رسید.

این مصوبه که به کاپیتولاسیون شهرت یافت موج تازه‌ای از مخالفت با رژیم را موجب گردید.

امام خمینی. (رحمه الله علیه). بی درنگ تلاش خود را برای آگاهانیدن علما و مردم و تشویق آنان به اعتراض و عمل آغاز کرد و خود نیز طی نطقی به تاریخ ۴ آبان ماه ۴۳ در مسجد اعظم قم، شدیداً آن را مورد نکوهش قرار داد و آن مصوبه را عامل بردگی ایرانیان و ناقض استقلال کشور دانست و شاه را سخت مورد سوال قرار داد و گفت:

«اگر مملکت ما در اشغال آمریکا است اعلام کنید». رژیم شاه که بیش از این تحمل اعتراض را نداشت در شب ۱۳ / آبانماه / ۱۳۴۳ هـ. ش امام خمینی. (رحمه الله علیه). را به تهران برده و از آن جا به ورسای ترکیه تبعید کردند. سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) دلیل تبعید ایشان را چنین اعلام کرد: «طبق اطلاع موثق و دلایل کافی چون رو به آقای خمینی. (رحمه الله علیه). و تحریکات مشاراً الیه بر علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد لذا در تاریخ ۱۳ / آبان ماه / ۱۳۴۳ از ایران تبعید گردید».

پس از تبعید ایشان حوزه‌های علمیه ایران و عراق، بازاریان، علماء،

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۰۷

دانشگاهیان و بسیاری دیگر با سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌های تلگرافی به معظم له و شخص شاه و هیئت دولت. به این عمل اعتراض کرده و رفع تبعید ایشان را خواستار شدند.

در این رابطه حضرت آیت الله خوئی. (رحمه الله علیه). با ارسال بیش از هفتاد تلگراف به سازمان ملل و سران مؤثر ممالک اسلامی و شخصیت‌های معروف دنیا، نسبت به تبعید امام خمینی. (رحمه الله علیه). اعتراض نمودند.

همچنین تلگرافی به محضر آیت الله العظمی مرعشی. (رحمه الله علیه). مخابره نموده و نگرانی خود را از این واقعه ابراز داشتند. و ضمن تلگراف به نخست وزیر وقت (هویدا) در خصوص مصوبات غیر قانونی و هتک مقدسات اسلامی، و نفوذ صهیونیست و بهائیت هشدار داده و خواستار ارجاع امام خمینی. (رحمه الله علیه). به ایران شدند.

تلگراف حضرت آیت الله خوئی. (رحمه الله علیه). به قم

نجف قم شماره ۲۶ ۱۵ ۳۲ ۱۱ / ۸ / ۱۳۴۳

لت حضرت آیت الله مرعشی دامت برکاته- قم.

جریان اخیر و گرفتاری حضرت آیت الله خمینی. (رحمه الله علیه). و رسیدن اخبار موحشه موجب نگرانی از سلامتی خود و چگونگی امر اطلاع دهید.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

- استاد شیخ علی دوانی، پیرامون تبعید امام خمینی. (رحمه الله علیه)، در سفری که به نجف اشرف داشته‌اند، با حضرت آیت الله العظمی خوئی. (رحمه الله علیه). و سایر مراجع در کربلای معلی و ... ملاقات‌هایی نموده و گفتگوهای کرده‌اند که در ذیل عین مطلب نقل می‌شود.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۰۸

بیانیه‌های هیئت علمی کربلا و نجف

... در سفری که مدتی بعد از این وقایع نویسنده به عراق و عتبات عالیات نمودم، در نجف اشرف ضمن گفتگو با حضرت آیت الله خوئی. (رحمه الله علیه)، معظم له فرمودند:

تا کنون بیش از ۷۰ تلگراف به سازمان ملل و سران مؤثر ممالک اسلامی مانند رئیس جمهور مصر جمال عبدالناصر، رئیس جمهور الجزایر و شخصیت‌های معروف دنیا مخایره کرده‌ایم، و چون شما در ایران تحت سانسور قرار دارید، از این راه توانسته‌ایم همه مردم عالم را در جریان رویدادهای ایران بگذاریم. علاوه بر این بسیاری از اعلامیه‌های علمای ایران را از طریق عراق و لبنان به سراسر دنیا فرستاده‌ایم، تا همه در جریان تضییقات دولت و علل تبعید آیت الله خمینی. (رحمه الله علیه). به ترکیه و حوادث ایران و قم قرار گیرند.

معظم له فرمودند: چند وقت پیش به وسیله تلگرافی از سفیر ترکیه در بغداد سوال کردم آیت الله خمینی. (رحمه الله علیه). از مراجع تقلید ایران به وسیله دولت ایران به کشور شما تبعید شده‌اند، انتظار داریم محل اقامت ایشان را به ما اطلاع دهید، ولی سفیر ترکیه در جواب گفته است: ما هیچ اطلاع نداریم!

همانطور که گفتیم پس از تبعید امام خمینی به ترکیه، رژیم طاغوتی تا مدتی محل ایشان را که در کدام نقطه و شهر ترکیه سکونت دارند، پنهان داشت، و این خود یکی از جرائم بزرگ شاه خودسر بود که ملت ایران در دنیا را از سرنوشت معظم له بی‌خبر گذاشته بود.

در شهر مقدس کربلا هم از آیت الله شیرازی روحانی متنفذ آن شهر. شنیدم که گفتند:

«هر مقدار اعلامیه از ایران می‌رسید، بلافاصله ترجمه کرده و برای مقامات سیاسی و نظامی عراق و سایر ممالک اسلامی و عربی ارسال داشتیم. همچنین دانشجویان ایرانی و عرب را در نقاط مختلف دنیا از حوادث ایران و تبعید آیت الله خمینی. (رحمه الله علیه). مطلع

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۰۹

ساخته‌ایم» سایر علماء نجف و کربلا که از وضع آیت الله خمینی. (رحمه الله علیه). بی‌خبر بودند، و من با آنها ملاقات کردم، همگی در ناراحتی به سر می‌بردند که خود نمایانگر توجه حوزه علمیه نجف اشرف و کربلا. نسبت به نهضت روحانیت ایران و شخص امام خمینی. (رحمه الله علیه). بود.

فراموش نمی‌کنم وقتی به ملاقات مرحوم آقا سید محمد گلپایگانی. (رحمه الله علیه). از. مدرسین و علماء معروف نجف اشرف که از نزدیکان و مشاورین مرحوم آیت الله حکیم. (رحمه الله علیه). بود، رفتم، آن مرحوم که گذشته از مقام علمی با این

که ایرانی بود، یکی از بزرگترین شعرای عراق هم به شمار می‌رفت، دفتری آورد و گفت: من نهضت مراجع و علماء قم به خصوص آیت الله خمینی. (رحمه الله علیه). را مفصلاً به نظم در آورده‌ام سپس قسمتی از شعرهای خود را از آغاز نهضت تا تبعید امام خمینی. (رحمه الله علیه). را به ترکیه خواند. بسیار به جاست که ورثه آن مرحوم آن اشعار را از آن مرد آزاده اسلام و تشیع نگاه دارند و حتی چاپ و منتشر سازند.

بیانیه هیئت علمی کربلا

هیئت علمی شهر مقدس کربلا در دو صفحه بزرگ چهار ورقی مجموعه‌ای از حوادث ایران تحت عنوان «در ایران چه می‌گذرد؟» به زبان عربی منتشر ساخته و در آن تلگراف‌های زعمای حوزه علمی نجف اشرف مرحوم آیت الله حکیم. (رحمه الله علیه)، آیت الله شاهرودی، آیت الله خوئی و آیت الله شیرازی راجع به اوضاع ایران را درج نموده، و می‌نویسد: آیت الله شیرازی تلگراف خود را درباره فجایعی که در ایران می‌گذرد برای جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر، و شیخ محمد شلتوت رئیس جامع الازهر ارسال داشته‌اند. همچنین جامعه علمی کربلا تلگراف جامعی از آنچه در ایران می‌گذرد به سران دولت‌ها به سراسر دنیا مخابره کردند. بدین گونه:

عراق- مارشال عبدالسلام عارف رئیس جمهوری

مصر- جمال عبدالناصر

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۱۰

سوریه- صلاح الدین بیطار

یمن- مارشال عبدالله سلال

اردون- ملک حسین پادشاه اردن هاشمی

الجزائر- احمد بن بلا رئیس جمهوری

تونس- حبیب بورقیبه

پاکستان- ژنرال ایوب خان

سوئیس- رئیس جمهوری

فرانسہ۔ ژنرال دوگل رئیس جمہوری

واشنگتن۔ جان کنڈی

لندن۔ ملکہ الیزابت

اتریش۔ رئیس جمہوری

ژاپن۔ نخست وزیر آن کشور

لیبی۔ ملک ادیس سنوسی

رومانی۔ رئیس جمہوری

دانمارک۔ رئیس جمہوری

بلغارستان۔ رئیس جمہوری

برمہ۔ رئیس جمہوری

آلبانی۔ رئیس جمہوری

آلمان غربی۔ رئیس جمہوری

استرالیا۔ رئیس جمہوری

پرتقال۔ رئیس جمہوری

برلونی۔ رئیس جمہوری

غروب خورشید فقہت، ص: ۱۱۱

اندونزی۔ ژنرال احمد سوکارنو۔ رئیس جمہوری

لبنان۔ ژنرال فؤاد شہاب

سودان- . سرلشکر ابراهیم عبود

کویت- . شیخ عبدالله السالم الصباح- . رئیس دولت

مغرب- . ملک حسن دوم

هند- . جواهر لعل نهرو- . نخست وزیر

افغانستان- . مُجَدِّد ظاهر شاه سلطان آن مملکت

نیویورک- . اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد

بیروت- . استاد سعد اسعد از رجال سنی و مسلمان آن کشور

بیروت- . استاد رشید بیضون از رجال شیعه و مسلمان آن کشور

بیروت- . عطوفه سید صبری عماد رئیس مجلس شورای ملی

بیروت- . استاد شیخ مُجَدِّدِ عَلَا یا مفتی عامه

همچنین جامعه اهل علم کربلا پیش از آن نیز دو تلگراف راجع به اوضاع ایران. به تمام سران ممالک اسلامی و غیر اسلامی
مخابره کردند که گذشته از کشورها و رجال یاد شده، این ممالک و شخصیت‌ها را باید بر آن افزود:

ریاض- . ملک سعود، سلطان مملکت عربستان سعودی

تهران- . شاه ایران مُجَدِّدِ رِضَا پهلوی

ایرلند- . رئیس جمهوری

ایتالیا- . رئیس جمهوری

زنگبار- . حاج حسن حاج مراد

بیروت- . سید حسن امین

بیروت- . شیخ محمد جواد مغنیه

بمبئی- . شیخ محمد حسن کاشانی

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۱۲

بعلبک- . لبنان- . شیخ حبیب آل ابراہیم

نبطیہ- . لبنان- . شیخ محمد تقی صادق

لیبی- . استاد مصطفی عبدالسلام تریکی

تونس- . استاد محمد غزالی

بحرین- . استاد علی حسن جردابی

قطر- . سید محمد عبدالخالق حیدر آبادی

کراچی- . شیخ محمد شریعت

در بیانیه یاد شده قسمتی از خطابه تاریخی امام خمینی. (رحمه الله علیه). و اعلامیه مرحوم آیت الله میلانی هم آمده است، و می نویسند اوضاع ایران بخشی از مطالب جراید و مجلات عراق مانند روزنامه (الفیحاء) و (الجهاد) و (الحریة) را تشکیل داده و نویسندگان عراقی به تفصیل حوادث دردناک ایران را شرح داده اند.

بیانیه مزبور آئینه ایست که آن چه را در ایران تا آن روز گذشته بود به خوبی ترسیم کرده و خواننده را در کم و کیف آن گذاشته است.

تاریخ: ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۴۳

تلگرام آیت الله العظمی خوئی به امیر عباس هویدا پیرامون قانون شکنی رژیم شاه

جناب آقای امیر عباس نخست وزیر محترم- تهران

ما مکرراً از باب ارشاد و نصیحت به دولت‌های سابق تذکر دادیم که مدت فشار و تعدی محدود و عاقبت آن تاریک است زیرا شما بر ملتی حکومت می‌کنید که مسلمان و معتقد به قرآن است و برای قانونی که مخالف اسلام باشد ارزشی قائل نیست بایستی عواطف و مقدسات شخصیت آن‌ها را در نظر گرفته و از جریحه‌دار ساختن قلوب و پیمودن راهی که بر خلاف رأی قاطع ملت مسلمان است خودداری نمائید

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۱۳

. انتظار می‌رود با برطرف ساختن نفوذ صهیونیست و الغاء قوانین مخالف شریعت اسلام و ارجاع حضرت آیت الله خمینی عالم روحانیت و قلوب مسلمانان جهان را مسرور سازید.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

تاریخ: ۱۳۴۴ / ۲ / ۹

تلگرام آیت الله العظمی الخوئی خطاب به امیر عباس هویدا در اعتراض به محاکمه جمعی از روحانیون و کسبه

در ابتدای تصدی شما^{۱۵} به مقام نخست وزیری در موضع رفع تشنج و خاتمه دادن به وضع چند ساله اخیر که دولت‌ها دور از عقل و منطق آن را به وجود آوردند و در اثر آن ملت مسلمان ایران به جرم دفاع از حیثیت و مقدسات خود با سرنیزه و زندان و شکنجه و قتل و تبعید روبرو^{۱۶} شد تلگرافاً تذکر دادیم متأسفانه شما نیز همان راه را پیمودید و از نصایح و ارشادات مقام روحانیت پند نگرفتید (رب انی دعوت قومی لیلاوتها را فلم یزدهم دعائی الافرار) بار دیگر عواقب سیئه جبروت و طغیان را گوشزد می‌نمائیم.

^{۱۵} (۱). منظور امیر عباس هویدا است.

^{۱۶} (۲). اصل: روبرو.

وقوع بعضی حوادث موجب بمانه‌گیری و سوءاستفاده شده و دولت در فکر تسویه حساب عده‌ای از افراد متدین و غیور و مدافع از مقدسات يك ملت افتاده است. ما نیز طبق وعده الهی (كان حقاً علينا نصر المؤمنین) یقین داریم در نتیجه پیروزی با مؤمنین است و قوای ظلم و طغیان نابود خواهد گشت. جای تأسف است جمعی از روحانیین و مبلغین و کسبه شریف و متدین مورد زجر و شکنجه قرار

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۱۴

گرفته و افراد بی‌گناه به محاکم محول گردند و بالاخره برای تمام طبقات نگرانی فوق‌العاده به وجود آید. البته هر چه زودتر زندانی‌ها را آزاد و پریشانی ملت را جبران نمایید.

۲۶ ذیحجه الحرام ۱۳۴۸

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

انتقال امام خمینی به نجف و استقبال آیت الله خوئی از ایشان

... حکومت ایران در ۱۳ / مهرماه / ۱۳۴۴ ش امام خمینی و فرزندش را از ترکیه به نجف در عراق انتقال دادند

... خبر ورود امام توسط فرزند ایشان (حاج آقا مصطفی خمینی) به آیت الله خوئی رسید، ایشان بدون لحظه‌ای درنگ، بسیاری از علماء و فضلالی حوزه نجف، از جمله: حضرات آقایان شیخ مجتبی لنگرانی، شیخ صدرا بادکوبه‌ای و فرزندش سید جمال الدین خوئی. (رحمه الله علیه). و دامادش سید جلال الدین فقیه ایمانی را همراه گروهی از طلاب که بالغ بر ده دستگاہ اتوبوس می‌شدند، به استقبال ایشان فرستادند و روز اول پس از پایان درس به دیدار امام شتافته و روز دوم نیز به ملاقات ایشان آمدند.

در پاسخ افرادی که از انگیزه این کار پرسش می نمودند، فرمود ایشان با دیگران تفاوت می کند، و لذا دیدن او هم با دیگران باید فرق داشته باشد، و به هنگام بازدید امام از آیت الله فقیه هم مجلس با شکوهی ترتیب یافته و اطعام گسترده ای صورت گرفت.

* نمونه سرمایه داری اجنبی در ایران:

بعضی یهودیان سرمایه دار در رژیم شاه عامل نفوذ صهیونیست ها در ایران

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۱۵

بودند.

وضع سرمایه داری اجانب در ایران اقتضا می کرد به عنوان تبصره قانون آزادی شغل در ایران بر هر بیگانه بتواند از راه نفوذ سیاسی رشته سرمایه داری را بدست بگیرد.

به طور نمونه همه ملت ایران می دانند که «حبیب الله ثابت معروف به پاسال» يك يهودی زاده بهائی نما از خانواده کارگر فقیر بود از رانندگی خود را به دستگاه رضاخان نزدیک و به جاسوسی در شرکت های بزرگ پرداخت و با گذشت مدت کوتاهی - از سرمایه داران بزرگ ایران محسوب شد و در ۲۷ شرکت صنعتی و تجاری بزرگ با محمد رضا پهلوی شرکت داشت - زمانی که محمد رضا از ایران به ایتالیا فرار کرد «هندرسون» سفیر آمریکا در ایران «ثابت پاسال» را به ایتالیا فرستاد تا جهت بازگشت او به ایران هر مقدار پول لازم است در اختیارش بگذارد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ه. ش، این جاسوس صهیونیستی به عنوان پاداش امتیاز تلویزیون ایران را جایزه گرفت و با خارج کردن ارز و جواهرات - قبل از پیروزی انقلاب اسلامی - به خارج فرار کرد.

* مخالفت آیت الله خوئی با اسرائیل غاصب

آیت الله فقید از تسلط مزدوران بیگانه و افراد نامسلمان و وطن‌فروشان بهائی و یهودی بر مقدّرات مملکت و برقراری ارتباط با اسرائیل بسیار نگران و بیمناک بوده و هم‌راه این خطر بزرگ را گوشزد نموده و می‌فرمودند: آیا ممکن است يك کشور مسلمان مقدّرات خود را به دست چند تن از دشمنان دین و مملکت بسپارد؟

آیا ممکن است علاوه بر جهات معلوم يك کشور کوچک که بر اساس دشمنی با اسلام به وجود آمده است کشور بزرگ ما را منطقه نفوذ خود قرار دهد؟

آیا ممکن است عده‌ای با تلبّس به لباس انحراف با عقیده به مبدأ و معاد بازی

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۱۶

کنند؟

آیا صلاح است که یکی از عمّال آن کشور که سابقاً فرزند يك کلیمی دوره‌گرد بوده است هم اکنون در ردیف رجال مملکت بلکه بزرگترین رجال آن درآید؟ و یکی از بزرگترین وسائل تبلیغات و صدها مرافق حیاتی ملت را به دست گرفته و میلیونها ثروت کشور را به خارج تحویل دهد؟

بایستی از دولت پرسید که در کدام يك از ممالک مترقی وسائل تبلیغ در اختیار فردی قرار گرفته است که خود را فرزند آن مملکت ندانسته و بر علیه مصالح کشور اقدام می‌نماید.^{۱۷}

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از ایرانیان در اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران و حوادثی که در آن مملکت می‌گذشت صاحب نظر بود از امام خوئی رهبر و زعیم عالیقدر حوزه علمیه نجف اشرف سؤالاتی کرد و از آن فقیه عالی مقام خواست تا موضع خود را در برابر آن چه در ایران می‌گذرد روشن کند و نظریاتش را در این مورد بیان سازد.

ما اینک در ذیل عقاید معظم له را که بسیار روشن و بی‌پرده سخن گفته است بیان می‌کنیم، تا دفاع او را از ملت ایران که بر ضد استبداد شاه و دولت جبار او بود روشن نمائیم و حضرت آیت الله العظمی خوئی ضمن تأیید خواسته‌ها. ملت ایران را به جهاد و کوشش و مبارزه دعوت فرموده است.

^{۱۷} (۱). منظور ثابت پاسبان یهودی متظاهر به بهائی است که آن موقع تلویزیون را در اختیار داشت.

امام خوئی فرمودند: ما در مبارزه ملت‌های مسلمان که با حکومت جائزه و دولت‌های ستمکار مبارزه می‌کنند، همگام هستیم و مسلمانان را در این جهاد تأیید می‌کنیم، ما همواره برای ملت و امت خود طلب خیر و سعادت می‌کنیم و آنها را

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۱۷

در جهاد با ظالمان و ستمگران تأیید می‌نمائیم.

آیت الله خوئی فرمودند: ما همواره طالب خیر و صلاح مسلمانان هستیم و برای احقاق حق قیام کرده‌ایم و پیوسته کوشش کرده‌ایم که جلو ظلم و خیانت را بگیریم و از حقیقت دفاع کنیم و هرگاه خطری متوجه جامعه اسلامی باشد با مجاهدت و فداکاری از خطرانی که ما را فرا می‌گیرد مقاومت داشته باشیم و دشمن را از خود دفع نمائیم.

ما اکنون خطری بدتر از خطر تسلط یهود برای جامعه ایرانی سراغ نداریم و باید کوشش داشته باشیم که این خطر بزرگ را از ایران دفع کنیم، اینک یهودیان در ایران نفوذ کرده‌اند و باید هر چه زودتر از این نفوذ روزافزون جلوگیری کرد، آنها در ایران مشغول فعالیت هستند و باید آنها را از فعالیت بازداشت.

ما در اینجا نمی‌خواهیم از خون‌های ریخته شده افراد بی‌گناه سخن بگوئیم و یا طالب خون آنها باشیم بلکه مقصود هدفی است که مسلمانان در ایران به خاطر آن کشته شده‌اند و باید هدف و نظر آنها مورد توجه باشد.

علماء اعلام و رهبران مذهبی نمی‌توانند خود را از جهاد ملت ایران که بر علیه ظلم و ستم و استبداد می‌باشد کنار بکشند و بی تفاوت بمانند، و یا خود را بطور کلی از این حوادث تأسف بار دور نگهدارند.

یهودیان هنگامی که در ایران به قدرت رسیدند و سلطه بازرگانی و اقتصادی خود را در آن جا برقرار ساختند که در میان ملت ایران شکاف و اختلاف ایجاد کردند و در اثر تفرقه به مقاصد شوم خود رسیدند.

یکی از پلیدترین روش این حکومت‌های فاسد این است که آنها آزادی‌های مذهبی را از مردم می‌گیرند و اختناق عقائد و افکار را در جامعه پدید می‌آورند، و حکومت‌های توانائی ندارند. مشکلات مردم را حل کنند و موجبات آسایش آنها را فراهم آورند ..

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۱۸

در این جا به جای فراهم آوردن مسائل زندگی و رفع مشکلات و نیازمندی‌های مردم با ساز و برگ جنگی و گلوله‌های داغ به جنگ مردم می‌آیند و می‌خواهند با قدرت تسلط و قهر و غلبه بر مردم حکومت کنند و آنها را از میدان مبارزه بیرون سازند.

ملت ایران امروز طرفدار حکومتی است که آزادی او را تضمین کند و طالب یک زندگی که توأم با سعادت و خوشبختی و رفاه و وسعت باشد، اینک اگر ما از این هدف‌ها دست برداریم. لازم است که با حکومت‌های جائر هماهنگی داشته باشیم.

سؤال- چرا علماء با حکومت ایران جنگ می‌کنند و آن را مورد حمله قرار می‌دهند در صورتی که دولت ایران و عوامل حکومت مسلمان هستند و به اسلام اعتراف می‌کنند؟

جواب- اسلام که تنها نمازگزاردن یا روزه گرفتن نیست و یا انجام عبادت‌هایی که از طرف شارع مقدس آمده است، ممکن است کسانی با انجام دادن واجبات قصد ریا و تظاهر داشته باشند و در باطن به آن چندان اعتقاد پیدا نکنند.

اسلام دین عقیده و عمل است و هرگاه عملی در کار نباشد عقیده کاری نمی‌کند و باید مسلمان عقیده و عمل را با هم قرین می‌سازد. کسانی که به اسلام تظاهر می‌کنند و عملاً پایه‌ها و اساس آن را منهدم می‌سازند و با احکام و قوانین قرآن جنگ می‌نمایند هرگز مسلمان نیستند.

کسانی که با نیرنگ و فریب یهودیان مسلمانان را از راه حقیقت دور می‌کنند هرگز نمی‌توان نام مسلمانی بر آن نهاد اگر چه در ظاهر فرائض را هم انجام دهند، چگونه مسلمانان می‌توانند این همکاران و همفکران یهودی را به عنوان حاکم قبول کنند و دین و دنیای خود را به آنها بسپارند.

سؤال- چه چیز باعث شد که شما این چنین در برابر حکومت ایران جبهه بگیرید و مقصود شما از این جبهه‌گیری چیست؟ و تا کجا با حکومت مبارزه

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۱۹

خواهید کرد؟

جواب- ما با اشخاص دشمنی نداریم و همان‌طوری که قبلاً بیان کردیم با افراد معینی طرف نیستیم و با حکومت اسلامی معارضه‌ای نداریم، بلکه ما با آن حکومت‌ها و دولت‌هایی معارضه داریم که قوانین جاریه آن‌ها با احکام اسلام مباین باشد.

ما اکنون با دشمنی در حال جنگ هستیم که با احکام اسلام مخالفت می‌کند و قوانین ضد اسلامی را ترویج می‌نماید و با خطری که اکنون ملت ما را احاطه کرده است و کیان و هستی ما را تهدید می‌کند باید مقابله کرد و با آن درآویخت و جلوی نفوذ آن را به هر طریقی که میسر است باید گرفت.

اگر در این باره کوچک‌ترین مسامحه و سهل‌انگاری شود کارها مشکل خواهد شد و خطر رو به فزونی خواهد گذاشت، و هر گاه این خطر همه جا را گرفت و جایگزین شد (خداوند هرگز این روزها را نصیب مسلمانان نگرداند). در این هنگام ما نیز باید در فعالیت باشیم و با جهاد پیگیری خود جلو فعالیت‌های دشمن را بگیریم و مانع نفوذ او در جامعه باشیم و ما بدتر از این وضع را برای جامعه اسلامی نمی‌توانیم تصور کنیم که کفار و منافقین بر آن‌ها مسلط شوند.

صهیونیست، بهائیت، خونریزی و سلب آزادی از مردم و هر نوع ظلم و ستمی که در جامعه مسلمانان پیش آید همه از این نوع حکومت‌های فاسد و جابر که با چهره سیاه خود حقایق حقایق را می‌پوشانند پدید می‌آید.

آیا بعد از این اعمال و افعال که از طرف قدرت‌های فاسد و به ظاهر مسلمان انجام می‌گیرد خطر دیگری هست و این‌ها خود بزرگترین خطر برای مسلمان‌ها هستند که با وضع قوانین ضد اسلامی با اسلام و مسلمین جنگ می‌کنند.

هر گاه این اوضاع و احوال سیاه در میان مردم مسلمان ادامه پیدا کند باید آیندگان و نسلی که می‌خواهند در آینده زندگی کنند از این اعمال جابرانه درس فرا

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۲۰

گیرند و برای ادامه زندگی و آزادی‌های مذهبی و دینی درس بیاموزند.

ما امیدواریم که مسئولان امر از این پندهای ما درس بگیرند و راه اصلاح و تقوی را پیشه خود سازند و از ظلم و ستم و نخوت و تکبری که آن‌ها را فرا گرفته است دست بردارند و راه خداوند را پیش گیرند و جامعه را به طریق سعادت رهنمون شوند.

ما همواره طالب این‌گونه اعمال هستیم و آرزو داریم که مردم در خیر و سعادت و خوشبختی زندگی کنند و امور دین و دنیای آن‌ها از هر جهت معمور باشد و خیر دنیا و آخرت نصیب آن‌ها شود.

بخت است زمامداران مسلمین هر چه زودتر به خطاها و لغزش‌های خود توجه پیدا کنند قبل از این که فرصت را از دست نداده‌اند و گرفتار گرداب و طوفان‌ها نشده‌اند به خود آیند و خود و جامعه را به طرف سلامتی جان و تن سوق دهند.

ما برای امت خود همواره طالب خیر و سعادت می‌باشیم و امیدواریم دین ما سالم بماند و دست متجاوزان از آن کوتاه گردد، اکنون هدف ما این است که هر چه زودتر دست اجنبی از کشورهای اسلامی کوتاه گردد و نفوذ صهیونیست‌ها قطع گردد.

اکنون واجب است که ملت‌های مسلمان با حکومت‌های خائن و دولت‌های جابر به جهاد و مبارزه برخیزند و با بدعت‌گذاران ستیز کنند. هر حکومتی که بخواهد و قدرت پیدا کند که دین ما را پایمال کند می‌تواند مقاومت مردم را نیز درهم شکنند و خواسته‌های آن‌ها را نادیده بگیرد.

در نتیجه با قهر و غلبه می‌توان مردم را مغلوب سازد و مقاومت و پایداری را از آن‌ها بگیرد، البته معلوم است که این چنین حکومتی نمی‌تواند در میان مردم جای داشته باشد و همواره از آشوب و انقلاب مردم مضطرب می‌باشد.

پس هر گاه این چنین حکومتی که در میان جامعه پایگاهی ندارد اعمالش مورد اعتراض مردم می‌باشد، بنابراین این نوع حکومت‌ها چگونه می‌توانند به نام

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۲۱

مردم سخن بگویند و به آراء و نظریات آن‌ها تکیه کنند.

موضوع خنده‌آور این است که حکومت کنونی ایران حکومت‌های گذشته این کشور را لعن و نفرین می‌کند و آن‌ها را به ظلم و ستم نسبت می‌دهد و معتقد است که کابوس و بدبختی را از سر آن‌ها برداشته است و امروز ملت در سعادت زندگی می‌کند.

هر حکومتی که نتواند مشکلات مردم را حل کند و یا نخواهد آن‌ها را در رفاهیت و وسعت زندگی کنند و یا موجبات آسایش جامعه را فراهم نگرداند ناگزیر مردم انقلاب می‌کنند و حکومت باید با آتش و گلوله جلوی آن‌ها را بگیرد.

طبیعت قضیه این است که ملت ایران می‌خواهد آزاد زندگی کند و حکومت باید هدفش این باشد که به مردم آزادی دهد، تا آن‌ها در يك زندگی سعادت‌مند و دور از سلطه صهیونیست و استعمار به حیات خود ادامه دهند.

حالتی که اکنون در ایران جریان دارد کشور را به مصیبت‌های اقتصادی خواهد کشانید و موجبات ضررهای اجتماعی و تجارتي خواهد شد و به معتقدات مردم زیان فراوان خواهد رسانید.

زیرا خرابکاران احتجاج می‌کنند که در جامعه ظلم و ستم هست و مردم از نعمت آزادی محروم شده‌اند، در این جا گروهی که قصد تخریب دارند مردم را از عقاید دور می‌کنند و آن‌ها را به طرف مکتب‌های مخرب می‌کشانند، و این خود يك خطر بزرگ است.

سؤال- شما برای پایان دادن به این ماجراها و رفع اختلاف خود با حکومت چه نظری دارید؟ و چه شرطها در این باره دارید؟

جواب- ما در این مورد شرط معینی نداریم و از حکومت می‌خواهیم دست از عناد با دین بردارد و این احکام و قوانین ظالمانه را لغو کند و از ظلم و ستم درباره ملت دست بردارد و مردم در اظهار عقائد خودشان آزاد بگذارد.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۲۲

ما می‌خواهیم دولت عدالت را در جامعه ترویج کند و از قوانین و مقررات جاریه متابعت نماید و هر قانونی که بر خلاف شریعت مقدس اسلام وضع کرده است ملغی کند و از علماء اعلام که حافظ اسلام هستند احترام نماید و آن‌ها را در ناراحتی قرار ندهد.

ما از دولت می‌خواهیم تجاوز یهودیان و بهائیان را از مسلمانان باز دارند و دست تعدی و ستم آن‌ها را از ملت اسلام کوتاه کنند و اجازه ندهد بیش از این نسبت به مسلمانان ایران تجاوز داشته باشند.

ما اگر با اشخاص مسئولی در این جا به گفتگو بنشینیم می‌دانیم چگونه با آن‌ها سخن بگوییم و مقاصد خود را با آنان در میان بگذاریم، البته اگر چنین اجتماعی پیش آید ما خواسته‌هایی داریم که با مسئولان در میان خواهیم گذاشت.

ما از خون‌هایی که بر زمین ریخته شده مطالبه نمی‌کنیم و آن‌هایی که در این راه جان خود را از دست داده‌اند برای همین مقاصد قیام کرده‌اند و در راه عقیده جان سپردند بلکه ما اکنون طالب هدف‌هایی هستیم که آن جماعت برای آن خون دادند.

خون‌های پاک مسلمانانی که در زمین ریخته شد آینده درخشانی برای ملت ایران پیش خواهد آورد و اساس دین را در این کشور محکم خواهد کرد اگر چه دشمنان جلوی این فعالیت‌های مذهبی را بگیرند.

اگر چه دشمنان دین با جنگ‌های نمان و آشکار مخالف این هدف مقدس هستند زشت‌ترین نوع این ستم‌ها آن است که آزادی‌های مذهبی را سرکوب کنند و ملت مسلمان متدین را از راهش باز دارند.

سؤال- شما از کجا دانستید که در ایران یهودیان و بهائیان قدرت را در دست گرفته‌اند و مسلمانان را سرکوب می‌کنند؟

جواب- این حقیقتی است که نمی‌توان آن را انکار کرد، يك نفر یهودی در ایران در ده‌ها شرکت عضویت دارد و فعالیت می‌کند و گاهی مالک چندین شرکت

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۲۳

می‌باشد.^{۱۸}

هم اکنون در ایران گروهی از عوامل یهود و بهائیان بر اداره رادیو و تبلیغات ایران فعالیت می‌کنند و با سر انگشت‌های خود آن اداره را می‌گردانند، آری همچنین یهودیان بر شهرهای ایران مسلط شده و اقتصاد آن را قبضه کرده‌اند.

یهودیان این قدرت و تسلط را توسط خارجیان بدست آورده‌اند زیرا نفوذ اجنبی میدان را برای آن‌ها باز کرده است و عوامل خارجی هر چه می‌خواهند توسط اینان در ایران انجام می‌دهند ...

روشن است که یهود این قدرت را هنگامی بدست آوردند که ملت مسلمان ایران را از دخالت در امور اقتصادی خود مانع شدند، و با پاشیدن بذر اختلاف و نفاق وحدت آن‌ها را از میان بردند و خود بر اوضاع مسلط شدند.

این جماعت تا توانستند مسلمانان را در مضیقه قرار دادند و با عقاید مذهبی و اجتماعی آن‌ها بازی کردند و کارشکنی‌ها و مشکلات بر سر راه آنان گذاشتند، تا به نیت شوم خود که تسلط بر منابع ثروت بود رسیدند.

يك یهودی در ایران میدان فعالیتش از اسرائیل بیشتر است، و در این جا از همه مزایا برخوردار است و می‌تواند به طور آزاد هر کاری بکند، زیرا در اسرائیل قوانینی وضع شده که یهودیان را محدود می‌کنند.

یهود در ایران کاملاً آزاد است و محدودیتی برای او نیست. یهودیان به علت خصائص نژادی و تعصبات قومی در اسرائیل به مقررات جاریه عمل می‌کنند و قوانین کشور خود را احترام می‌گذارند. اما در ایران به خاطر این که با مسلمانان عناد دارند و خود را بیگانه فرض می‌کنند از هر قانون‌شکنی تبعیت می‌نمایند و برای فراهم آوردن ثروت و مال به هر جایی متوسل می‌شوند و در این راه به هر جنایت و

^{۱۸} (۱). مانند: القایان و ثابت پاسال.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۲۴

خیانتی تن می دهند.

آیا این احکام و قوانین که اکنون در ایران عمل می شود مورد رضایت ملت ایران عمل می شود مورد رضایت ملت ایران است و یا اسرائیل از این اوضاع و احوال استفاده می کند؟

همه می دانند که بھائیت در ایران مورد استفاده اسرائیل است و کسی نمی تواند منکر این حقیقت باشد.

سؤال- شما فرمودید: ما آخرین وظیفه خود را درباره حکومت ایران انجام خواهیم داد وظیفه شما چیست؟ و آن را چگونه انجام می دهید؟

جواب- ما برای انجام مقصود خود وقتی معین می کنیم و به حکومت پیشنهاد می کنیم تا وقت محدودی خواسته های رهبران مذهبی را انجام دهد و قوانین ضد دینی را لغو کند، و اگر به پیشنهادهای ما ترتیب اثر نداد آن وقت نظر خود را صریحاً بیان خواهیم کرد.

آینده نشان خواهد داد که این تصمیم ما و سخنی که در این مورد بیان خواهیم کرد چه اثری خواهد گذاشت، ما در این نظریه خود جز حق و عدالت و عزت و سربلندی ملت ایران هدفی نداریم.

سؤال- آیا شما اجازه می دهید که سفیر ایران با شما مذاکره کند؟

جواب- آری ما حاضریم سفیر ایران. با ما به طور علنی ملاقات و مذاکره کند، زیرا ممکن است در این ملاقات علنی و مذاکره حقایق روشن شود و واقعیات بیان گردد. ما جز روشن شدن موضوع و کشف حقیقت نظری نداریم.

ما امیدواریم هر چه زودتر اوضاع و احوال روشن شود و ملت ایران از این مشکلات و مصائب بیرون آیند و آینده سعادت مند توأم با رفاه و خرمی برای آنها پیش آید.

سؤال- آیا شما توصیه هایی در این مورد دارید که ما بتوانیم آنها را مورد بررسی قرار دهیم و از طرف شما انتشار دهیم؟

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۲۵

جواب- وصیت ما به مردم این است که در راه خدا و برای رضایت او کار کنند و همیشه حق و حقیقت را در نظر داشته باشند، و به مصائب ملت ایران و مشکلات جامعه ایرانی توجه کنند و آنها را یاری نمایند.

در حفظ امانت‌های گرانبهای الهی بکوشند و حقوق همدیگر را حفظ نمایند، همان حقوق و امانت‌هایی که خداوند آنها را به ودیعت نموده است، و ما باید همواره از دین و احکام آن حمایت کنیم و مردم را به عدالت دعوت نمائیم و از دشمنان هراسی نداشته باشیم.

سؤال- آیا ممکن است که شما از بعضی خواسته‌ها چشم‌پوشی کنید؟ و شاه نیز از بعضی خواسته‌های خود چشم‌پوشی کند؟

جواب- ما حق نداریم از خواسته‌های ملت ایران چشم‌پوشیم و از تجاوزاتی که در ایران نسبت به مذهب انجام می‌گیرد صرف‌نظر کنیم، ما همواره باید مصالح دین و ملت را در نظر داشته باشیم و از مردم دفاع کنیم.

ما اگر بعضی از خواسته‌های خود را از نظر بیاندازیم معنی آن این است که از احکام دین و مذهب که مورد حمله و تجاوز قرار گرفته است چشم‌پوشی کنیم و این هرگز جایز نیست و مورد موافقت قرار نخواهد گرفت. ما هرگز ملت ایران را در این مبارزه‌ای که در پیش گرفته است رها نخواهیم کرد و شاه اگر بخواهد از مقام خود پائین بیاید باید به احکام مذهبی گردن نهد و بدعت‌هایی که پدید آورده است باطل سازد و در برابر شریعت و قرآن سر تعظیم فرود آورد.

شاه باید با ملت ایران کنار بیاید و خواسته‌های مذهبی و اجتماعی آنان را برآورد و باید در میان مردم با عدالت رفتار کند و خواسته‌های واقعی مردم نیز اجرای عدالت در میان مردم ایران است.

ما خوشحال خواهیم شد که اساس عدالت و مصالح ملت در میان مردم ایران عمل قرار گیرد و قوانین ضد اسلامی باطل شود و سیاست‌های شوم

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۲۶

ی

هودیان و بهائیان که چهره ایران را سیاه کرده است از آن محیط پاک گردد.

ما در این مبارزه تنها نیستیم بلکه همه حوزه‌های علمیه و علماء اعلام در این جهاد با ما مشارکت دارند و برای آینده ملت ایران و سعادت آنها کوشش می‌کنند، فضیلت ایرانیان در این است که آنان خون خود را در این راه بذل کردند.

ملت ایران با قیام مردانه خود سیاست ضد مذهبی را در ایران محکوم کردند و برای حفظ مؤسسات و شئون مذهبی خود به پا خواستند، و اینک مدتی است که مسئولان حکومتی از قیام رجال در فشار قرار گرفته‌اند.

فرض کنیم دولت موفق شود علماء اعلام را از ایران تبعید کند و ارتباط آن‌ها را با مردم قطع نماید آیا توانائی آن را دارد که از قیام و انقلاب مردم خود را نجات دهد و جلو ملت ایران را بگیرد.

آیا حکومت می‌تواند با وعده‌های فریبنده خود مردم را راضی نگهدارد و آن‌ها را به انجام اصلاحات به سکوت وادارد و یا مردم را با سخنان واهی فریب دهد و مردم را از علماء دور نگهدارد.

حکومت ایران مردم را فریب می‌دهد که احکام خداوند را اجرا می‌کند و برای آن‌ها موجبات سعادت و خوشبختی را فراهم می‌نماید، در صورتی که همه این‌ها ریشخند کردن مردم است و آنان با عده‌ها می‌خواهند مردم را مشغول سازند.

دولت ایران با این گونه تبلیغات می‌خواهد از قیام مردم جلوگیری کند، در حالی که خداوند متعال ستمکاران را بر مردم حکومت نمی‌دهد بلکه پروردگار همواره از مومنان یاری می‌کند و مردم باید از خداوند انتظار پیروزی داشته باشند.

**** این مصاحبه تاریخی درباره (نفوذ بھائیت و صهیونیزم) در ایران می‌باشد، در سال ۴۱ یا ۴۲ انجام گرفته است.

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۲۷

- جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل

... در ۲۳ ماه صفر ۱۳۸۷ ق مطابق با ژوئن ۱۹۶۷ اسرائیل این طفل نامشروع استعمار غربی و شرقی با يك حمله غافل گیرانه، سی فرودگاه ممالک عربی مصر و سوریه. و عراق و لبنان و اردن را در هم کوبید، و بیش از ۵۰۰ هواپیمای آن‌ها را روی زمین یا آسمان منهدم کرد. و به دنبال آن نیروی زمینی اش به حرکت درآمد و قسمتی از اراضی اردن و سوریه و تمامی صحرای سینا متعلق به مصر را به اشغال خود درآورد.

به دنبال یورش وحشیانه و غصب قسمتی از سرزمین‌های اسلامی از طرف حضرت آیت الله العظمی خوئی. (رحمه الله علیه). اعلامیه‌ای به شرح ذیل صادر شد

تاریخ: ۱۳۵۲ / ۷ / ۱۷

اعلامیه آیت الله عظمی خوئی در پی تهاجم مسلمانان^{۱۹} برای آزادسازی سرزمین‌های اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

الى عامه اخواننا المسلمين و فقهم الله تعالى

لقد قامت القوى الكافره بغزو قسم كبير من الأراضى الاسلاميه و فى ضمنها المسجد الأقصى الشريف و قد كابد المسلمون ما كبده طوال السنوات الماضيه و قد صمموا فى هذا. الشهر المبارك و هو شهر الله العظيم مستمدين العون من الله تعالى على الدفاع عن اراضيههم و قد قال الله سبحانه و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا فالواجب الدينى يحتم علينا ان نوحده الكلمه و نقوم بنصره المدافعين عن الأراضى

غروب خورشيد فقاها، ص: ۱۲۸

. الاسلاميه بما يلزم من العون و الساعده و نحن نبتهل الى الله سبحانه ان يكمل جهودهم بالنجاح و ينصرهم على اعدائهم ان تنصرو الله. ينصركم و يثبت اقدامكم.

النجف الاشرف فى ۱۱ رمضان المبارك سنه ۱۳۹۳

ابوالقاسم الموسوى الخوئى

^{۱۹} (۱). جنگ چهارم اعراب اسرائيل اکتبر ۱۹۷۳.

اوج گیری انقلاب

... اوّل آبان ماه ۱۳۵۶ با مرگ مشکوک حاج آقا مصطفی خمینی فرزند امام خمینی (رحمه الله علیه). انقلاب به مرحله جدیدی رسید. این خبر امواج تازه‌ای در حرکت فزاینده مردم ایجاد کرد. مجالس باشکوه برای او در تهران و قم و دیگر شهرهای ایران برگزار شد که در آن‌ها مردم بسیاری شرکت کردند ... و سخنرانان و شعارهای مطرح شده محتوای سیاسی و انقلابی علیه رژیم آشکار رهبری امام خمینی. (رحمه الله علیه). یافت ... را به خود گرفت.

در اواخر آبان ماه شاه به آمریکا رفت و با کارتر دیدار کرد، در مقابل کاخ سفید تظاهرات گسترده‌ای از سوی مبارزان خارج از کشور صورت گرفت که بیش از پیش شاه را بدنام ساخت.

در آذر ماه تظاهرات دانشجویی اوج بیشتری گرفت و دانشگاه‌ها به تعطیل یا نیمه تعطیل کشیده شدند:

در اوایل دی ماه کارتر سفری به ایران کرد و حمایت خود را از شاه اعلام نمود. در روز ۱۷ دی ماه روزنامه اطلاعات مقاله‌ای اهانت‌آمیز تحت عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» به قلم شخصی به نام احمد رشیدی مطلق که مستعار بود و گویا وزیر اطلاعات و جهانگردی آن را نوشته بود، علیه امام خمینی. (رحمه الله علیه). نگاشت. با زمینه مساعدی که وجود داشت، این مقاله یاد شده طلاب قم درس‌ها را تعطیل کرده و به طور

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۲۹

دسته جمعی به سوی منازل مراجع و اساتید حوزه راهپیمائی کردند. سه روز این شیوه ادامه یافت، روز ۱۹ دی ماه رژیم که به وحشت افتاده بود، جمعیت طلاب و عده‌ای از مردم را که به آن‌ها پیوسته بودند در خیابان صفائیه قم مورد هجوم قرار داد که طی آن تنی چند از طلاب کشته شدند.

پس از آن عده‌ای از روحانیون و مدرسین قم به شهرهای دورافتاده ایران تبعید شدند، این سرکوبی خونین، طلاب و مردم را مرعوب نساخت، از این رو در چهلم شهدای قم، از سوی مراجع تقلید عزای عمومی اعلام شد و در اکثر نقاط ایران مراسمی برگزار گردید که از آن میان شورش مردم تبریز در ۲۹ بهمن‌ماه بود که در آن مأموران به سرکوب مردم پرداختند. شهر به آشوب کشیده شد و بسیاری از مردم کشته شدند، این حادثه جریان- مبارزه را تداوم بخشید و بر نارضایتی و

خشم مردم افزود- شاه در مصاحبه با رادیو بی بی سی ادعا کرد شورش‌های قم و تبریز نتیجه اتحاد نامقدس بین کمونیست‌ها و اشخاص مرتجع است.

در روزهای ۹ و ۱۰ فروردین ماه ۵۷ به مناسبت چهارم شهدای تبریز در سراسر ایران مجالس باشکوه با شرکت انبوه مردم برگزار گردید که در تمام آن‌ها خشم و اعتراض و تظاهرات ابعاد وسیع‌تری یافت و رژیم به سرکوب مردم پرداخت و عده‌ای زیاد از مردم کشته شدند، در تمام این حوادث اقشار مختلف مردم به خصوص جوانان و دانش‌آموزان با سرعت غیر قابل‌تصوری به متن مبارزه گام نهادند. بازاریان ایران نیز، به ویژه در شهرهای بزرگ با اعتصابات پشتیبانی قاطع خود را از این حرکت‌های اعلام کردند، امام خمینی. (رحمه الله علیه). و دیگر مراجع ایران پشتیبانی قاطع خود را از این حرکت‌ها اعلان کردند، به ویژه قاطعیت و استواری و روشنی هدف در آموزش‌های امام خمینی. (رحمه الله علیه). که عمدتاً روی سرنگونی رژیم متمرکز بود، بر وحدت، دلگرمی، شجاعت توده‌های مردم می‌افزود.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۳۰

پس از قیام مردم یزد تمام. مراسم مذهبی و حتی اجتماعات دیگر در سطح کشور از حالت معمول و یکنواختی بیرون آمده و تبدیل به متینک‌های سیاسی و انقلابی علیه رژیم گردیدند ...

نوروز ۵۷ عزای عمومی اعلام شد و مراسم ۱۵ خرداد به صورت بستن بازار و خانه نشینی اجرا شد، جشن‌های ۱۵ شعبان نیز با توصیه امام خمینی (رحمه الله علیه). ممنوع گشت.

... ماه رمضان ۵۷، مجالس و سخنرانی‌ها یکسره سیاسی و انقلابی و ضد رژیم شد ...

در تهران، شیراز، اصفهان، مأموران به سرکوب مردم پرداختند ولی خشم مردم بالا گرفت از این رو دولت آموزگار در اصفهان و نجف آباد و شهرضا و همایون شهر حکومت نظامی برقرار کرد.

... در روز ۲۸ مرداد ۵۷ سینما رکس آبادان به آتش کشیده شد و بیش از ۴۰۰ نفر در آن سوختند. تلقی مردم این بود که این عمل به دستور رژیم شاه به منظور ارباب و یا متهم کردن قیام مردم مذهبی صورت گرفته است و حکومت نیز متقابلاً کوشید آن را به مردم و مرتجعین مذهبی نسبت دهد.

این حادثه خشم مردم را در سراسر ایران به خصوص خوزستان چندین برابر ساخت.

روز ۵ شهریور ۵۷، جمشید آموزگار از نخست وزیر استعفا داد و مهندس جعفر شریف امامی مأمور تشکیل کابینه شد.

شریف امامی دولت خود را با عنوان «دولت آشتی ملی» به صحنه آورد و برای اقناع مخالفان، خود را مذهبی ... و مطیع روحانیت خواند.

حضور مردم در صحنه رژیم را به هراس انداخت ... ساعت ۶ صبح ۱۷ شهریور ۵۷ از طریق رادیو در تهران و ۱۲ شهر بزرگ کشور حکومت نظامی

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۳۱

اعلام شد. اما مردم بی‌اعتنا به شرایط جدید، صبح همان روز در میدان ژاله تهران (شهدا) گرد آمدند و با هشدار نظامیان پراکنده نگشتند تیراندازی از هر سو آغاز شد و تا ساعت‌ها ادامه یافت فریاد گلوله‌ها و شعارها و ناله‌ها بهم آمیخت و فاجعه‌ای بزرگ پدید آورد، جمعیت فرو پاشید، اما بسیاری از مردم به ویژه تعداد قابل توجهی از زنان به شهادت رسیدند، این حادثه خونین که به جمعه سیاه شهرت یافت همه را تکان داد و بیش از هر فاجعه‌ای بر عمق کینه و نفرت مردم افزود و تصمیم بر سرنگونی رژیم استوارتر گشت.

کارتر حقوق بشر را از یاد برد و تلفنی شاه را مورد تأیید قرار داد. امام خمینی (رحمه الله علیه). طی اعلامیه‌ای بر ادامه مبارزه و ضرورت مقاومت مردم تأکید کرد ... لذا روز به روز دامنه تظاهرات و اعتصاب‌ها، درگیری‌ها، خشونت‌ها افزوده می‌شد و هر روز ده‌ها نفر در سراسر کشور کشته می‌شدند، تمام کشور در هرج و مرج و آشفتگی فرورفته بود، دولت آشتی ملی شریف امامی بر وخامت اوضاع افزود، شاه معتقد شد که اقدامات سیاسی به جایی نمی‌رسد، لذا با توصیه دوستان خارجی خود (مانند: برژنسکی در آمریکا که همواره اصرار بر شدت عمل داشتند) شریف امامی را برکنار کرد، و خود با چهره آشفته و نگران طی پیام تلویزیونی از ملت ایران و علماء و سیاستمداران خواست که به اصلاحات امور کمک کنند، او گفت پیام انقلاب ملت ایران را شنیده است و وعده داد که حکومت و دولت نظامی موقتی است.

... در اواسط دی ماه ۵۷ کنفرانس گوادالوپ با حضور رهبران ۴ کشور غرب (آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان غربی) در فرانسه تشکیل شد که در آن راه‌های مهار انقلاب اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفت، ولی بیانیه‌ای انتشار نیافت؟

... دولت ازهاری نیز نتوانست جلوی گسترش روزافزون انقلاب را بگیرد و

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۳۲

شخص نخست وزیر نیز به بستر بیماری افتاد.

شاه مایوس و به بن‌بست رسیده، بار دیگر به راه حل سیاسی روی آورد. این بار تصمیم گرفت از رجال سیاسی خوش سابقه بهره بگیرد. به دکتر کریم سنجابی و دکتر شاهپور بختیار از اعضای قدیمی جبهه ملی پیشنهاد شاه را پذیرفت و تن به نخست‌وزیری داد. او با شعار سوسیال. دموکراسی گام به جلو نهاد و اعلام کرد که شاه چندی به مسافرت خارج از کشور خواهد رفت، ژنرال هوپز فرستاده مخصوص آمریکا به ایران آمد و تلاش کرد ارتش را به حمایت و اطاعت بختیار وادار کند، شاه و دیگر دولت‌های خارجی و غربی از سران ارتش خواستند فکر کودتا را از سر بیرون کنند و از دولت بختیار فرمان برند ...

... در روز ۲۶ دی ماه ۵۷ شاه به ناچار از ایران خارج شد، امام خمینی. (رحمه الله علیه). و مراجع دیگر دولت بختیار را غیر قانونی و خائن دانستند.

... سرانجام ارتش دست اندرکار کودتا شد، و در روز ۲۲ بهمن ماه ۵۷ از ساعت ۶ بعد از ظهر حکومت نظامی اعلام شد. امام خمینی (رحمه الله علیه). اعلام کرد که مردم به حکومت نظامی اعتنا نکنند، مردم نیز همچنان به یورش خود به مراکز نظامی و انتظامی ادامه دادند، و تقریباً تمام این مراکز دولتی با اندک درگیری و مقاومت تسخیر شد و به دست مردم افتاد.

در پایان روز ۲۲ بهمن ۵۷ که گفته شده است در آن روز فقط ۶۵۴ تن شهید و بیش از ۲۷۰۰ نفر مجروح به جای گذاشت.

رژیم پادشاهی و سلطنت پهلوی منقرض و جز نامی از وی باقی نماند، عده‌ای از سران رژیم دستگیر شدند که بعدها اکثر آنها اعدام گردیدند.

از غروب ۲۲ بهمن ۵۷ جمهوری اسلامی ایران عملاً تشکیل شد و قانونگذاری شورای انقلاب و حکومت دولت موقت با ریاست مهندس مهدی

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۳۳

بازرگان آغاز شد.

نقشه تفرقه‌انگیز شاه!

شاه که می‌دید پایه‌های تخت لرزانش هر لحظه لرزان‌تر می‌شود و عنقریب است که تاج و تخت در هم فرو ریزد، نخست خواهر خوشنامش «اشرف» را به زیارت مشاهد مشرفه فرستاد، و او هم مورد استقبال مقامات حزب بعث قرار گرفت و تحت مراقبت مأمورین بعثی و ساواکی‌های ایرانی که با هر دو رژیم، دوست و از يك آخور تغذیه می‌کردند، به عتبات عالیات رفت و برگشت، ولی کوچکترین عکس‌العملی در میان مردم مبارزه به پا خواسته به بار نیاورد. به دنبال آن چون عید غدیر نزدیک می‌شد همسرش شه‌بانو فرح را به عراق فرستاد تا جنبه طبیعی پیدا کند و بگوید مانند هر ایرانی شیعه روز عید غدیر به زیارت مرقد منور حضرت امیر (علیه السلام) رفته است.

ولی باطن مطلب چیز دیگر بود. گذشته از این که می‌خواست با این زیارت سیاسی «شهربانو» جلب نظری از مردم مسلمان خشمگین کند، با توطئه قبلی و تبانی که در دو رژیم نموده بودند، غفلتاً و به طور ناگهانی در نجف به حضرت آیت الله خوئی. (رحمه الله علیه). خبر می‌دهند که شه‌بانوی ایرانی برای عیادت و ملاقات شما مرجع شیعیان يك ساعت دیگر به خانه شما می‌آیند. ولی آیت الله خوئی. (رحمه الله علیه). فوراً نجف را ترك گفته و به شهر کوفه واقع در يك فرسخی نجف می‌روند تا این عیادت صورت نگیرد. مأمورین بعثی شه‌بانو را به کوفه می‌برند، و با زور او را وارد خانه آیت الله خوئی. (رحمه الله علیه). می‌کنند تا به هر قیمت که شده این عیادت صورت بگیرد، و بتوانند به منظور تفرقه‌اندازی در میان مراجع تقلید از آن بهره‌برداری سیاسی کنند.

آیت الله خوئی (رحمه الله علیه). که خود در محاصره قوای انتظامی عراق می‌بیند که خانه را در محاصره گرفته و شه‌بانو فرح را به حضور ایشان که مرجعی پیر و سالخورده

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۳۴

آورده بودند، ناچار ضمن سخنانی از ملکه ایران می‌خواهند که به شاه بگوید دست از لجبازی و مبارزه با ملت بردارد و جلوی آن همه خون‌ریزی‌ها را بگیرد و از این قبیل سفارش‌ها ...

ولی همان موقع در بوق‌های تبلیغاتی خود چنین وانمود کردند که شه‌بانو در تشریف به نجف اشرف برای زیارت روز عید غدیر با حضرت آیت الله خوئی. (رحمه الله علیه). ملاقات کرد و از ایشان که بیمار بودند عیادت نمود.

حضرت آیت الله خوئی. (رحمه الله علیه). نیز برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از این صحنه‌سازی و بازی‌های سیاسی تلفنی خلاصه ماجرا را به آیت الله شیخ محمد باقر آشتیانی روحانی بزرگوار و محترم نامی تهران اطلاع می‌دهند تا طی اعلامیه به آگاهی مردم مسلمان ایران می‌رسانند که ذیلاً از نظرتان می‌گذرد:

اطلاعیه

مکالمه تلفنی حضرت آیت الله خوئی مدظله

بسم الله الرحمن الرحيم

طبق اخبار واصله عبادت غیر مترقی که در روز عید غدیر از این جانب به عمل آمده است مورد تفسیرهای مختلف گردیده و بعضی آن را بر محمل‌های غیر صحیح حمل نموده‌اند. بدین وسیله اعلام می‌نمایم: که ما بر حسب وظیفه شرعی موقع را مغتنم شمرده مقاصد مشروع و خواسته‌های ملت نجیب و ملت مسلمان ایران را تذکر داده و شدیداً نسبت به حوادث ناگوار و فجایی که در کشور ایران رخ داده اعتراض نمودیم ما به عنوان حکم شرعی به تمام برادران مسلمان بالخصوص حوزه‌های علمیه قم و مشهد و سایر حوزه‌های علمیه اعلام می‌نمائیم: با ایجاد اختلاف بمانه به دست دیگران ندهند و از جان و مال و ناموس مسلمانان محافظت نمایند (و بیانیه مشروح ما به نظر علمای اعلام دامت تأییداتهم و برادران دینی

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۳۵

دامت توفیقاتهم خواهد رسید).

خداوند عزوجل عموم مسلمانان را در کنف حراست خود محفوظ فرماید. و السلام علیکم و علی جمیع اخواننا المؤمنین و رحمه الله و برکاته.

مُحَمَّدُ باقر آشتیانی

۲۴ حج ۱۳۹۸

بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقه الاسلام آقای شیخ الاسلام آقای شیخ حسن ابراهیمی دامت تأییداته به عرض می‌رساند انشاء الله تعالی در کمال صحت و سلامتی موفق بوده و خواهید بود، مرقوم مورخ ۸ / ۲ / ۶۱ که حاکی از سلامتی بوده موفق بوده در ماه مبارك واصل و موجب خوشوقتی گردید قبوض مطلوبه لفاً ارسال می‌شود، اما موضوع انگشتر و نامه افترا و جعل محض است و انشاء الله تعالی در برابر محکمه عدل الهی مفتری و جعل کننده به جزای خود خواهد رسید.

در خاتمه از دعا فراموشتان نمی‌نمائیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

الخوئی

فی ۱۲ / رمضان المبارک ۱۴۰۷ هـ -

تاریخ: آبان ۱۳۵۷

اعلامیه آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). به مناسبت اوج انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات مراجع و علماء اعلام ادام الله برکاتهم. ملت غیور و مسلمان ایران. حوادث اخیر موجب تأثر عمیق اینجانب گردید. با تألمات شدید روحی در

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۳۶

سنین اواخر عمر ناظر صحنه‌های اسف‌انگیز آن هستیم، ما در گرفتاری‌ها، مصائب، حوادث دلخراش و مبارزه ملت بر علیه استبداد برای بدست آوردن حقوق و برطرف ساختن ظلم، خود را شریک می‌دانیم. سوء سیاست دولت‌های سابق پیروزی از مرام استبداد، اهمال اراده ملی، اسقاط شخصیت روحانیت، زیر پا نهادن مقدّسات دینی و مقررات مذهبی، پیروی از رفتار ضد دینی و ضد اخلاقی و ضد اسلامی عدم التزام به قانون اساسی و هیچ‌گونه قانون دیگر تمام این اعمال نتایجی به وجود آورده است که آثار شوم و اسف‌انگیز آن تمام کشورها را فراگرفته است.

ما در گذشته عواقب وخیم این نوع سیاست را به زمامداران گوشزد نموده‌ایم. مراجع و علما نیز در این باره نهایت. جدیت را اعمال ولی متأسفانه از قبیل زمامداران کمترین توجهی به آن نکرده‌اند.

دولت‌های ضد ملی بر خلاف اصول شرعی و اخلاقی و بر خلاف نص قانون اساسی دشمنان دین و ملت را فرقه ضاله بهائی و یهود و دیگر عمال بیگانگان کسانی که به هیچ وجه رابطه دینی میان آنان و ملت ایران یافت نمی‌شد در مراکز حساس دولتی گماردند موضوع فساد و ریشه دوانیدن در تمام مراحل اداری به به قدری وسیع و واضح بود که زمامداران خود را مجبور به اعتراف به آن دیدند. این مفاسد غالباً ناشی از روش مستبدانه زمامداران بوده که در طول این مدت به سبب عدم توجه به اصلاح وضع و رسیدگی به افکار عمومی ملت مسلمان ایران به حوادث تأسف‌آور منجر شد. اینجانب در این مدت مکرراً به زمامداران لزوم اصلاح وضع و رسیدگی به حال مردم و خاتمه دادن به فساد اداری و اجتماعی و آموزشی و غیره را گوشزد نموده، ولی متأسفانه نتیجه‌ای نگرفتیم. اینک که اوضاع کشور به صورت تأسف‌آور فعلی در آمده است، از ملت شریف و غیور ملت مسلمان خواستاریم که نه تنها وضع فعلی را در نظر بگیرند بلکه آینده‌ای دور یا نزدیک را نیز

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۳۷

مورد رسیدگی قرار دهند. از ملت می‌خواهیم با شجاعت قدم برداشته ولی با حفظ کامل موازین شرع و در تمام مراحل از علمای اعلام و قاطبه مراجع معظم تقلید تبعیت و پیروی کنند و در خلال مبارزه با ظلم و فساد مجالی برای متعزّین و سوءاستفاده کنندگان باز نکنند. از دولت می‌خواهیم که از تجارب تلخ گذشته استفاده کرده و در مقابل خواسته‌های مشروع و عادلانه علمای اعلام و مراجع تقلید و ملت غیور و مسلمان ایران تسلیم باشند. از علمای اعلام و مراجع تقلید دامت برکاتهم خواستاریم که در این روزهای حساس، دولت و مردم را به وظایف شرعی خودشان آشنا نموده و نصیحت

کرده و همگی را به احترام جان و مال مسلمین دعوت نمایند. خداوند همگی را توفیق داده و اصلاح نموده و رفع نگرانی و موجبات آن را از تمام مسلمین و کشور آنان برطرف بفرماید.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

ذیحجه الحرام ۱۳۹۸.

رفراندوم جمهوری اسلامی

حضرت آیت الله العظمی خوئی در جریان همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی در ۹ فروردین سال ۱۳۵۸ مسلمانان را به شرکت گسترده در آن و رأی دادن به جمهوری اسلامی فراخواند.^{۲۰}

در تاریخ ۱۲ فروردین ماه سال ۱۳۵۸ طی رفراندومی با ۹۸٪ از آرا مردم جمهوری اسلامی ایران رسماً اعلام و مستقر گردید.

- نقش آیت الله خوئی (رحمه الله علیه) در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، آن مرجع بزرگ به جواز صرف حقوق شرعی در خوراک و پوشاک رزمندگان اسلام فتوا داده و بسیاری از مواد دارویی و

غروب خورشید فقاهت، ص: ۱۳۸

^{۲۰} اسلامی، غلامرضا، غروب خورشید فقاهت، ۱ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۳ ه.ش.

بهداشتی که از کشورهای خلیج فارس برای کمک به رزمندگان اسلام به ایران فرستاده می شد بیشتر از سوی وکلا و مقلدین ایشان بود. نیز اکثر جوانان عراقی که خود را در جنگ تسلیم رزمندگان اسلام می نمودند از مقلدین ایشان بودند و حتی در صورت اجبار بنا بر فتوای آن عالم بزرگ بسوی نیروهای ایرانی شلیک نمی کردند و مهمترین موضع ایشان در خلال جنگ تحمیلی عدم توافق با رژیم جنایتکار صدام بود. با این که نظام ددمنش و ستمپیشه صدام با تمام امکانات درصدد برآمده بود تا از آیت الله فقید يك سطر تأیید به نفع خویش و بر علیه نظام جمهوری اسلامی بگیرد.

و در این راستا از بازداشت، تبعید، به شهادت رساندن و اعمال فشار به اطرافیان و نزدیکان و شاگردان ایشان استفاده کرد. تا آن جا که برجسته ترین شاگردش آیت الله سید محمد باقر صدر (رحمه الله علیه). و خواهر مظلومه اش بنت الهدی و ۲۳ تن از خاندان آیت الله حکیم را که بسیاری از آنان جزء شاگردان معظم له بودند را به شهادت رسانید و بیش از شروع جنگ تحمیلی نزدیک به ۵۵ نفر از بزرگان شاگردانش را در نقاط نامعلومی زندانی نمودند. اما معظم له کوچکترین کلام و کوتاهترین نوشته ای را که رژیم بعث بتواند از آن بهره برداری کند صادر ننموده و با تمام شجاعت در مقابل اذیت، آزار و فشارهای رژیم صدام ایستادگی کرد.

در روزنامه حزب الدعوه الاسلامیه مورخه ۱۳ رجب. ۱۴۰۱ آمده است که:

محاصره منزل آیت الله خوئی (رحمه الله علیه) توسط نیروهای رژیم بعثی عراق ادامه دارد. طارق عزیز که قصد ملاقات با معظم له را داشت با مخالفت شدید ایران روبرو شد، حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه). فرمودند: کسی که دستش به خون شهید آیت الله صدر آغشته است هرگز با او ملاقات نمی کنم.

توجه خوانندگان محترم را به سؤالی که از مرحوم شهید سید محمد باقر صدر در مورد مرحوم آیت الله العظمی خویی (رحمه الله علیه). استاد ایشان شده است جلب می کنیم:

در حدود ۲۰ سال پیش یعنی در سال ۱۳۹۶ هجری سؤال از حضرت آیت الله

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۳۹

الشهید سید محمد باقر صدر (رحمه الله علیه). شد که مضمون آن این است:

روشن است که حضرت عالی از قدیم علاقه خاصی به حضرت آیت الله العظمی آقای خویی (رحمه الله علیه). داشته و دارید، اما بعضی مسموعات وجود دارد که ممکن است بعضی ها در شك و تردید نسبت به علاقه شما به معظم له باشند. لذا تصمیم گرفتیم که شخصاً از حضرتعالی این سؤال را کرده باشیم. لطفاً پاسخ آن را بدهید.

و پاسخ ایشان این بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً اینجانب از این که این سؤال را مطرح کردید سپاسگزارم. چون به من این فرصت را دادید آن چه به او اعتقاد دارم بیان کنم و برای شما بازگو کنم و از جهتی متأثرم که چرا باید این گونه مسائل شك و تردید آور در جامعه اسلامی ما مطرح شود. اینجانب علاقه شدید و وافر به بزرگ ما و استاد ما، سند و پشتوانه علمی ما حضرت آیت الله العظمی خویی (رحمه الله علیه). دارم. استادی که چشم به نور معنویت درس ایشان روشن و طعم حلاوت و شیرینی معرفت را از محضر ایشان چشیدم و می شود گفت که بهترین نعمت های الهی که همان ایمان و علم است و اگر خداوند متعال این نعمت ها را برای من ارزانی داشته است، این از فضل و الطاف استادم می باشد .. آن چه من دارم قطره ای از دریای بی کران علم ایشان است و به حق می شود که ایشان پدر روحانی من است.

و اگر کسی بخواهد که از این حقیقت چشم پوشی کند، یعنی حقیقت ایشان را در نظر نگیرد و آن را به من نسبت بدهد برای این که نظر معظم له را از من برگرداند، یعنی نظر پدر نسبت به فرزندش و یا جایگاه فرزند نسبت به پدر سوء استفاده کند، اینجانب فرصت را غنیمت شمرده و با وضوح هرچه تمام تر عرض می کنم، برخورد

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۴۰

من با ایشان برخورد فرزند با پدر است. برخورد شاگرد و استاد، برخورد يك طلبه و مدرّسش و یا مرجع تقلیدش. و برای چندمین بار این را عرض کردم و به تمامی شاگردان و مردم و مسئولین امر این معنی را توضیح دادم و تأکید کردم و گفتم که از کسی راضی نیستم مگر این که این معنی را قبول کند و به آن جامه عمل بپوشاند که من شاگرد و ایشان استاد هستند و اگر کسی خواست به نام این جانب بین من و ایشان جدائی و مسئله درست کند که این خودش باعث ناراحتی و آزردهی خاطر اینجانب است زیرا من معتقدم که در شأن و صلاح رابطه من با ایشان نیست. باید رابطه فرزند و پدری محفوظ بماند و هرکس از این راه و روش من خارج و مخالفت کند درست به خلاف فکر و اعتقاد من عمل کرده است چون دو مطلب است که باید تذکر بدهم اول این که مسئله نظر و استنباط فهمی و اصولی محفوظ بماند و دوم مسئله

مرجعیت شیعه است که هر چه بیشتر باید تقویت شود، تا مردم آن را حسن ظنّ که دارند به جای خودش باقی بماند و از مسائلی که اختلاف‌انگیز است جدّاً خودداری کنند.

در خاتمه از خداوند متعال خواستارم که سایه پر مهر پدر روحانی‌ام را از سر ما کوتاه نفرماید.

و به من توفیق بدهد که وظایف فرزندی را درست انجام بدهم.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

مُحَمَّدُ باقر صدر

- نقش آیت الله خوئی (رحمه الله علیه). در قیام شیعیان عراق

به دنبال تهاجم صدام مورخه: ۱/ اوت/ ۱۹۹۰ م به کویت و حمله همه‌جانبه کشورهای غربی به عراق و کویت، و پس از تخریب و ویرانی شهرها و کشتار مردم و نابودی منابع نظامی، اقتصادی این کشور و سرکوب و اخراج عراق از

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۴۱

کویت بود که مردم به ستوه آمده از ظلم و ستم صدام در شب نیمه شعبان ۱۴۱۲ ق، در کنار مرقد مطهر سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین. (علیه السلام). با مشاهده آیت الله فقید، بعضی که سال‌ها گلویشان گیر کرده بوده، ترکید و فریاد تکبیر سر دادند و برائت و بی‌زاری خویش را او نظام حاکم اعلام نمودند.

آیت الله خوئی (رحمه الله علیه). با تعیین يك هیئت نه نفره حرکت مردمی را جهت بخشید. و با صدور اعلامیه در ۱۸/ شعبان مجاهدین را به رعایت احکام شرعی و عدم تندروی و عمل به موازین اسلامی دعوت نمود.

اما پس از چندی با هجوم وحشیانه رژیم به شهرها و قتل عام بی سابقه و سیوعانه ساکنین آنها و سکوت معنادار کشورهای غربی و مجامع جهانی و سازمان‌های حقوق بشر و با اهانت و جسارت به عتبات مقدسه و تخریب آنها در کربلا و نجف و دستگیری آیت الله خوئی، شعله‌های قیام به سردی گرائید.

گارد جمهوری عراق در سحرگاه چهارشنبه سوّم رمضان ۱۴۱۲ از سه جانب به نجف حمله برد و خانه مرجع عالیقدر را محاصره نمود و دهها نفر از کسانی را که برای حفاظت از بیت معظم له گرد آمده بودند به خاک و خون کشید و صدها نفر از اعضای بیت مرجع بزرگوار، علمای اعلام، طلاب و فضلا- و از جمله آنها عده‌ای از خاندان بحر العلوم، آل خراسان و آل خلخال را دستگیر نموده و به زندانها روانه کرد.

دستگیر و تبعید حضرت آیت الله خوئی

پس از وحشی‌گری‌ها، حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه) و عده‌ای از بستگانش را با تهدید و اجبار با هلی کوپتر برای دیدار با صدام به بغداد روانه کردند. و از او خواستند تا در صفحه تلویزیون ظاهر شده و از مجاهدین بخواهد تا سلاح‌های

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۴۲

خویش را زمین گذارند و به دستورات رژیم گوش فرا دهند. با این که ایشان از قبول این خواسته سرباز زدند اما وسائل تبلیغاتی صدام سخنان مرجع بزرگوار را با تحریف نقل کردند.

پس از این، معظم له و همراهانش را در خانه‌ای زندانی نموده و تحت نظر قرار دادند. در پی این اعمال. بی شرمانه جهان تشیع و تسنن یکپارچه برآشفته و فریاد اعتراض سر داد.

مراجع عالیقدر تقلید، رهبر معظم انقلاب، نهادها و سازمان‌ها، شخصیت‌ها و مردم ایران و پاکستان و لبنان و هندوستان و مسلمانان کشورهای دیگر، همه اهانت و جسارت به ساحت قدس، حوزه علمیه نجف و مرجعین علمای شیعه را محکوم کردند و خواهان آزادی و رفع حصر از مرجع فقید شدند.

اما جنایتکاری مانند صدام به جای آن که در مقام عذرخواهی برآید و ایشان را محترمانه به حوزه علمیه نجف برگرداند، به کوفه تبعید نمود در آن جا تحت نظر قرار داد و در ملاقات مردم با وی سخت‌گیری نمود. تا سرانجام آن مرجع بزرگ با دلی غمگین و قلبی اندوهگین به دیدار پروردگارش شتافت.

بازتاب‌های دینی، سیاسی انتقال زعیم حوزه علمیه «امام خوئی (رحمه الله علیه)» از نجف به بغداد

- تظاهرات اعتراض‌آمیز:

در اعتراض به بازداشت حضرت امام خوئی (رحمه الله علیه). از منزلشان در نجف اشرف و

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۴۳

توقیف ایشان در بغداد، تظاهرات اعتراض‌آمیز شدیدی کشورهای هند، پاکستان، کنیا، تانزانیا، ماداگاسکار، آمریکا و کانادا را فراگرفت.

همچنین عراقی‌های مقیم شهر لندن همراه با علماء در اعتراض به جنایات صدام در ربودن و بازداشت نمودن حضرت امام خوئی (رحمه الله علیه). و همراهان ایشان، و برای آزادی دو شهر نجف و کربلا از ویرانی وسیع ناشی از بمباران نیروهای صدامی، تحصن کردند.

رابطه علمای دین در عراق برای شکستن محاصره شهرهای کربلا و نجف جهانیان را فراخواند سخنگوی رابطه (علمای دین در عراق) رأی عمومی و دولت‌های جهان را به دخالت سریع نزد، نیروهای رژیم بغداد برای رفع محاصره نظامی دو شهر کربلا و نجف ورود واحدهای هلال احمر به شهرها برای کمک و امداد رسانی به مجروحان و انتقال ده‌ها تن از قربانیان که در دو روز گذشته در نتیجه حمله پیاپی و بمباران شدید شهر کربلا و حرم مطهر امام حسین. (علیه السلام). و ابوالفضل. (علیه السلام). صورت گرفته فراخواند.

سید مصطفی قزوینی تأکید کرد: اخبار موثقی از داخل عراق حاکی است که گارد جمهوری از گازهای شیمیایی برای سرکوب مردم و انقلابیون در دو شهر نجف و کربلا استفاده کرده است و این دو شهر در حال حاضر با قطع برق و آب نوشیدنی رو به رو است.

متن فتوی آیت الله خوئی دام ظلّه به مناسبت انتفاضه و قیام مردم عراق

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان مؤمن و عزیزم:

سلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ

سپاس خدای را عزوجل به خاطر الطاف و نعمت‌هایش و درود و سلام بر افضل

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۴۴

انبیائش محمد و خاندان اطہر او.

و بعد: شکی نیست که حفظ اسلام و رعایت مقدسات آن وظیفه هر فرد مسلمان است.

و من از خدای متعال می‌خواهم که شما را در جهت صلاح و منفعت امت اسلامی توفیق نماید. شما را سفارش می‌کنم که با رعایت و مد نظر قرار دادن دقیق احکام شرعی در تمامی اعمال و کردارتان نمونه شایسته‌ای برای ارزش‌های والای اسلامی باشید، خداوند تعالی تمامی اعمالتان را نصب العین شما قرار دهد. حفظ و نگهداری از مملکات و دارایی‌های مردم و اعمال و ناموس آنها و نیز تمامی مؤسسات عمومی بر شما واجب است.

زیرا که آنها از مردم بوده و محرومیت آنها، محرومیت حقوق همگان است.

همچنین از شما می‌خواهم که همه اجساد و پیکرهای کشته‌شدگان را از خیابان‌ها برداشته و طبق موازین شرعی به خاک بسپارند.

و از مثله کردن احدی خودداری کنید زیرا این عمل جزء اخلاق اسلامی ما نیست. همچنین از تصمیم‌گیری فردی و عاجلانه و ناخردانه و بدون بررسی و مطالعه قبلی که به نحوی با احکام شرعی و منافع عمومی تنافی و تضاد دارد، خودداری شود.

خداوند شما را حفظ و رعایت کند و آن چه مورد خوشنودی و رضای اوست توفیق دهد.

«انه سمیع موجب»

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

۱۸ / شعبان / ۱۴۱۱

خوئی

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۴۵

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و به نستعين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

و بعد: این روزها کشور مرحله حساسی را طی می کند که نیازمند حفظ نظام و ایجاد امنیت و استوار و نظارت بر کارهای عمومی و امور دینی و اجتماعی در جهت جلوگیری از خروج منافع عمومی از اداره صحیح که موجب نابودی و تباهی می گردد.

به همین خاطر مصلحت عمومی جامعه اقتضاء می کند که يك هیئت بلند پایه جهت نظارت بر اداره تمام شئون جامعه تعیین گردد، به طوری که رأی آن رأی ما باشد و آن چه از فضلاء و علمائی که در ذیل اسمشان ذکر شده و از نظر

توانایی و حسن تدبیر مورد اعتماد ما هستند، انتخاب نمودیم، لازم است فرزندان مؤمن ما از آنها اطاعت و پیروی کرده و اوامر و دستوراتشان و راهنمایی‌ها و مساعدت‌هایشان در انجام این امر مهم توجه نمایند.

از خداوند عزوجل مسئلت داریم شما را برای ادای خدمتی عمومی توفیق عطا فرماید. خدمت که خدای متعال و پیامبرش را خشنود گرداند.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

۱- سید محی الدین غریقی

۲- سید مُجَدِّدِ رُضَا موسوی خلخالی

۳- سید جعفر بحر العلوم

۴- سید عز الدین بحرالعلوم

۵- سید مُجَدِّدِ رُضَا خراسانی

۶- سید مُجَدِّدِ سبزواری

۷- شیخ مُجَدِّدِ رُضَا شیب ساعدی

۸- مُجَدِّدِ تَقِی خویی

تبصره:

تصمیم گرفته شد که آقای سید مُجَدِّدِ رُضَا خراسانی به هیئت فوق الذکر اضافه شود.

در: ۲۱ / شعبان / ۱۴۱۱ هـ -

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۴۶

- رهبر انقلاب اسلامی جنایت را محکوم می‌کند:

در پی ربوده شدن حضرت امام خوئی. (رحمه الله علیه). از سوی نیروهای بعثی، دفتر مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه‌ای بیانیه‌ای صادر کرد که در آن چنین آمده است:

رژیم جنایتکار عراق به جنایت دیگری دست زده و مرجع بزرگ آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی. (رحمه الله علیه). که از رهبران و زعمای بزرگ حوزه علمیه در نجف به شمار می‌آیند را بازداشت کرده است.

این بیانیه می‌افزاید: رژیم عراق در این اواخر به نوکران سرسپرده خویش در انتهاک حریم مقدس علمای دین و اسائه ادب نسبت به آن‌ها، دستوراتی صادر کرده است.

آیت الله خامنه‌ای از مسئولین جمهوری اسلامی ایران خواستند: در خصوص حوادث اخیر با زیر نظر قرار دادن اوضاع از نزدیک و با دقت، تحقیقات و بررسی‌های لازم را در این زمینه به عمل آورند.

این بیانیه افزود: این حوادث که به روشنی نمایانگر عمق دشمنی و خصومت رژیم عراق با اسلام و مقدسات اسلامی و شعائر مسلمانان است نگرانی و خشم شدید همه مسلمانان را به دنبال داشته است.

***- حجه الاسلام ناصری: بازداشت امام خوئی (رحمه الله علیه) ... تجاوز و تعدی به رهبران دینی است. از سوی حجت الاسلام شیخ محمد باقر ناصری به نمایندگی از جماعت علماء مجاهد عراق تلگراف‌هایی به شیخ جامع ازهر، رئیس رابطه جهان اسلام در جده، مفتی جمهوری عربی سوریه، رهبری جنبش نهضت اسلامی تونس، رهبری جنبش نجات اسلامی در الجزایر، رهبری جبهه ملی اسلامی سودان فرستاده شد. وی آنان را از بازداشت شدن مرجع شیعیان جهان امام خوئی. (رحمه الله علیه). که بیش از ۹۲ سال از عمر پربرکتشان می‌گذرد و از کشته شدن هزاران تن از علماء و

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۴۷

دانشمندان و مومنان مسلمان عراق توسط نیروهای بعثی حاکم بر بغداد آگاه و مطلع ساخت.

وی افزود این عمل مذبحخانه، اهانت و تجاوزی آشکار به تمامی رهبران روحی و رسالت‌های آسمانی، و طغیان بر ارزشهای دینی و اخلاقی انسانی است. وی اظهار امیدواری کرد مخاطبین بتوانند وظیفه اسلامی خود را در محکوم کردن اعمال رژیم جنایتکار و یاری رساندن به ملت مسلمان عراق تا رهایی از رژیم خون‌آشام به انجام رسانند.

ایشان به همین مناسبت تلگراف مشاهی به جناب پاپ یوحنا بولس دوم فرستاده و برای تقبیح و محکوم کردن تصرفات رژیم وحشی صدام و مشارکت در پشتیبانی از مبارزات مردم عراق برای رهایی از رژیم قاتل و تحقق اراده ملت، چه مسلمان و چه مسیحی در همزیستی برادرانه، دعوت کرد.

تحصن در نیویورک:

روز شنبه مطابق با ۲۳ / ۳ / ۹۱ میلادی جمع زیادی از مسلمانان عراق مخالف با رژیم صدام در مقابل سازمان ملل متحد در شهر نیویورک تحصن کرده و خواستار آزادی، مرجع اعلای امام خوئی. (رحمه الله علیه). توسط رژیم و توقف حمله مذبحخانه علیه ملت بی سلاح شدند. در این تحصن صدها تن از فرزندان خانواده‌های مسلمان مقیم آمریکا و در رأس آنها آقایان علماء، ائمه مساجد شهرهای آمریکای شمالی شرکت داشتند.

در این حال شبکه‌ها و کانال‌های تلویزیونی آمریکا خبر تحصن را پخش کردند، این سوّمین تحصن است که صورت می‌گیرد.

همچنین روز ۶ / ۴ / ۹۱ راهپیمائی بزرگی به مناسبت سالگرد شهادت مرجع بزرگ شهید صدر از مقابل ساختمان ملل متحد به راه خواهد افتاد و در آن مسلمانان مقیم آمریکا به عنوان هم دردی با فرزندان ملت عراق در مصیبت بزرگشان و هم صدا

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۴۸

شدن در براندازی حاکمیت صدام کافر شرکت خواهند کرد.

خانم سیده مریم خوئی: صدام پدرم را ربود.

خانم سیده مریم خوئی دختر امام خوئی (رحمه الله علیه)، در لندن تأکید کرد که صدام طاغوتی دستور ربودن پدرم امام خوئی (رحمه الله علیه) و مجبور کردن او برای حضور بر صحنه تلویزیون جهت اغراض تبلیغاتی را صادر کرده بود.

ایشان طی گفتگویی با شبکه خصوصی (ای. تی. ان) انگلستان گفت: سربازان عراق پدرم را با زور ربودند.

همچنین وی افزود: نیروهای سلطه‌گر عراقی وی را مورد اهانت و شتم قرار داده‌اند.

اعتراض رسمی:

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران کاردار بعث سفارت عراق را در تهران احضار کرده و طی نطق شدید اللحني، اعتراض جمهوری اسلامی ایران را نسبت به بازداشت آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله عليه) و هتك حرمت علمای دینی و حوزه علمیه نجف اشرف را به او ابلاغ کرد.

حسین شیخ الاسلام معاون وزیر امور خارجه نگرانی شدید جمهوری اسلامی ایران را در خصوص سلامتی آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله عليه) ابراز داشته و خواستار رفع فشارها نسبت به علماء و بویژه مرجع عالیقدر امام خوئی (رحمه الله عليه) شد.

متن پیام حضرت آیت الله العظمی آقای گلپایگانی (مدّظله العالی) نسبت به وظیفه مسلمانان در برابر اوضاع اسفبار عراق

بسم الله الرحمن الرحيم

من سمع مناديا ينادي يا للمسلمين و لم يجب فليس بمسلم

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۴۹

اوضاع اسفبار و مصائب دردناکی که مردم مسلمان و مظلوم عراق را احاطه کرده است، قلوب همه مسلمانان را جریحه‌دار و هر انسان با وجدان را شدیداً نگران و ناراحت می‌نماید، سلب آزادی و ایجاد اختناق و قتل عام مردم بی‌دفاع و بی‌گناه با سلاح‌های پیشرفته و بمب‌های آتش‌زا، هتك نوامیس و اعراض و دستگیری شخصیت‌های عالی قدر علمی و اسلامی و تخریب خانه‌ها و کشتار وسیع مردم و جلوگیری از دفن اجساد کشته‌شدگان و مداوای مجروحین و رساندن دارو و غذا به بیماران و گرسنگان و تجاوز و تخریب عتبات عالیات و مشاهد مشرفه و تعرض به آزادی مسکن آیت الله العظمی خوئی، دامت برکاته، و ایداء و آزار و دستگیری ایشان و اطرافیان و بستگان و سایر علماء و شخصیت‌های علمی، حوزه علمیه نجف اشرف، بخشی از جنایاتی که نظام استبدادی صدام علیه مردم عراق با کمال قساوت مرتکب می‌شود.

صدام پس از ویرانی‌ها و جنایت‌هایی که در کویت مرتکب شد و با پیروی از خوی استبدادی و جاه‌طلبی شخصی، ارتش عراق را در معرض چنان شکست ذلت‌بار قرار داد. و افراد و افسران عراق را به تسلیم در برابر بیگانگان مبتلا کرد، ملت عراق را که خواهان حاکمیت بر سرنوشت خود است، و از مظالم حزب بعث و سوء اداره کشور به ستوه آمده، هدف قرار داده و افسران و سربازان باقی مانده عراق را بر ریختن خون برادران و خواهران مجبور نموده است. بدیهی است که در این زمان که مجامع بین‌المللی، مخصوصاً سازمان ملل و شخص دبیر کل ایفاء مسئولیت ننموده و به استغاثه مردم مظلوم عراق پاسخ نمی‌دهند، و برای جلوگیری از این همه کشتار و خونریزی و تخریب قدمی بر نمی‌دارند، مردم آزاده جهان عموماً و مسلمانان برحسب اخوت اسلامی خصوصاً نباید و نمی‌توانند بی‌تفاوت باشند و لازم است به هر صورت مناسب و ممکن همدردی و مشارکت خود را در مصائبی که بر ملت عراق از سوی نظام بعثی صدام وارد می‌شود اظهار و برای پایان یافتن این مظالم تلاش و اقدام نمایند، و از مجامع بین‌المللی و دولت‌های خود بخواهد که با

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۵۰

فشارهای سیاسی و اقدامات لازم برای خاتمه دادن به جنایات صدام و ننگ و عارهایی که جامعه مسلمین را به آن مبتلا ساخته و عمل نمایند. با توجه به مراجعات مکرر برادران دینی از انحاء عالم جهت کسب تکلیف شرعی، ضمن تشکر و تقدیر از مسلمانان در ممالک اسلامی و غیر اسلامی که حمایت صریح خود را از قداست اعتبار مقدسه و حوزه علمیه نجف اشرف و مقام شامخ مرجعیت و روحانیت اعلام داشته، در این موقعیت با تظاهرات و راهپیمایی و اقامه مجالس دعا و غزا با برادران مسلمان عراقی خود همدردی نموده‌اند بر همگان ابلاغ می‌نمایم که اقدامات خود را به هر نحوی در سطوح مختلف تا رفع خطر از وجود محترم حضرت آیت الله آقای خوئی دامت برکاته و آزادی کامل معظم له و پیروزی مردم عراق و پایان استبداد صدام ادامه دهند. و از ارسال کمک دارویی و غذائی کوتاهی ننمایند.

در خاتمه به روان آن عزیزانی که در تمامی مناطق عراق در کربلای معلّی و نجف اشرف به سعادت شهادت نائل شده‌اند، درود فرستاده و برای بازماندگان عزیزان شهید و عموم ملت عراق اجر جزیل و صبر جمیل و مزید شهادت و استقامت از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

ولاحول ولا قوه الا بالله العلی العظیم

مُجَدِّدِضَا مِوَسُوٰی كَلْبَايْكَانِي

- از سوی علمای اعلام در تهران بیانیه‌ای صادر شد که در آن جنایت و فجایع دردناک نیروهای رژیم حاکم علیه ملت و کشتار هزاران تن از مسلمانان بی‌گناه و اهانت به عتبات مقدسه اهل بیت. (علیه السلام). در شهرهای کربلا و نجف و بازداشت مرجع شیعیان حضرت امام خوئی (رحمه الله علیه) محکوم شده است. در این بیانیه آمده است نیروهای بعثی با تجاوز و انتهاک آیت الله العظمی (امام خوئی (رحمه الله علیه)) و انتقال جبری ایشان

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۵۱

همراه با جمعی از علمای اسلام به بغداد با هدف خشکانیدن ریشه‌های حوزه علمیه که تاریخی هزار ساله دارد، برگه سیاه دیگری بر پرونده جنایت خود افزودند.

این بیانیه افزود: مسلمانان هرگز چنین جنایتی از سوی رژیم معاند با اسلام را، تحمل نخواهند کرد.

در این بیانیه از ملت مسلمان ایران خواسته شده است همراه با مرجعیت و رهبری شیعه و حوزه‌های علمیه حرکت کرده و به هر شکل ممکن انزجار و نفرت خود را در قبال جنایات نیروهای بعثی اظهار نموده و آنرا محکوم کنند. این بیانیه توسط اشخاص زیر به امضاء رسید:

۱. احمد حسینی شهرستانی

۲. ضیاء الدین استرآبادی

۳. سید رضا صدر

۴. سید علی لواسانی

۵. ریحان الله نخعی گلپایگانی

۶. غلامحسین جعفری همدانی

۷. سید رضا شیرازی
۸. مُجَدِّدِ حَسَنِینِ طباطبائی علوی بروجردی ...
۹. سید مرتضی عسکری
۱۰. سید کمال مرتضوی
۱۱. سید مُجَدِّدِ مَهْدِی مَوسَوِی خَلخالی
۱۲. مُجَدِّدِ بَاقِرِ مَوسَوِی خَوانساری
۱۳. سید جمال الدین مَوسَوِی مَلایری
۱۴. مُجَدِّدِ تَقِی هِرندی
۱۵. سید اسماعیل مرعشی
۱۶. مَهْدِی حائِری تهرانی
۱۷. احمد مجتهدی تهرانی
۱۸. سید مُجَدِّدِ رِضا عَلوی
۱۹. مُجَدِّدِ تَقِی شَرِیعتمداری
۲۰. عبدالجلیل جلیلی
۲۱. محمود انصاری قمی
۲۲. عبدالرضا روحانی فوچانی
۲۳. مُجَدِّدِ رِضا جَعفَری
۲۴. مُجَدِّدِ صَادِقِ جَعفَری

۲۵. سید جعفر مرغانی

۲۶. سید جعفر مرغانی

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۵۲

۲۷. ابوطالب فاضلی خوئی

۲۸. سید مُجَدِّد حسین خوئی

۲۹. مرتضیٰ حکمی

۳۰. سید علی گلپایگانی

۳۱. محسن محدث زاده قمی

۳۲. سید هادی طباطبائی قمی

۳۳. عباس مرندی

۳۴. سید محسن خلخالی

۳۵. سید نورالدین طاهری

۳۶. سید نورالدین شہرستانی

۳۷. منصور عاصمی

۳۸. رضا لطفی

بیانیه مهم:

به عنوان تفسیر خبر منتشر شده از برخی خبرگزاریها و شبکه‌های تلویزیونی به نقل از خبرگزاری عراق و پخش صحنه‌هایی از دیدار امام سید ابوالقاسم خوئی (رحمه الله علیه) و صدام، حاکم رژیم عراق نظر جهانیان را به نکات زیر جلب می‌کنیم.

۱. در تاریخ مرجعیت سابقه ندارد يك مرجع دینی به زیارت رئیس دولتی در مقرّ رسمی او رفته باشد.

۲. آنچه که امروز برای حضرت امام خوئی اتفاق افتاد و حضور ایشان در مقر صدام دلیلی روشن بر ربودن و بازداشت کردن ایشان بوسیله گارد مخصوص ریاست جمهوری عراق است.

۳. منابع ویژه ما اعلام کردند. که رژیم حاکم وحشتناک‌ترین شیوه‌های زور و سرکوب را بر ضد شهرهای مقدس نجف و کربلا مرتکب شده است. این در حالی است که رژیم از انواع سلاح‌های مخرب و ویرانگر همراه با بکارگیری بمب‌های ناپال و بمب‌های فسفوری قابل احتراق که از سوی مجامع بین المللی تحریم شده است، استفاده کرد.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۵۳

۴. ما با توجه به مسئولیت‌مان از جهان اسلام و تمامی کشورهای علاقه‌مند به صلح می‌خواهیم تا موضع‌گیری قاطعی در قبال رژیم وحشی اتخاذ کنند. رژیمی که سعی در پنهان نگاه داشتن شکست ذلت‌بارش دارند، و به مرجعیت دینی (امام خوئی (رحمه الله علیه)) که دهها میلیون پیرو مسلمان در جهان دارند. و بر ملت بی‌چیز و مسلح به ایمان و عقیده قدرت‌نمایی می‌کند، لذا کلیه علماء و رؤسای دینی در لندن از تمام مسلمانان و آزادگان جهان و دولت‌هایشان، سازمان‌های بین المللی، دبیر کل سازمان ملل متحد و شورا امنیت می‌خواهند تا در جهت جلوگیری از فجایع اقدام عاجلانه نموده و برای نجات جان و کرامت مرجع. اعلاای دینی امام خوئی و سایر علماء اعلام دست به واکنشی سریع بزنند.

۱. حاج اصغر علی جعفر (رئیس سازمان جهانی خوجه در لندن)

۲. سید باقری (نماینده اداره جعفری لندن).

۳. سید حسین صدر (رئیس مرکز آموزشی اسلامی تبلیغ و خطابه در لندن).

۴. سید حسین موسوی (نماینده امام گلپایگانی در لندن)

۵. شیخ علی عالمی (نماینده امام خوئی (رحمه الله علیه) در لندن).

۶. سید فاضل میلانی (نماینده امام خوئی در لندن).

۷. سید محمد بحر العلوم (دبیر کل مرکز اسلامی اهل البیت (علیهم السلام) در لندن).

۸. شیخ محمد غروی (نماینده مرکز رسول اعظم. (صلی الله علیه وآله و سلم). در لندن).

۹. دکتر سید محمد علی شهرستانی (رئیس هیئت امنای دانشگاه بین‌المللی علوم اسلامی در لندن).

بسم الله الرحمن الرحيم

به: برادران مؤمن در سراسر جهان

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۵۴

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

شهر نجف اشرف و کربلای مقدسه این روزها شاهد يك موضعگیری خصمانه و زورگویانه از سوی نیروهای ظالم و ضد بشری رژیم صدام در تجاوز به حرمت‌های اسلامی و عدم توجه به اصول و مبادی انسانی و استمرار در بمباران عتبات و امکان مقدس و کشتار مومنان بی‌گناه با توپ‌های سنگین و جنگنده‌های ویرانگر می‌باشد.

و در این زمینه برخی از شبکه‌های تلویزیونی صحنه‌هایی از بمباران و تخریب قسمت‌هایی از مرقد مطهر حضرت ابوالفضل العباس. (علیه السلام). و صحنه‌هایی از کشته‌شدگان در حرم مطهر امام حسین. (علیه السلام). را به نمایش گذاشته‌اند.

طبق فرمایشان حضرت آیت الله خوئی. (رحمه الله علیه). که در بیانیه مورخ ۱۸ / شعبان / ۱۴۱۱ در خطاب به مومنان آمده است: برای من شکی نیست که حفظ و صیانت اسلام و رعایت مقدسات آن امری واجب بر هر مسلمان است. و من از خدای تعالی می‌خواهم که شما را در جهت صلاح و منفعت امت اسلامی توفیق دهد، شما را توصیه می‌کنم که با رعایت دقیق احکام شرعی در کارهایتان نمونه‌ای شایسته برای ارزش‌های والای اسلامی باشید. خداوند تبارک و تعالی

همه کارهایتان را نصب العین شما قرار دهد. ما از تمامی مومنین در سراسر جهان می‌خواهیم که اهمیت این وضع را درک نموده و برای سرکوب دشمن تجاوزگر و جلوگیری از استمرار تجاوز ظالمانه‌اش حرکت کنند زیرا امروز روز سکوت کردن و تأمل نیست بلکه روز بسیج تمامی کوشش‌ها بر علیه ظلم و ستم و طغیانگری بر اساس موازین شرعی است.

در پایان از خداوند بزرگ می‌خواهیم تا پیروزی را طبق وعده صریحش نصیب برادران گرداند.

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۵۵

(و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون).

مؤسسه خیریه امام خوئی. (رحمه الله علیه).

لندن: ۳۰ / شعبان / ۱۴۱۱

مسلمانان لبنان بازداشت امام خوئی. (رحمه الله علیه). را محکوم می‌کنند^{۲۱}

پس از ادای نماز جمعه در قسمت غربی بیروت و حومه جنوبی آن به عنوان اعتراض به بازداشت امام خوئی. (رحمه الله علیه). راهپیمای شلوغ و پرجمعیتی از چند مسجد به راه افتاد. در این راهپیمایی پرجمعیت که به دعوت جنبش آمل و حزب الله در حومه بیروت صورت گرفته بود، عکس‌هایی از امام خوئی. (رحمه الله علیه). و پلاکاردهایی که خواستار آزادی فوری ایشان و دیگر علماء است، به چشم می‌خورد.

در این میان تظاهرکنندگان شعارهایی از قبیل (الموت لصدام) علیه رژیم عراق سر می‌دادند. همچنین سخنوران و خطیبان نماز جمعه در بیشتر مناطق شیعی و سنی‌نشین ضمن اشاره به جنایات نیروهای رژیم عراق در تجاوز به حرم مقدس آقای خوئی (رحمه الله علیه). آن را محکوم کردند و خواستار تحرك جهان اسلام برای سرکوب رژیم طاغوتی عراق شدند، آنها در مورد

^{۲۱} (۱). الجهاد- شماره ۴۵۸، دوشنبه ۸ / رمضان / ۱۴۱۱ هـ - ق ۲۵ / آذار / ۱۹۹۱ میلادی ..

سکوت جهان غرب و سازمان ملل متحد و سازمان‌های جهانی برای نجات ملت عراق از جنگ ویرانگر رژیم حاکم، اظهار سوال می‌کردند.

در این زمینه علامه سید حسین فضل‌الله، در خطبه‌های نماز جمعه که در مسجد امام رضا (علیه السلام) ایراد گردید، جنایت بازداشت آقای خوئی (رحمه الله علیه) و چند تن از نزدیکان ایشان را تأکیدی بر جنایت کار بودن رژیم عراق در کشتار علماء و نابودی

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۵۶

ملت دانست.

فضل‌الله تأکید کرد: آمریکا نسبت به جنایات وحشیانه‌ای که رژیم عراق علیه حرکت اسلامی این کشور و بویژه در دو شهر نجف و کربلا مرتکب شد خشنود است. زیرا این عمل رژیم با اهداف آمریکا در سرکوب حرکت اسلامی عراق منطبق است.

شیخ سعید شعبان رئیس جنبش توحید اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه خود که در شهر ترابلس ایراد گردید به نوبت خود ظلم و ستمی که بر ملت عراق و علماء آن جاری است را محکوم کرد. و تأکید کرد که رژیم صدام ضمن اجرای خواسته‌های آمریکائی‌ها به واسطه سرکوب حرکت اسلامی عراق به طور کامل تسلیم اراده آن‌ها شده است.

اما شیخ ماهر حمود عضو تجمع علمای مسلمان طی گفتگویی اظهار داشت بازداشت امام خوئی (رحمه الله علیه) و بمباران مقدسات اسلامی در جنوب عراق امری است محکوم شده و رژیم صدام بایستی حجم خطراتی که ناشی از جنایات سرکوبگرانه اوست و امت اسلامی را، تحدید می‌کند مد نظر قرار داده و سرنوشت ملت را به دست خود ملت بسپارد.

همچنین مفتی اهل سنت شیخ محمد رشید قبانی طی گفتگویی با صراحت بیان داشت:

باز داشت امام خوئی (رحمه الله علیه) را محکوم کرده و آن را سلسله‌ای جدید از سلسله جنایاتی که رژیم صدام در حق ملت خویش مرتکب می‌شود می‌دانم.

و به همین مناسبت سخنگوی رسمی دعوت اسلامی جناب علامه شیخ محمد مهدی آصفی اظهار داشت: رژیم صدام با ارسال نیروهای نظامی از هوا به داخل بیت امام خوئی (رحمه الله علیه) در شهر کوفه، ایشان را از منزل ربوده و به کاخ

صدام منتقل نمودند. آنان امام خوئی. (رحمه الله علیه). را که ۹۷ سال از عمر پر برکتشان می گذرد به واسطه يك فروند هلیکوپتر به زور به ملاقات با صدام وادار کرده. که این مسئله موجب خشم

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۵۷

میلیون ها تن از مسلمانان جهان شده است. و به همین مناسبت ما مسلمانان جهان را به ابراز خشم و نفرت و محکوم کردن این جنایت به هر وسیله ممکن، چون راهپیمایی های اعتراض آمیز و اجتماعات سیاسی دعوت می کنیم، و از سازمان ملل می خواهیم از انقلاب مردم عراق برای براندازی و سرنگونی این رژیم و آزادی این کشور از کابوس دیکتاتوری صدام پشتیبانی کنند.

شیخ محمد مهدی آصفی

سخنگوی رسمی حزب دعوت اسلامی عراق

۴ / رمضان / ۱۴۱۱ هـ - ق

- خبرهای گوناگون در مرد بازداشت مرجع عالیقدر امام خوئی. (رحمه الله علیه):

موسسه امام خوئی در لندن يك گزارش خبری مفصل از نحوه بازداشت مرجع بزرگ منتشر کرد، که متن آن به این شرح است:

از سوی منابع مورد اعتماد چنین رسید: در بامداد روز یکشنبه ۱۷ / ۳ / ۱۹۹۱ میلادی بمباران رژیم صدام بر نجف اشرف به واسطه توپخانه ها و تانک ها و سلاح های ویرانگر آغاز شد، این وضعیت همچنان با وحشیگری تمام عیار ادامه یافت

که موجب اصابت بخشی از حرم شریف حیدری و حرم امام علی. (علیه السلام). و نتیجه این حمله، وحشیانه زخمی و کشته شدن شمار زیادی، کشته و ویرانی در شهر نجف تا روز چهارشنبه ۲۰ / ۳ / ۱۹۹۱ ادامه دارد.

در این حال حمله پی در پی گارد ویژه جمهوری از سه محور جاده کربلا، نجف، و جاده حلّه نجف، و جاده زمینی از طرف دریاچه نجف به مرکز نجف آغاز شد. در پی این حمله هلیکوپترها از نیروی زمینی پشتیبانی می کردند، و توانستند محل سکونت آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی (رحمه الله علیه). را به محاصره خویش درآورده و خانه‌های اطراف آن را مورد حملات توپ‌های خود قرار دادند که موجب

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۵۸

کشته شدن ده‌ها تن از هموطنان و صدها تن از تجمع‌کنندگان عشایر و اهل علم و ساکنان نجف و تعدادی از افسران و سربازانی که به انتفاضه گرویده بودند و برای حمایت از امام خوئی. (رحمه الله علیه). حضور داشتند، گردید.

پس از آن گروهی از نیروهای کماندوی رژیم به منزل امام خوئی. (رحمه الله علیه). هجوم آورده و پس از تجاوز به منزل ایشان، او را همراه با کلیه معاونینشان از علماء اعلام و نزدیکانش از مرد و زن و کودک بازداشت کرده و به وسیله هلیکوپترهای ویژه‌ای به بغداد منتقل کرده و در زندانی که برای این منظور ترتیب داده شده بود، توقیف می کنند.

حضرت امام خوئی (رحمه الله علیه). در معیت فرزندشان علامه سید محمد تقی خوئی. (رحمه الله علیه). مجبور به ملاقات و دیدار با حاکم رژیم بعث صدام حسین شدند.

صدام پس از تهدید امام خوئی. (رحمه الله علیه). خواست تا مردم را ساکت کرده و از آن‌ها بخواهد سلاح‌هایشان را به زمین اندازند و به دستورات رژیم دست به دوبلاژ و تحریف سخنان امام خوئی در ملاقاتی که با تهدید و اجبار صورت گرفته بود، زدند.

منابع ویژه و مورد اعتماد ما تأکید کردند که سرنوشت علمای اعلام و کسانی که در معیت حضرت امام خوئی بودند همانند برخی از خاندان بحر العلوم و خراسان و خلخال و غیره تا این لحظه معلوم نیست.

همچنین سرنوشت صدها تن از علمای سرشناس آنان حوزه علمیه نجف اشرف^{۲۲} و خانواده‌های سرشناس آنان، همچنان تهدیدآمیز مانده است. این علاوه بر مفقود شدن عده زیادی از مردم و زنان و کودکان خانواده‌های علماء و شخصیت‌های دینی و منازل معروف نجف که به وطن‌دوستی شهرت دارند، همچنین خبرنگار یکی از

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۵۹

روزنامه‌های انگلیسی که اخیراً از نجف دیدن کرده و با امام خوئی ملاقات نموده است اظهار کرد. وضعیت حضرت امام خوئی خیلی نگران کننده به نظر می‌رسد، بطوری که وی شاهد سرخی شدید در چشم‌های معظم له بود و خستگی کامل در ایشان نمایان بود و روشن بود که زیر فشار شدید قرار دارد و این مسئله حاکی از خطر جدی بر سلامتی امام خوئی بود (انا لله و انا الیه راجعون).

- امام خوئی در اقامت جبری بسر می‌برد:

رادیو بغداد شنبه گذشته ۲۳ / ۳ / ۹۱ خبری را پخش کرد که حاکی از دیدار روز جمعه عبد الرحمن دوری، استاندار نجف با امام خوئی در منزل ایشان واقع در نجف اشرف می‌باشد. منابع خاص برای روزنامه جهاد نقل کردند که امام خوئی از بغداد به نجف اشرف انتقال داده شده است، و در اقامت جبری به سر می‌برند. این در حالی است که نیروهای صدام، همچنان به منهدم کردن شهر ادامه می‌دهند. این حرکت از سوی رژیم به عنوان عقب‌نشینی بزرگی حاصل از قدرت فشار اسلامی و تقبیح و محکومیت رژیم از سوی شخصیت‌ها و سازمان‌های اسلامی در سراسر جهان است.

در پی بازداشت سید ابوالقاسم خوئی و جمعی از علمای حوزه علمیه نجف اشرف که از سوی رژیم صدام در بغداد صورت گرفت. بیانیه‌ای از سوی حزب دعوت اسلامی مبنی بر محکوم کردن شدید این جنایت وحشیانه رژیم صدام بر ضد مراجع دین و علماء، صادر شد.

در این بیانیه مسئولیت جنایت‌هایی که بر ضد اسلام و مسلمین در عراق رخ می‌دهد بر عهده صدام و حزب او گذاشته شده است. متن این بیانیه به شرح زیر است:

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۶۰

^{۲۲} (۱). از جمله دستگیرشدگان حضرت آیت الله العظمی سید عبد الأعلى سبزواری است که از علماء و مجتهدین حوزه علمیه نجف اشرف محسوب می‌شوند، عین گزارش دستگیری ایشان به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی مورخه: شنبه، ۱۷ / ۱ / ۱۳۷۰ برابر با ۲۰ / رمضان / ۱۴۱۱ ش، شماره ۳۴۲۸ سال دوازدهم.

بسم الله الرحمن الرحيم

وسيعلم الذين ظلموا ائى منقلب ينقلبون

رژیم صدام در ادامه سیاست‌های خصمانه‌اش، حضرت سید ابوالقاسم خوئی را همراه با جمعی از علمای اعلام و چند تن از افراد خانواده‌اش بازداشت کرده و علی‌رغم میلشان، به بغداد منتقل نموده و وضعیتشان همچنان مبهم و نگران‌کننده است.

ما ضمن محکوم کردن شدید این جنایت مذبحخانه علیه مراجع دین و علماء، مسئولیت هرگونه جنایتی علیه اسلام و مسلمین بر عهده صدام و حزب او خواهد بود.

و از تمامی امت اسلامی، علماء، جمعیت‌ها و رأی عمومی جهان می‌خواهیم تا فریاد بلند خود را جهت متوقف ساختن این اعمال غیر انسانی رژیم سر دهند.

از خدای بزرگ می‌خواهیم این بلا را از سر ملت مظلوم عراق دور کرده و مراجع دین و علماء ربانی را حفظ کند، و مسلمین را مورد تأیید قرار دهد (انه نعم المولى و نعم الوكيل).

حزب الدعوة الاسلاميه

۴/ رمضان/ ۱۴۱۱ هـ -

* ارتحال مرجع عالیقدر شیعه آیت الله العظمی خوئی. (رحمه الله علیه)

آیت الله العظمی خوئی پس از ۹۴ سال زندگی، با بر جای نهادن خدمات بزرگ دینی و دهها آثار جاویدان، با تحمل فشارها و رنج‌ها، دردها و مصیبت‌ها و با مشاهده کشتار تبعید، حبس و ایداء و آزار مردم مسلمان به وسیله رژیم ددمنش و جنایت‌پیشه بعث عراق و پس از یک سال دوری از جوار. جدّ بزرگوارش امیرالمؤمنین و تبعید به کوفه، سرانجام فروغ فروزان زندگانی‌اش در عصر روز شنبه

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۶۱

هشتم صفر ۱۴۱۳ ق ۱۷ مرداد ۱۳۱۷ ش، برای همیشه خاموش شد و مسلمانان را با اندوهی جانکاه مواجه کرد.

او که جدّش حضرت موسی بن جعفر علیّه السلام به طاغوت عصر خود مبتلا شده بود، پس از وفات نیز همانند جدّه مظلومه‌اش حضرت زهرا. (سلام الله علیها). به خاک سپرده شد.

در نیمه‌های شب با حضور مأموران امنیتی رژیم بعث، پیکر پاکش غریبانه و مظلومانه و بدون تشییع، پس از نماز توسط حضرت آیت الله حاج سید علی سیستانی، آقای بروجردی، آقای سید محمد تقی خوئی و دو نفر دیگر در مسجد خضراء سر به تیره تراب سپرد.

انتشار این خبر موجب برقراری حکومت نظامی در نجف و کوفه و آماده‌باش نیروهای نظامی در بغداد، شهرهای مرکزی و جنوبی عراق و منع گردهمایی در این دو شهر و تفتیش افراد و اتومبیل‌ها شده و مأموران حکومتی در نقاط ورودی این دو شهر و اطراف صحن حضرت علی علیه السلام و منزل ایشان در کوفه مستقر شدند و از برگزاری هرگونه مجلس یادبود و گرامی‌داشت از سوی بیت و مقلّدین و وکلای ایشان جلوگیری شد.

اما در ایران، از نخستین ساعات بامداد روز نهم صفر صدای قرآن از رادیو و مآذنه‌های حسینیه‌ها و مساجد پخش شد و از سوی دولت جمهوری اسلامی سه روز عزای عمومی اعلام شد، و تمام در و دیوار شهرها و روستاها سیاه‌پوش گردید، و مردم به نوحه‌خوانی و عزاداری پرداختند.

از سوی رهبر انقلاب، مراجع تقلید و علمای اعلام، رؤسای قوای مجریه، مقننه و قضاییه شخصیت‌ها، نهادها، سازمان‌ها، انجمن‌های اسلامی، هیئت‌های مذهبی، پیام‌های تسلیت صادر و مجالس بزرگداشت بسیار برگزار گردید.

همچنین شعرا به مرثیه‌سرایی و خطبا به سخنرانی در عظمت مقام علمی و

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۶۲

عملی مرجع تقلید فقید پرداخته و در کشورهای مختلف جهان- از هند و کشمیر و افغان و پاکستان و بنگلادش و کویت و سوریه و لبنان و امارات خلیج فارس گرفته تا آمریکا و کانادا و انگلیس و تایلند محافل یادبود مختلفی برگزار شد.

اما او نمرده است. او با این همه خدمات شگرف و آثار جاویدان هرگز نخواهد مرد، که:

«الْعُلَمَاءُ بِاقْوَانِ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ، اَعْيَانُهُمْ مُفْقُودَةٌ، وَ اَمْتَانُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ...».

«در سوگ ارتحال آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم موسوی. (رحمه الله علیه)»

باز آوایی بگوشم شوم و جان فرسا رسید

ز آن خبر گوئی شرر بر خرمن جانها رسید آفتابی منکسب گردید در ابر لحدکز کسوفش تیره گی بر شمه بیضا رسید خشک شد آن بحر موجی ز طوفان اجلان که موج دانشش سرتاسر دنیا رسیدند باد حادثه بشکست نخل باسقیان که گلزار شریعت زاد به استیلا رسید شد خمش آن مشعل ارشاد از باد اجلکز زمین بر آسمان فریاد و اغوئا رسید مرجع تقلید امت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه) آن که صیت علم او تا گنبد خضرا رسید مرغ روحش از قفس سوی جنان پرواز کرد تا ندای «ارْجِعْ» از مبدأ اعلی رسید

غروب خورشید فقاہت، ص: ۱۶۳

دعوت پروردگار خویش را لبیک گفت

تا به جنت دعوتش از خالق یکتا رسید سر قدم بنمود راه وصال یار و رفت بر مقام قرب باری ذات بی همتا رسید ای دریغا شد گریبانی اسیر چنگ مرگتیر غم کز آن به قلب عالی و ادنی رسید ثلمه ای بر عالم اسلام وارد شد عظیمکز خلائق تا بگردون بانگ او ایلا رسید آسمان با مرگ او طومار دانش را درید ای دریغا زین جفاکز چرخ دون بر ما رسید غصه و اندوه و غم تنها نه در دلها نشست بر جهان علم محنتها ز سر تا پا رسید خیز از این خاک سیه ای خاک عالم بر سرماز چه رو پیر خرد منزلگهت اینجا رسید ای درخشان اختر برج فضیلت از چه روزیر سر خشتت به جای بالش دیبا رسید رفتی و با رفتنت شد امتی از غم یتیم جهانی سوگ آن پیدا و ناپیدا رسید رفتی و با رفتنت فضل و ادب شد بی پدرز آن اسف شور شعار خلق بر شعرا رسید رفتی و آتش زدی بر کلک و بر دفتر مراجای مهر طلعتت در قلب من غمها رسید

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۶۴

آسمان را ذکر شد «یا لیتنی کنت تُراب»

تا ترا بر خاک سرد آن لحد اعضا رسید «یک دهان خواهم به پهنای فلك» تا گویمتاز فراغت درد و محنت‌ها چه بر دل‌ها رسیدپرتو ارشاد تو همچون شعاع آفتابدر همه سطح جهان از طول و از پهنای رسیدجست از درد جهالت در نخستین دم شفاءهر کسی در خدمتت از بھر استشفای رسیدهم چنان آیات منزل می‌نهادندش به چشمهر کجا بر هر کس از تو سر خطّ و طغرا رسیدهر بنی آدم که پیرو بود احکام تراهم چو آدم بر مقام قرب کزمنای رسیدنطقت از جان پیروی کار مسیحائی نمودکلکت از معجز نمائی بر ید بیضا رسیدپرتو رأی رزینت بر همه گیتی بتافترتبه طور درت بر سیه سینا رسیدهر که شد خاک رتبت شد تاج فرق دیگرانهر که شد فرمانبرت بر رتبت علیا رسیدپیروت گردیده هر گمره، به حق شد رهنمونبندهات گردید هر مضطرّ باستغنا رسیدظلم‌های ناروا از بعثیان بد گهربر وجود حضرتت بی حدّ و بی احصا رسید

غروب خورشید فقاقت، ص: ۱۶۵

آن چه اولادِ امیّه کرد با آل رسول (صلی الله علیه وآله و سلم)

از رژیم بعث بر تو سیّد والا رسیدلعن و نفرین باد بر صدام و حزب بعث اوبس مصیبت بر تو از آن مُلحد رسوا رسیدشاد زئی ای آیت الله در جوار لطف حقّچون تو شاد است از کسی بر جنه المأوی رسیدگر چه در خاک است جسم پاکت ای فرخنده پیطایر وحت بشاخ سدره، و طوبی رسیددر رثاء حضرتت این چامه را انشاد کردتا «جلیلی» را به گوش دل چنین آوا رسید

اثر: آیت الله حاج شیخ عبدالجلیل جلیلی کرمانشاهی

فهرست منابع و مآخذ

- نُهَضت روحانیون ایران، استاد شیخ علی دوانی (۱۱ جلد).

- اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی (جلد ۱).

- دائرة المعارف تشیع، زیر نظر: احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهاء الدّین خرمشاهی، جلد ۲.

- آثار الحجّه، تألیف: مُجّد شریف رازی (۲ جلد).
- گنجینه دانشمندان: تألیف: مُجّد شریف رازی.
- التصریحات الخطیره حول التغلغل الیهودیّه و البهائیه. فی ایران، الامام خوئی.
- ترجمه فارسی نیرنگ صهیونیزم در ایران، الامام خوئی، ترجمه: زین الدین تهرانی.
- روزنامه الجهاد، صوت الحركه الاسلامیه فی العراق، شماره ۴۸۵، دوشنبه ۸ رمضان. ۱۴۱۱ هـ.
- العراق بین الماضی و الحاضر و المستقبل، مؤسسه الدراسات الاسلامیه، چاپ بیروت.
- شناخت صهیونیزم بین الملل و انقلاب اسلامی ایران، سید جواد علم الهدی.
- نهضت امام خمینی، سید حمید روحانی، جلد ۱ و ۲.
- روزنامه اطلاعات، پنج شنبه ۹ فروردین ماه ۱۳۵۸، شماره ۱۵۸۱۷.
- الأمام الحکیم، تألیف: سید احمد حسینی.
- افشاگر توطئه، علی ابوالحسنی مندر.
- نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر.
- مجله العدد الحادى عشر - المجلد الثالث ۱۹۹۰ م - ۱۴۱۲ هجرى.
- مجله نور علم شماره ۴۸. مقاله دانشمند محترم ناصر الدین انصاری قمی که قسمت‌هایی از مطالب کتاب را از مقاله ایشان اقتباس کرده‌ایم.^{۲۳}

^{۲۳} اسلامی، غلامرضا، غروب خورشید فقاہت، ۱ جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۳ هـ.ش.

غروب خورشید فقاہت

غروب خورشید فقاہت

تقدیم

مقدمه

* سخنی با خواننده: ص : ۹

زندگی نامه حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه)

حوزه درس معظم له

* مشایخ روایتی معظم له:

* تألیفات و تقریرات معظم له:

تقریرات: ص : ۱۸

الف - فقه ص : ۱۸

ب - اصول: ص : ۱۹

تألیفات: ص : ۲۰

* تفسیر و علوم قرآنی ص : ۲۱

کلام ص : ۲۱

* رجال ص : ۲۲

* فقه ص : ۲۲

* اصول ص : ۲۴

* هیئت استفتاء:

شاگردان:

* سفر معظم له به قم:

* خصوصیات اخلاقی معظم له

* دستگیری از ضعیفان ص : ۳۱

* گذشت و کرامت نفس ص : ۳۲

* کمال استفاده از اوقات ص : ۳۲

ساده زیستی ص : ۳۳

علاقه مندی و تجلیل ایشان از دانشمندان ص : ۳۴

مقید بودن به زیارت ص : ۳۵

تعظیم از مراجع عصر ص : ۳۵

اهتمام آیت الله به تحجد و تزکیه نفس ص : ۳۶

* فرزندان و دامادها:

دامادها ص : ۳۸

* آثار عمرانی:

* مرکز بزرگ اسلامی نیویورک: ص : ۴۰

مرکز الامام الخوئی - سوانزی (آمریکا) ص : ۴۱

مرکز الامام الخوئی - لندن ص : ۴۲

مجمع فرهنگي الامام الخوئی در هند: ص : ۴۲

پروژه پاکستان: ص : ۴۶

مدرسه دارالعلم در بانكوك: ص : ۴۸

- برنامه های در دست اجراء:

* مؤسسه دارالایتم لبنان: ص : ۵۰

* مدینه العلم قم (شهرک دانشجویی و طلبه نشین) ص : ۵۰

* مدینه العلم. صاحب الزمان (عج): ص : ۵۱

شعیه شدن سید محمد تیجانی سماوی

- مبارزه سیاسی و خستگی ناپذیر حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه)

متن فتوای حضرت آیت الله خوئی درباره حزب منحلّه توده ص : ۵۳

هویت حزب توده ص : ۵۴

تذکر:

آغاز جوشش انقلاب

تلگرام حضرت آیت الله خوئی (رحمه الله علیه). درباره تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی ص : ۵۸

تلگرام حضرت آیت الله العظمی آقای حاج آقا روح الله خمینی مدظله لعالی به آقای اسد الله علم نخست وزیر ایران درباره شرکت زنان در انتخابات ایالتی

و ولایتی ص : ۵۹

تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی درباره تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی ص : ۶۰

تلگرام حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی درباره تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی ص : ۶۱

تلگرام آیت الله العظمی خوئی درباره انجمن های ایالتی و ولایتی تهران ص : ۶۲

تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی درباره تصویب نامه انجمن های ایالتی ولایتی ص : ۶۳

تلگرام دوم حضرت آیت الله خمینی ص : ۶۴

تلگرام آیت الله العظمی مرعشی نجفی درباره تصویب نامه انجمن های ایالتی ولایتی ص : ۶۶

نامه حضرت آیت الله خوئی ص : ۶۷

پاسخ نخست وزیر به مراجع. تقلید: ص : ۶۸

تحریم رفاندوم (لویح شش گانه) ص : ۶۹

یورش رژیم شاه به روحانیت و مردم ص : ۷۰

یورش به مدرسه فیضیه قم: ص : ۷۱

تلگرام آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). به امام خمینی (قدس سره الشریف) در پی یورش مزدوران رژیم شاه به مدرسه فیضیه ص : ۷۲

تلگرام آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). در پی فاجعه مدرسه فیضیه واهانت به علماء اسلام ص : ۷۳

پاسخ آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). به نامه عده ای از علماء ایران ص : ۷۵

اعلامیه آیت الله العظمی خوئی در پاسخ به نامه عده ای از علماء ص : ۸۰

- واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ص : ۹۰

اعلامیه آیت الله خوئی به مناسبت فاجعه ۱۵ خرداد ص : ۹۲

تلگراف آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه). به شاه ص : ۹۵

* انتخابات دوره ۲۱ مجلس شورای ملی: ص : ۹۶

- سؤال و جواب از آیت الله العظمی خوئی ص : ۹۶
- تلگراف آیت الله العظمی خوئی به آیت الله العظمی میلانی درباره دستگیری جمعی از علماء آذربایجان ص : ۱۰۲
- تلگراف آیت الله العظمی خوئی در مورد دستگیری جمعی از علماء آذربایجان ص : ۱۰۳
- تلگرام آیت الله خوئی.(رحمه الله علیه). به آیات العظام قم درباره دستگیری جمعی از علماء آذربایجان ص : ۱۰۴
- نامه آیت الله العظمی خوئی.(رحمه الله علیه). درباره دستگیری جمعی از علماء آذربایجان ص : ۱۰۵
- احیاء کاپیتالاسیون و تبعید امام خمینی(رحمه الله علیه) ص : ۱۰۶
- تلگراف حضرت آیت الله خوئی.(رحمه الله علیه). به قم ص : ۱۰۷
- بیانیه‌های هیئت علمی کرپلا و نجف ص : ۱۰۸
- بیانیه هیئت علمی کرپلا ص : ۱۰۹
- تلگرام آیت الله العظمی خوئی به امیر عباس هویدا پیرامون قانون شکنی رژیم شاه ص : ۱۱۲
- تلگرام آیت الله العظمی الخوئی خطاب به امیر عباس هویدا در اعتراض به محاکمه جمعی از روحانیون و کسبه ص : ۱۱۳
- انتقال امام خمینی به نجف و استقبال آیت الله خوئی از ایشان ص : ۱۱۴
- * نمونه سرمایه‌داری اجنبی در ایران: ص : ۱۱۴
- * مخالفت آیت الله خوئی با اسرائیل غاصب ص : ۱۱۵
- جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل ص : ۱۲۷
- اعلامیه آیت الله عظمی خوئی در پی تهاجم مسلمانان برای آزادسازی سرزمین‌های اسلامی ص : ۱۲۷
- اوج‌گیری انقلاب ص : ۱۲۸
- نقشه تفرقه‌انگیز شاه! ص : ۱۳۳
- مکالمه تلفنی حضرت آیت الله خوئی مدظله ص : ۱۳۴
- رفراندوم جمهوری اسلامی ص : ۱۳۷
- نقش آیت الله خوئی(رحمه الله علیه) در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ص : ۱۳۷
- نقش آیت الله خوئی(رحمه الله علیه). در قیام شیعیان عراق
- دستگیر و تبعید حضرت آیت الله خوئی ص : ۱۴۱
- بازتاب‌های دینی، سیاسی انتقال زعیم حوزه علمیه «امام خوئی(رحمه الله علیه)» از نجف به بغداد ص : ۱۴۲
- تظاهرات اعتراض‌آمیز: ص : ۱۴۲
- متن فتوی آیت الله خوئی دام‌ظله به مناسبت انتفاضه و قیام مردم عراق ص : ۱۴۳
- تحصن در نیویورک:
- اعتراض رسمی:
- متن پیام حضرت آیت الله العظمی آقای گلپایگانی(مدظله العالی) نسبت به وظیفه مسلمانان در برابر اوضاع اسفبار عراق ص : ۱۴۸
- مسلمانان لبنان بازداشت امام خوئی.(رحمه الله علیه). را محکوم می‌کنند ص : ۱۵۵
- خبرهای گوناگون در مرد بازداشت مرجع عالیقدر امام خوئی.(رحمه الله علیه): ص : ۱۵۷
- امام خوئی در اقامت جبری بسر می‌برد: ص : ۱۵۹
- * ارتحال مرجع عالیقدر شیعه آیت الله العظمی خوئی.(رحمه الله علیه)
- «در سوگ ارتحال آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم موسوی.(رحمه الله علیه)»